مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما

بررسی نظام تربیتی صحیفه سجادیه

بسم الله الرحمن الرحیم

بررسی نظام تربیتی صحیفه سجادیه

نویسنده:

علی اصغر ابراهیمی فر

ناشر چاپی:

مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

بررسی نظام تربیتی صحیفه سجادیه

مشخصات کتاب

سرشناسه : ابراهیمی فر، علی اصغر، ۱۳۵۴ -

عنوان و نام پدیدآور : بررسی نظام تربیتی صحیفه سجادیه/علی اصغر ابراهیمی فر ؛ تهیه کننده مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما.

مشخصات نشر : قم: صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، مرکز پژوهش های اسلامی: دفتر عقل، ۱۳۸۵.

مشخصات ظاهری : ۱۹۴ ص.

شابک : ۱۴۰۰۰ ریال:۹۶۴-۹۶۸۷۳-۱-۹

یادداشت : کتابنامه: ص. [۱۸۹] - ۱۹۴؛ همچنین به صورت زیرنویس.

موضوع : علی بن حسین(ع)، امام چهارم، ۳۸ - ۹۴ق. الصحیفه السجادیه -- نقد و تفسیر.

موضوع : اسلام و آموزش و پرورش.

موضوع : تربیت خانوادگی (اسلام).

شناسه افزوده : علی بن حسین(ع)، امام چهارم، ۳۸ - ۹۴ق. الصحیفه السجادیه. شرح.

شناسه افزوده : صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران. مرکز پژوهش های اسلامی.

رده بندی کنگره : BP۲۶۷/۱/ع۸ص۳۰۴۲۲۱۵ ۱۳۸۵

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۷۷۲

شماره کتابشناسی ملی : ۱۰۴۳۵۵۹

ص: ۱

اشاره

دیباچه

انسان، برترین آفریـده خداونـد و والاترین نشانه قدرت اوست. تمام زمینه های رشد و کمال در وجود انسان نهاده شده است تا به مقام خلیفه اللهی برسـد و این هـدف جز با تربیت دینی و اخلاقی ممکن نیست. هدف از رسالت انبیا و امامان معصوم علیهم السـلام نیز فراهم کردن زمینه های رشـد و تعالی انسان و رهانیدن او از گمراهی ها و هدایت به سوی نور است. اگر این تحول مقـدس بر اساس تربیت الهی در انسان تحقق نیابد، انسان در مرتبه حیوانی اش می ماند و در جهت سـیر نزولی گام برمی دارد. همه تلاش انبیا و همت معصومان علیهم السلام این بوده است که انسان تربیت کنند.

از دیـدگاه اسـلام و مکتب تشیع، بهترین راه تربیت انسـان، پیروی از وحی الهی و سـنت معصومین علیهم السـلاماست. در این پژوهش، نظام تربیتی اسـلام در صـحیفه سـجادیه بررسـی خواهد شد. مجموعه دعاها و فرازهای شـیوای این صحیفه الهی نشان می دهد این کتاب شـریف، ابعاد گوناگون دارد که بررسی بُعد تربیتی آن در اولویت پژوهشی این اداره کل قرار گرفته است. با توجه به جامعیت صـحیفه سـجادیه و گستردگی مباحث تربیتی آن، بررسی نظام تربیتی منسجم در محدوده این پژوهش نمی گنجد. ازاین رو،

گروه یـا گروه هـای پژوهشـی بایـد در قـالب پژوهش برنـامه ای، پژوهشـی جـدی را در فرآینـدی گسترده و طولاـنی به انجـام رسانند.

در این پژوهش، تنها به برخی عناصـر نظام تربیتی، آن هم در بُعـد دینی و اخلاقی اشاره می شود. امیـد است این پژوهش، فتح بابی برای دیگر پژوهشگران برنامه های صدا و سیما باشد.

اداره کل پژوهش مرکز پژوهش های اسـلامی صـدا و سـیما امیدوار است این پژوهش مورد قبول امام سـجاد علیه السـلام قرار گیرد و گامی هر چنـد کوچک در راه آشـنایی برنامه ریزان و برنامه سازان با صـحیفه سـجادیه و بهره مند شدن از آموزه های ارزنده اش باشد.

این پژوهش با همکاری مشترک مرکز پژوهش های اسـلامی صداوسیما و مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمه الله و به قلم حجت الاسـلام علی اصـغر ابراهیمی فر نگـارش یـافته است. انتظـار داریم در پرتـو تعامـل علمی، شاهـد شـکوفایی آثـار مشترک دیگری در زمینه فرهنگ تربیتی ائمه معصومین علیهم السلامباشیم.

انّه ولی التوفیق

اداره کل پژوهش

مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما

ص: ۴

پیش گفتار

پیش گفتار

صحیفه سجادیه، میراث گران قدر چهارمین پیشوای معصوم شیعیان، حضرت امام علی بن الحسین علیه السلاماست. این کتاب شریف، گنجینه ای گران بها و سرمایه ای پربار و تحفه ای الهی است که بر قلب یکی از عزیزترین انسان ها الهام شده است. اثری است جامع و کامل که از منبعی مصون از هرگونه اشتباه و خطا سرچشمه گرفته است.

در دوران امامت امام سجاد علیه السلام، زمام داران جور آشکارا به احکام اسلام دهن کجی می کردند و جامعه را چنان به فساد اخلاقی آلوده کرده بودند که قیام و اصلاح ناممکن شده بود. ازاین رو، امام سجاد علیه السلام برای انجام رسالت خود که همان هدایت و تربیت انسان هاست، با توسل به شیوه دعا و نیایش، از مکتب تشیع علوی پاسداری کرد و به گسترش آموزه های اسلامی و تربیت انسان ها پرداخت.

این پژوهش به بررسی و کشف نظام تربیتی در صحیفه نورانی سجادیه می پردازد. بخش اول، کلیاتی درباره پژوهش حاضر و بخش دوم، عهده دار تبیین مبانی تربیتی صحیفه سجادیه است. بخش سوم به اصول تربیتی صحیفه اشاره دارد. در بخش چهارم، روش های تربیتی صحیفه سجادیه بررسی می شود و بخش پنجم به توضیح هدف های تربیتی در صحیفه سجادیه اختصاص دارد. در بخش پایانی نیز به نقش رسانه در انتقال مفاهیم بلند صحیفه سجادیه پرداخته شده است.

بخش اول: کلیات

۱. طرح مسئله

۱. طرح مسئله

انسان، شگفت انگیزترین آفریده خداوند و والاترین نشانه قدرت اوست. انسان قابلیت اتصاف به برخی کمالات الهی را داراست. اصولاً انسان آفریده شده است تا به مقام خلیفه اللهی برسد و این سیر تکاملی جز با تربیت دینی و اخلاقی ممکن نمی شود.

انبیا و امامان معصوم علیهم السلام آمده اند تا زمینه های چنین تحول روحانی و معنوی را فراهم سازند و انسان را از گمراهی ها به نور و روشنایی رهنمون شوند. اگر این تحول معنوی بر اساس تربیت ربانی محقق نشود، انسان در مرتبه حیوانی خود می ماند و استعدادهای خود را در جهت سیر نزولی به کار می گیرد.

اسلام، وحی و سنت معصومین علیهم السلام را بهترین راه تربیت انسان می داند که مبتنی بر شناخت حقیقت انسان و همه نیازها و ابعاد وجودی اوست.

ص: ۶

در آغاز این نوشتار، توجه به نکات زیر ضروری است:

الف) هدف اصلی از فرستادن پیامبران و ائمه علیهم السلام تربیت دینی و اخلاقی انسان و قرار دادن آنها در مسیر تکامل معنوی است.

ب) دیدگاه های پیامبران و ائمه علیهم السلام به دلیل اتصال به منبع وحی الهی، از خطا و اشتباه مصون است و میزان تطبیق نظریه های آنها با واقع، قابل مقایسه با آرای دیگران (غیرمعصومان) نیست.

ج) تربیت با تکیه بر آموزه های دینی، به ویژه تربیت اسلامی، بهترین و موفق ترین نوع تربیت است. بهترین شاهد این مدعا، پرورش انسان های اسوه و شایسته ای همچون خود پیامبر و ائمه علیهم السلام و یاران آنها در بستر آموزه های اسلامی است.

با توجه به جامع بودن و گستردگی موضوع های تربیتی صحیفه سجادیه و استفاده از آیات و روایات در شرح و توضیح فرازهایی از دعاهای آن، به نظر می رسد ترسیم تصویری از نظام تربیتی صحیفه سجادیه، به طور اجمالی نمایانگر جایگاه این کتاب شریف در فرآیند تربیت در مجموعه متون اسلامی باشد.

۲. تعریف مفاهیم

۲. تعریف مفاهیم

الف) مفهوم تربیت

یک _ واژه شناسی تربیت

واژه «تربیت»، از دو ریشه «ربو» و «ربب» گرفته شده است.(۱) البته لغت دانان در اینکه کدام یک از دو ریشه، اصلی و کدام فرعی است، اختلاف نظر دارند.(۲) تربیت، از ریشه «ربو» به معنای تغذیه و رشد و نمو است که بیشتر به پرورش جسمانی و مادی مربوط است. تربیت، از ریشه «ربب»، معانی متعددی دارد، مانند: سرپرستی، کامل کردن، اصلاح امور، تدبیر، تأدیب، چیزی را ایجاد کردن و به تدریج، از حالت نقص به حد تمام رساندن و هدایت چیزی به سمت کمال.

۱- برای نمونه، نک: احمد بن فارس، معجم مقاییس اللغه، بیروت، دارالجیل، ۱۴۱۱ ه . ق، چ ۱، ج ۲، ص ۴۸۳، ماده «ربب» و «ربو»؛ محمد مرتضی زبیدی، تاج العروس، بیروت، دار مکتبه الحیاه، ج ۱۰، ص ۱۴۲، ماده «ربب»؛ راغب اصفهانی، مفردات فی غرایب القرآن، مکتبه البوذر جمهوری المصطفری، ۱۳۷۳ ه . ق، ص ۱۸۲، ماده «ربب» و «ربو»؛ اسماعیل بن حماد الجوهری، صحاح اللغه، بیروت، دارالعلم للملایین، ۱۳۹۹ ه . ق، چ ۱، ج ۶ ، ص ۲۳۴۹، ماده «ربب».

۲- از کلام لغت شناسان دو قول استفاده می شود: الف) از ظاهر کلام راغب برمی آید که «ربب» (رب)، از «ربو» مشتق شده و «ربو» ریشه اصلی است و «ربب» ریشه فرعی واژه «تربیت» است. ب) از کلام کسانی مانند ابن منظور در لسان العرب و زبیدی در تاج العروس برمی آید که «ربی» در اصل «ربب» و مضاعف بوده که به دلیل ایجاد سهولت در تلفظ و تخفیف، «باء» دوم تبدیل به حرف علّه شده و سپس مصدر آن بر وزن «تفعله» آمده است: (ربب، ربی، یربی، تربیه).

بنابراین، به نظر می رسد معنای تربیت از ریشه «ربب»، تدبیر چیزی برای کشاندن آن به سوی کمال است و در معانی دیگر، به معنای تدبیر به منظور هدایت به سوی کمال است.

اول ــ مشتقات واژه تربیت از ریشه «ربو»

در صحیفه سجادیه، واژه تربیت و مشتقات آن، از ریشه «ربو» در موارد زیر به کار رفته است:

۱. «... اَللّهُمَّ اشْکُرْ لَهُما تَرْبِیَتی... اَینَ اِذا ــ یا اِلهی ــ طُولُ شُغْلِهِما بِتَربِیَتی؛ بار خدایا! آنان را به پرورش من جزا ده. در این هنگام ــ ای خدای من ــ بسیاری کار ایشان برای پرورش من چه شد؟»(۱)

۲. «رَبِّ لِی صَغیرَهُم؛ خردانشان را برای من پرورش ده».(۲)

۳. «اَللّهُمَّ اِنَّکَ خَلَقْتَنی سَوِیّا وَ رَبَّیْتَنی صَغیرا؛ بار خدایا! تو مرا درست اندام آفریدی و در کوچکی پرورش دادی».(۳)

۴. «وَ اَعِنّی عَلی تَربِیَتِهِم وَ تَأدیبِهِم...؛ و مرا در پرورش ایشان یاری فرما».(۴)

تربیت از ریشه «ربو»، در فرازهای بالا، با توجه به قرینه های لفظی «صغیر» و «تأدیب» به معنای افزایش جسمانی و بزرگ کردن انسان است.

۱- دعای ۲۴، بند ۷ و ۱۰. در این کتاب، نشانی دعاها و ترجمه فرازهای آن از ترجمه و شرح صحیفه سجادیه فیض الاسلام است و نخست شماره دعا و سپس شماره بند آمده است.

۲- دعای ۲۵، بند ۲.

۳- دعای ۵۰، بند ۱.

۴- دعای ۲۵، بند ۵.

بزرگ کردن و تربیت و تکامل جسمانی، گرچه مهم است، ولی در اسلام، تنها مقدمه ای برای تعالی روحی انسان به شمار می رود.

دوم ــ مشتقات واژه تربیت از ریشه «ربب»

در صحیفه سجادیه که سرشار از آموزه های تربیتی اسلام به زبان دعاست، بارها واژه های «ربوبیت»، «رب»، «مربوب» و مشتقات تربیت از ریشه «ربب» آمده است. در دعای امام سجاد علیه السلام، درباره پناه بردن به خداوند از شر شیطان آمده است:

اَللَّهُمَّ وَ اعْمُمْ بِذلِکَ مَنْ شَهِدَ بِکَ بِالرُّبُوبِیَّه... وَ اسْتَظْهَرَ بِکَ عَلَیهِ فی مَعْرفَهِ الْعُلُومِ الرَّبانِیَّه.(۱)

بار خدایا! شامل این درخواست من گردان هر که را به پروردگاری ات گواهی دهد و در آموختن علم های خدایی بر دشمنی با او از تو کمک بطلبد.

در دعای دیگری از حضرت آمده است: «لایُجیرُ یا اِلهی، اِلّا رَبٌّ عَلی مَربُوبٍ؛ پناه نمی دهد ای خدای من، جز پروردگار، پرورده ای را».(۲)

به دلیل نارسایی واژه تربیت از ریشه «ربو» در تبیین مفهوم تربیت اسلامی و با توجه به کاربرد گسترده واژه تربیت و مشتق های آن از ریشه «ربب» در صحیفه سجادیه، به نظر می رسد برای تبیین مفهوم و تعریف تربیت اسلامی باید به سراغ ریشه «ربب» و مشتقات آن مانند رب و ربوبیت برویم که در آنها معنای تدبیر و هدایت انسان به سوی کمال نهفته است.

۱- دعای ۱۷، بند ۱۱.

۲- دعای ۲۱، بند ۳.

دو ــ اصطلاح شناسی تربیت

در کتاب های مربوط به تعلیم و تربیت، برای واژه تربیت، معانی زیادی آورده شده است. برای نمونه، گفته اند: «فراهم کردن زمینه ها و عوامل به فعلیت رساندن یا شکوفا ساختن استعدادهای شخصی انسان، در جهت رشد و تکامل اختیاری او به سوی هدف های مطلوب و بر اساس برنامه های سنجیده شده».(۱)

این تعریف می تواند تعریف مناسبی برای تعلیم و تربیت باشد؛ زیرا اول اینکه واژه تربیت در زبان فارسی و در کاربردی خاص، تمام جنبه های زندگی مادی و معنوی انسان را در برمی گیرد. دوم اینکه تعلیم نیز از جمله زمینه های شکوفاسازی استعدادهاست. ازاین رو، در این کاربرد، واژه «تربیت» معادل اصطلاح «تعلیم و تربیت» است.(۲)

ب) مفهوم نظام

واژه نظام، مناسب ترین معادل برای واژه سیستم (system) در زبان انگلیسی است؛ هر چند به باور برخی، نظام نمی تواند کاملاً مفهوم سیستم را برساند.(۳)

در تعریف نظام به معنای عام آمده است: «نظام، مجموعه منظم عناصری است که میان آنها روابطی وجود داشته باشد یا بتواند ایجاد شود و دارای

۱- دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، فلسفه تعلیم و تربیت، تهران، سازمان سمت، ۱۳۷۲، چ ۱، ج ۱، ص ۳۳۶.

۲- همان.

۳- حسین نمازی، نظام های اقتصادی، تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۴، ص ۸.

هدف یا منظور (خاصی) باشد».(۱)

«نظام در تئوری عمومی نظام ها، به مجموعه ای از اجزای به هم وابسته گفته می شود که در راه نیل به هدف های معینی با هم هماهنگی دارند».(۲)

نظام تربیتی را نیز چنین تعریف می کنیم: «نظام تربیتی، مجموعه ای از مفاهیم و اندیشه های منظم و سازمان یافته درباره تربیت است که بین آنها روابط متقابل جریان دارد و به اصطلاح، از نوعی هم بستگی درونی برخوردارند و بیانگر کیفیت و چگونگی تربیت، به طور اساسی و پایه ای هستند».(۳)

ج) عناصر نظام تربیتی

نظام تربیتی اسلام، مجموعه بزرگی است که زیرمجموعه های فراوانی دارد و عناصر آن از منابعی چون قرآن کریم، نهج البلاغه، صحیفه سجادیه و روایات و احادیث ائمه علیهم السلام و اندیشه های متفکران مسلمان گرفته شده است. از آنجا که این منابع با منبع وحی الهی پیوند دارند، از هرگونه خطا و اشتباهی به دور هستند.

بنابراین، عناصر زیادی در شکل دهی یک نظام تربیتی دخالت دارند که بحث درباره آنها نیازمند زمانی طولانی است. برخی از آنها که در این

۱- همان، ص ۷.

۲- سیدحسین میرمعزی، نظام اقتصادی اسلام، کانون اندیشه جوان، ۱۳۷۸، چ ۱، ص ۱۵.

۳- محمدعلی حاجی ده آبادی، درآمدی بر نظام تربیتی اسلام، قم، مرکز جهانی علوم اسلامی، ۱۳۷۷،چ۱، ص۱۷.

پژوهش بررسی شده است، عبارتند از: مبانی، اصول، روش ها و اهداف تربیتی.(۱)

۳. هدف های کلی و جزئی پژوهش

۳. هدف های کلی و جزئی پژوهش

هدف کلی این نوشتار، بررسی این مسئله است که آیا می توان از صحیفه سجادیه، عناصر یک نظام تربیتی اسلامی را برداشت کرد یا اینکه تنها باید به عنوان کتاب دعا به آن نگریست؟

پژوهش حاضر در پی بررسی و اثبات این نظریه است که صحیفه نورانی سجادیه، با زبان دعا و مناجات، رساننده پیام های تربیتی اسلامی نیز هست. با در نظر گرفتن این پیش فرض، به دنبال مبانی، اصول و روش های تربیتی خاص در صحیفه سجادیه هستیم.

۴. پرسش های پژوهش

۴. پرسش های پژوهش

الف) پرسش اصلی

آیا در صحیفه سجادیه به بُعد تربیتی انسان پرداخته شده است؟ به دیگر سخن، آیا ابعاد و مسائل تربیتی را به صورت نظام مند می توان از این کتاب برداشت کرد؟

۱- برای آگاهی بیشتر از نظام تربیتی صحیفه سجادیه، نک: نمودار شماره ۱.

ب) پرسش های فرعی

۱. مبانی و اصول نظام تربیتی صحیفه سجادیه چیست؟

۲. کدام روش های تربیتی را از صحیفه سجادیه می توان برداشت کرد؟

۳. اهداف تربیتی مورد نظر صحیفه سجادیه کدامند؟

۴. راهکار تبیین آموزه های تربیتی صحیفه سجادیه در رسانه چیست؟

۵. روش پژوهش

۵. روش پژوهش

روش پژوهش در این نوشته، کتاب خانه ای ــ همراه با تحلیل و تفسیر ــ است؛ یعنی افزون بر دقت در بررسی متن صحیفه سجادیه، برای فهم فرازهای مختلف آن، به معتبرترین تعلیقه ها و شرح های نگاشته شده درباره این صحیفه نورانی مراجعه شده است.

با الگوگیری از شیوه امام سجاد علیه السلام در صحیفه، افزون بر مراجعه به تعلیقه ها و شرح ها، برای کشف معنای فرازهایی از دعاهای این کتاب شریف، آیات و روایت های فراوانی که متناسب و مرتبط با موضوع بحث است، بررسی خواهد شد. خود امام سجاد علیه السلام نیز در موارد بسیاری از آیات قرآن بهره برده و همواره تمسک به قرآن و روایات را به مخاطبان خویش آموزش داده است.

این پژوهش، با مروری بر دعاهای صحیفه سجادیه و گزینش فرازهایی از آنها که به مباحث تربیتی مربوط می شود، می کوشد به مطالعه برون صحیفه ای درباره نکته هایی بپردازد که در دعاهای این کتاب نورانی وجود دارد. همچنین برای پی بردن به مفاد دعاها به شرح ها و کتاب های مختلف

استناد جسته و دعاها را با توجه به عنوان های تربیتی مرتبط با بحث، دسته بندی کرده ایم.

۶. پیشینه پژوهش

اشاره

۶. پیشینه پژوهش

برای آگاهی از پیشینه پژوهش ها درباره «نظام تربیتی صحیفه سجادیه»، به منابع فراوانی مراجعه شد که می توان آنها را به سه دسته تقسیم کرد:

الف) شرح های صحیفه سجادیه

الف) شرح های صحیفه سجادیه

منابع دسته نخست، شرح ها و ترجمه های گوناگون فارسی و عربی است.[(۱)] از آنجا که هدف این پژوهش، شرح و توضیح صحیفه سجادیه نیست، بلکه درصدد پی جویی و کشف نظام تربیتی صحیفه سجادیه در محدوده پرسش های پژوهش است، با وجود شرح های ارزشمند، پرداختن به پژوهش حاضر، کار تکراری نیست؛ زیرا هدف اصلی این شرح ها یا ترجمه ها، ترسیم نظام تربیتی نبوده است.

نویسنده در فهم عبارت ها و بندهای مختلف این کتاب شریف، از منابع یاد شده، بهره فراوانی برده؛ به ویژه در ترجمه فرازهای صحیفه سجادیه، در سرتاسر پژوهش، از ترجمه و شرح فیض الاسلام استفاده کرده است.

۱- سید علی خان حسینی، شرح ریاض السالکین؛ محمدباقر حسینی میرداماد، شرح الصحیفه السجادیه؛ محمدتقی فلسفی، شرح و تفسیر دعای مکارم الاخلاق؛ فیض الاسلام، ترجمه و شرح نهج البلاغه؛ میرزا ابوالحسن شعرانی، ترجمه و شرح صحیفه سجادیه.

ب) کتاب ها

ب) کتاب ها

دسته دوم از منابع، کتاب های تعلیم و تربیت و اخلاق اسلامی است. نتیجه مراجعه به این دسته از منابع، احاطه به زوایای موضوع بحث است که در جای خود بسیار مفید بود، ولی به دو دلیل، نیاز به پژوهش دوباره احساس شد:

۱. در برخی کتاب های تربیتی، تنها به شماری از عناصر نظام تربیتی اشاره شده و از این جهت در آنها احساس کمبود می شد، مانند: کتاب روش تربیتی اسلام یا منهج التربیه الاسلامیه اثر محمد قطب.(۱) این کتاب از جمله کتاب های نادری است که درباره تعلیم و تربیت نگاشته شده است. نویسنده این کتاب با بینش عمیق و سبکی نو، به کاوش درباره مسائل مربوط به تعلیم و تربیت در نظام تربیتی اسلام پرداخته است.

این کتاب، نخست به ویژگی های روش های تربیتی در اسلام، مانند: ارزش دادن اسلام به موضوع روش ها، اهداف در موضوع تربیت(۲) و وابستگی روش تربیت انسان به رسیدگی همه جانبه به سرشت انسان(۳) پرداخته و سپس به روابط متقابل روح و جان بشر اشاره کرده است.(۴)

۱- محمد قطب، روش تربیتی اسلام، ترجمه: محمدمهدی جعفری، مرکز نشر دانشگاه شیراز،۱۳۷۵،چ۵.

۲- همان، ص ۲.

۳- همان، ص ۹.

۴- همان، ص ۱۳۳.

۲. در برخی دیگر از کتاب های تربیتی، مانند: کتاب نگاهی دوباره به تربیت اسلامی،(۱) به همه عناصر نظام تربیتی اشاره شده است، ولی ناظر به صحیفه سجادیه نیست. نویسنده این کتاب، نخست بحثی را با عنوان «توصیف انسان در قرآن» مطرح کرده و در آن، ویژگی های انسان را در قرآن گردآورده است. سپس با اشاره ای به تعریف تربیت، اهداف تربیتی(۲) در نظام تربیتی اسلام را بیان کرده است. در فصل چهارم کتاب نیز به بیان ویژگی های انسان در قرآن می پردازد و هر یک از آن ویژگی ها را به عنوان مبنای تربیت قرار می دهد. سپس با توجه به مبانی، اصولی را برمی شمارد. آن گاه با ملاحظه اصول و مبانی، روش هایی را به عنوان روش های تربیتی یادآور می شود. روش کار در این کتاب، جالب و الگودهنده است، ولی مطالب ناگفته بسیاری دارد. بنابراین، در اینجا چند نکته یادآوری می شود:

۱. این کتاب در چارچوب قرآن بحث کرده و به مبانی، اصول، روش ها و اهداف تربیتی موجود در قرآن پرداخته است. پس هیچ گونه اشاره ای به صحیفه سجادیه یا دیگر منابع اصیل تربیت اسلامی ندارد.

۲. در روش پژوهش در این کتاب آمده است که اصول مبتنی بر مبانی است و روش ها نیز مبتنی بر اصول و مبانی هستند. نکته قابل توجه این است که تعامل و درهم تنیدگی مبانی، اصول و روش ها به گونه ای نیست که هر مبنایی تنها یک یا دو اصل مشخص داشته باشد یا روشی تنها مبتنی

۱- خسرو باقری، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، انتشارات مدرسه، ۱۳۷۶، چ ۴.

۲- همان، ص ۱۱.

بر اصل خاصی باشد و مبتنی بر اصول دیگر نباشد. ممکن است یک مبنا، چند اصل داشته باشد یا اصلی بر پایه چند مبنا باشد. بحث در روش های تربیتی نیز چنین است. باید دانست کتاب های دیگری نیز در این زمینه هستند که ارزیابی بالا درباره آنها صادق است. در پژوهش حاضر، کوشیده ایم با تفکیک مبانی، اصول و روش ها از یکدیگر، این اشکال را برطرف کنیم.

ج) پایان نامه ها

ج) پایان نامه ها

در زمینه موضوع مورد پژوهش، نتیجه مراجعه به کتاب خانه ها،(۱) دست یابی به دو گروه از پایان نامه ها بود: دسته نخست، پایان نامه هایی که در موضوع تعلیم و تربیت و اخلاق اسلامی نوشته شده اند. دسته دوم، پایان نامه هایی که درباره صحیفه سجادیه نگاشته شده و ابعاد تربیتی آن را بررسی کرده اند. این منابع گرچه در محدوده صحیفه سجادیه، نکته های بسیار مهمی را مطرح کرده اند، ولی کاستی های زیادی در آنها وجود داشت که برای تبیین نظام تربیتی صحیفه سجادیه، نیاز به پژوهشی دوباره را ضروری می کرد. توضیح برخی پایان نامه هایی که به آنها مراجعه شد، در ادامه می آید:

ص: ۱۸

۱- کتاب خانه هایی که به این منظور مراجعه شده است، عبارتند از: الف) کتاب خانه دانشگاه تربیت مدرس، تهران؛ ب) کتاب خانه دانشگاه علوم تربیتی، تهران؛ ج) کتاب خانه مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمه الله، قم؛ د) کتاب خانه پژوهشکده حوزه و دانشگاه، قم؛ ح) کتاب خانه تربیت مدرس، قم؛ و) کتاب خانه مرکز مطالعات دفتر تبلیغات حوزه علمیه، قم و برخی دیگر از کتاب خانه های شهر قم.

۱. «اصول و روش های تربیتی از دیدگاه امام زین العابدین علیه السلام»،(۱) پایان نامه کارشناسی ارشد، رضا گرجی، رشته فلسفه تعلیم و تربیت، دانشگاه آزاد اسلامی اراک، ۱۳۷۶.

این پایان نامه، یک مقدمه و چهار فصل دارد که نویسنده در فصل چهارم و قسمت پایانی رساله با استناد به برخی فرازهای صحیفه سجادیه، به بررسی اجمالی اصول و روش های تربیتی پرداخته است. این رساله تنها در زمینه صحیفه سجادیه نیست، بلکه برگرفته از کل آثار امام سجاد علیه السلاماست. نکته دیگر اینکه در تمام این پایان نامه، از دعاهای صحیفه سجادیه بسیار کم استفاده شده است.

۲. «قلب سلیم در صحیفه سجادیه»،(۲) پایان نامه کارشناسی ارشد، بی بی فاطمه مظلوم، رشته علوم قرآن و حدیث، دانشگاه تربیت مدرس قم.

این پایان نامه در قالب یک مقدمه و پنج فصل، با استناد به آیات و روایات و با بهره گیری از برخی دعاهای صحیفه سجادیه، به تعریف «قلب سلیم» و برخی ویژگی های آن پرداخته است. نویسنده در این رساله، به برخی نکات تربیتی اشاره و از شرح مبانی، اصول، روش ها و اهداف تربیتی خودداری کرده است.

۳. «اصول و مبانی تربیتی در صحیفه کامله سجادیه»،(۳) پایان نامه

۱- کتاب خانه مرکز مطالعات و تحقیقات علوم تربیتی.
۲- کتاب خانه مرکز مطالعات و تحقیقات دفتر تبلیغات اسلامی.
۳- کتاب خانه مرکز تربیت مدرس قم بخش پایان نامه ها.

کارشناسی ارشد، دُریه حق دوست، مرکز تربیت مدرس حوزه علمیه قم.

این پایان نامه یک مقدمه و شش فصل دارد. در فصل نخست، به ماهیت انسان از دیدگاه اسلام، قرآن و صحیفه سجادیه پرداخته و در فصل دوم، اوضاع سیاسی ـ اجتماعی عصر امام سجاد را بررسی کرده است. در فصل سوم، مفهوم تربیت در صحیفه سجادیه؛ در فصل چهارم، اصول تربیتی در صحیفه سجادیه؛ در فصل پنجم، اهداف تربیتی در صحیفه سجادیه و در فصل ششم، روش های تربیتی در صحیفه سجادیه بررسی شده است.

این پایان نامه، به جز نارسایی های فنی، مانند: نپرداختن به کلیات پژوهش، کمبود منابع پژوهشی و نبود نتیجه گیری و پیشنهاد، کاستی های محتوایی نیز دارد. بررسی نشدن مبانی تربیتی آورده شده در عنوان پایان نامه، ارتباط نداشتن اصول با روش های تربیتی، بهره برداری اندک و برداشت های تربیتی کم رنگ از فرازهای صحیفه سجادیه، از جمله این کاستی های محتوایی است.

۷. ضرورت پژوهش

۷. ضرورت پژوهش

اندیشمندان شیعی درباره صحیفه سجادیه، پژوهش های زیادی در قالب شرح و ترجمه نگاشته و میراث علمی گران بهایی به یادگار گذاشته اند، ولی بیشتر این پژوهش ها بر اساس دقت های ادبی و شرح و توضیح واژه ها صورت گرفته است. برای مثال، شرح ریاض السالکین که در هفت جلد نگاشته شده است، یکی از شرح های معتبر و مهم صحیفه به شمار می آید،

ولی این شرح، بیشتر به جنبه های ادبی و توضیح واژه ها از نگاه اعتقادی و اخلاقی پرداخته است.

پس پژوهش های ارزشمند عالمان سلف درباره صحیفه سجادیه، بیشتر در قالب شرح و توضیح واژگان و جمله هاست و کمتر به تجزیه و تحلیل تربیتی مطالب پرداخته اند. به جز آن، حتی آن دسته از شرح هایی که به طور تحلیلی به شرح و تفسیر صحیفه سجادیه پرداخته اند، با دید تربیتی، به تجزیه و تحلیل دعاهای صحیفه نپرداخته اند. گذشته از خلأ موجود در پژوهش های پیشین، نیازهای فعلی مربیان تربیتی در برخورداری از اندیشه های تربیتی امام سجاد علیه السلام، ضرورت این پژوهش را گوشزد می کند.

۸. پیش نیازهای پژوهش

اشاره

۸. پیش نیازهای پژوهش

پی گیری این بحث، نیازمند توضیحی اجمالی درباره این کتاب شریف و مقام والای امام سجاد علیه السلاماست که در دو بخش ارائه می شود.

الف) نگاهی به مقام والای امام زین العابدین علیه السلام

اشاره

الف) نگاهی به مقام والای امام زین العابدین علیه السلام

حضرت سجاد علیه السلام، فرزند حسین بن علی علیه السلام، سومین امام شیعیان جهان است که مادرش، «شهربانویه»(۱) نام دارد. نام مبارکش،

ص: ۲۱

۱- محمد بن یعقوب کلینی، اصول کافی، تصحیح و تعلیق: علی اکبر غفاری، تهران، مکتبه الصدوق، ۱۳۸۱ ه . ق، ج ۱، ص ۴۶۷؛ محمد بن محمد المفید، الارشاد، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۹ ه . ق، ص ۲۵۳؛ فضل بن حسن طبرسی، اعلام الوری باعلام الهدی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چ ۳، ص ۲۵۶؛ حسن بن محمد بن حسن قمی، تاریخ قم، ترجمه: حسن بن علی بن حسن قمی، تصحیح: سیدجلال الدین تهرانی، تهران، انتشارات توس، ۱۳۶۱، ص ۱۹۶؛ علی بن عیسی اربلی، کشف الغمه فی معرفه الائمه، تبریز، مکتبه بنی هاشمی، ۱۳۸۱ ه . ق، ج ۲، ص ۲۸. در کتاب های تاریخ و زندگانی ائمه، نام مادر امام چهارم مورد اختلاف است. افزون بر شهربانویه، به دوازده صورت دیگر نیز همچون: شاه زنان، جهان شاه، شهرناز، جهان بانویه، خوله، سلافه و... آمده است. برای آگاهی بیشتر نک: جعفر شهیدی، زندگانی علی بن الحسین، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۵، چ ۱، صص ۲۷ _ ۲۹.

«علی» و کنیه معروفش «ابوالحسن»(۱) و مشهورترین القابش «زین العابدین»، «سید العابدین»، «ذوالثفنات» و «سجاد» است.(۲)

امام باقر علیه السلام می فرماید:

پدرم به یاد هیچ نعمتی از نعمت های خدا نمی افتاد، مگر اینکه برای آن نعمت سجده می کرد و هیچ آیه ای از قرآن را که سجده داشت، نمی خواند، مگر اینکه سجده می کرد و هیچ شری از او دفع نمی شد، جز اینکه به شکرانه آن سجده می کرد و هیچ نماز واجبی را به پایان نمی برد، مگر اینکه به پاس آن سجده می کرد و به پاس هر اصلاحی که میان دو کس انجام می داد، سجده می فرمود. آن قدر سجده کرد که نشان آن در جایگاه های سجده اش مشهود بود. به همین جهت، او را «سجاد» نامیدند. چون بر اثر سجده، جایگاه های سجودش پینه بسته بود، او را «ذوثفنات» می گفتند.

(۳)

۱- کنیه های دیگر آن حضرت، «ابومحمد»، «ابوالقاسم» و «ابوبکر» آمده است. نک: ابوعلی فضل بن حسن الطبرسی، اعلام الوری، قم، مؤسسه آل البیت لاحیاء التراث، ۱۴۱۷ ه . ق، چ ۱، ج ۱، ص ۴۸۰.

۲- همان، ص ۴۸۰.

۳- ابی جعفر محمد بن علی بن الحسین بن بابویه القمی، معانی الاخبار، قم، منشورات مکتبه المفید، [بی تا]، ص ۶۲ .

امام سجاد علیه السلام بنابر قول مشهور در نیمه جمادی الثانی سال ۳۸ ه . ق دیده به جهان گشود.(۱) وی به جز مدتی که همراه پدر در سفر کربلا بود، در شهر مدینه زندگی کرد. نزدیک به دو سال از خلافت جدش امیرالمؤمنین علی علیه السلامرا درک کرد و پس از آن، ده سال شاهد رخدادهای دوران امامت عمویش، امام مجتبی علیه السلام بود که آن حضرت تنها در شش ماه آن، خلافت اسلامی را بر عهده داشت. پس از شهادت امام مجتبی علیه السلام در سال ۵۰ ه . ق، ده سال نیز در دوران امامت پدر بزرگوارش، حسین بن علی علیه السلام که در اوج قدرت معاویه،

۱- الارشاد، ص ۲۵۳؛ علامه طبرسی، تاج المواليد، «مجموعه نفیسه»، مکتبه بصیرتی، [بی تا]، ص ۱۱۲؛ محمد بن جریر بن رستم طبری، دلائل الامامه، قم، منشورات رضی، ۱۳۶۳، چ ۳، ص ۸۰؛ اصول کافی، ج ۱، ص ۴۶۶؛ سبط ابن الجوزی، تذکره الخواص، نجف، المطبعه الحیدریه، ۱۳۸۳ه . ق، ص ۳۲۴؛ مسعودی، اثبات الوصیه، نجف، المطبعه الحیدریه، ۱۳۷۳ ه . ق، ج ۴، ص ۱۶۷. برخی گفته های دیگر مورخان در تاریخ ولادت امام سجاد علیه السلام بدین قرار است: الف) پنجم شعبان سال ۳۸. این قول را ابن صباغ در کتاب فصول المهمه فی معرفه احوال الائمه علیهم السلام، (بیروت، دار الاضواء، ۱۴۰۹ ه . ق، ص ۲۱۲) و شیخ یوسف بحرانی در بخش مزار کتاب حدایق، (نجف، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۶ ه . ق) آورده اند. ب) هشتم ماه شعبان. این قول در بحارالانوار، (بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۳ ه . ق، چ ۲، ج ۴۶، ص ۱۵) از کتاب «ذخیره» نقل شده است. ج) نهم شعبان. این قول را محمد ابن فتال در کتاب روضه الواعظین، (النجف، المکتبه الحیدریه، ۱۳۸۶ ه . ق، ص ۱۷۲) نقل کرده است. د) نیمه جمادی الاول. این قول را شیخ طوسی در کتاب مصباح المتهجد (بی جا و بی تا) و ابن طاووس در اقبال الاعمال (قم، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۱۴ ه . ق) آورده اند. ه) نیمه جمادی الثانی. این قول را طبرسی در اعلام الوری نقل کرده است.

بـا او در ستیز و مبـارزه بود، در کنـار ایشـان قرار داشت. پس از آن، حضـرت برای سـی و چهـار سال، امامت و هـدایت جامعه اسلامی را بر عهده گرفت.

حضـرت امام سـجاد علیه السلام در محرم سال ۶۱ ه . ق در جریان قیام و شـهادت پـدر بزرگوارش، حضـرت امام حسـین علیه السـلام، در سرزمین کربلا حضور داشت. پس از فاجعه کربلا که امامت به ایشان رسید، همراه دیگر اسیران اردوگاه حسینی به اسـیری به کوفه و شام برده شد. در این سـفر، سـرپرست و تکیه گاه اسـیران در کوران مصیبت ها و گرفتاری ها بود. او در این سفر، با سخنرانی های آتشین خود، حکومت یزید را رسوا ساخت. پس از بازگشت از شام، در شهر مدینه اقامت گزید تا آنکه در سال ۹۴ یا ۹۵ ه . ق به شـهادت رسید و در قبرستان بقیع در کنار مزار پاک عمویش، امام حسن علیه السلام به خاک سپرده شد.(۱)

یک _ نگاهی به دوران امام سجاد علیه السلام

یک _ نگاهی به دوران امام سجاد علیه السلام

پس از واقعه کربلاـ حکومت غـاصب اموی که خود را پیروز میـدان می دیـد، برای تثبیت پـایه هـای حکومتش به اقـدام هـای وحشیانه ای دست زد که شرایط سختی را بر خاندان پیامبر تحمیل کرد. این اقدام ها عبارت بودند از:

اول _ وحشت افکنی

حادثه دلخراش کربلا و شهادت حضرت امام حسین علیه السلام،

۱- مهدی پیشوایی، سـیره پیشوایان، مؤسـسه تحقیقاتی امام صادق علیه السلام، ۱۳۷۵، چ ۴، ص ۲۳۴. برای آگاهی بیشتر نک: جعفر شهیدی، زندگانی علی بن الحسین.

ضربه های سهمگینی بر پیکر شیعه وارد ساخت. با بازتاب یافتن خبر این حادثه در سراسر سرزمین های اسلامی آن روز، به ویژه در عراق و حجاز، وحشت شدیدی بر محافل شیعی حکم فرما گشت. شیعیان یقین کردند یزید که آماده است برای تثبیت پایه های حکومتش تا سرحد کشتن فرزند پیامبر خدا و به اسارت گرفتن زنان و فرزندان او پیش برود، از هیچ جنایت دیگری نیز دریغ نخواهد کرد.

با سرکوب شدید و بی رحمانه قیام مردم مدینه به دست نیروهای یزید در «فاجعه حره»(1) (ذی حجه سال ۶۳ ه . ق)، اختناق شدیدتری بر مدینه در حجاز و کوفه در عراق حاکم شد.

مسعودی تصریح می کند: «علی بن الحسین، امامت را به صورت مخفی و با تقیه شدید و در زمانی دشوار بر عهده گرفت.»(2) نتیجه این وضعیت، جدا شدن اکثریت مردم از اهل بیت علیهم السلامبود. امام صادق علیه السلام در ترسیم این دوره اندوه بار می فرماید:

مردم پس از شهادت حسین بن علی علیه السلام، از خاندان پیامبر فاصله گرفتند و برگشتند؛ جز سه نفر، ابوخالد کابلی، یحیی بن ام الطویل و جبیر بن مطعم که بعدها افرادی به آنها پیوستند و شمارشان زیاد گردید. یحیی بن ام الطویل به مسجد

۱- یکی از رویدادهای دهشتناک عصر امام سجاد علیه السلام که کارگزاران جنایت کار اموی در مدینه انجام دادند، «واقعه حره» است. این حادثه به قیام مردم مدینه در ۲۵ یا ۲۷ ذی الحجه سال ۶۳ ه . ق مربوط است.

۲- ابوالحسن علی بن الحسین بن علی المسعودی، اثبات الوصیه، قم، مؤسسه انصاریان، ۱۴۱۷ ه . ق، چ ۱، ص ۱۶۸.

پیامبر در مدینه می رفت و خطاب به مردم می گفت: ما مخالف و منکر شما هستیم و میان ما و شما دشمنی و خشم و کینه آشکار و همیشگی است.(۱)

دوم ـ تبلیغ منفی علیه خاندان پیامبر

یکی دیگر از سیاست های ننگین حکومت اموی، تبلیغ علیه خاندان پیامبر بود. امویان با افترا و تهمت، اهل بیت را به عنوان انسان های متجاوز و ستمگر و کسانی که از هیچ جنایت و گناه بزرگی چشم پوشی نمی کنند، معرفی می کردند.(۲) این تبلیغات آن قدر فریبنده بود که افراد بسیاری را تحت تأثیر قرار داد و از امامان جدا ساخت. حضرت امام سجاد علیه السلام با اشاره به این وضع ناگوار می فرمود: «در تمام مکه و مدینه، بیست نفر نیستند که ما را دوست بدارند».(۳)

سوم ـ محاصره اقتصادی

محاصره اقتصادی اهل بیت و شیعیان، محروم کردن آنها از امتیازهای اجتماعی، مصادره کردن اموال و ویرانی خانه هایشان، یکی دیگر از سیاست های ظالمانه حکومت اموی بود. حاکم عراق درباره ایشان نوشت:

خاندان بنی هاشم از شدت گرسنگی رو به هلاکت بودند، به گونه ای که تمام

۱- ابوعبداللّه محمد بن محمد بن النعمان المفید، الاختصاص، قم، مؤسسه النشر الاسلامی التابعه لجماعه المدرسین، [بی تا]، ص ۶۴.

۲ - ۴.جعفر مرتضی العاملی، دراسات و بحوث فی التاریخ و الاسلام، قم، مؤسسه النشر الاسلامی التابعه لجماعه المدرسین، ۱۴۰۹ ه . ق، چ ۲، ج ۱ و ۲، ص ۷۸.

۳- محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، تهران، المکتبه الاسلامیه، ۱۳۹۴ ه . ق، چ ۲، ج ۴۶، ص ۱۴۳.

همت هر یک، تهیه خوراک یک روز خود بود.(۱)

هدف از اعمال این سیاست آن بود که اهل بیت پیامبر و شیعیانشان را به تدارک نیازهای اولیه زندگی شان سرگرم کنند تا خطری از سوی آنان، دستگاه خلافت را تهدید نکند.

چهارم ـ ترویج فساد

از حدود سال ۳۰ هجری به بعد (یعنی نیمه دوم دوران خلافت عثمان)، اشرافی گری در میان خواص جامعه اسلامی گسترش یافت که در زمان حکومت عبدالملک و پسرش، ولید، به اوج خود رسید. اشراف قریش که درآمد کلانی از خزانه دولت داشتند و از بخشش های خلفای وقت نیز بهره مند بودند، به ثروت اندوزی پرداختند. ثروت اندوزان، املاک فراوانی گرد آوردند و کنیزان و غلامان بسیاری خریدند. با حضور کنیزکان آوازخوان و بزم آرا، کم کم محفل های خوش گذرانی و خنیاگری به دیگر طبقه های اجتماعی نیز سرایت کرد. این انحطاط اخلاقی در زمان حکومت یزید چنان گسترش یافت که دو شهر مقدس «مکه» و «مدینه» نیز از این آلودگی ها دور نماند.(۲)

پنجم ـ سوءاستفاده از ناآگاهی دینی مردم

در کنار این اوضاع اندوه بار، وقتی ناآگاهی مردم از آموزه های اسلام و

۱- ابو العباس شمس الدین احمد بن محمد بن ابی بکر بن خلکان، وفیات الاعیان و انباء ابناء الزمان، قم، الناشر الشریف الرضی، ۱۳۶۴، چ ۸، ج ۷، ص ۱۰۶.
۲- سیره پیشوایان، ص ۲۶۵.

وجود بسترهـای آمـاده برای پیـدایش بـدعت ها و انحراف ها را در نظر بگیریم، عمق فاجعه بیشتر روشن می شود. این اوضاع، امـام را بر آن داشت تا با درک عمیق درد جامعه، با توسل به سـلاح موعظه و دعا، مردم را بیـدار کنـد. در اینجا به نمونه ای از متروک ماندن آموزه های اسلام و ناآگاهی مردم از وظایف واحکام اسلامی و پیدایش انحراف ها اشاره می کنیم.

به گفته بعضـی تاریخ نگاران، بنی هاشم در زمان امام سـجاد علیه السـلامنمی دانستند چگونه نماز بخوانند و چگونه حج به جا آورند.(۱) وقتی فریضه ای مانند نماز که از ارکان اسـلام است و هر مسـلمانی باید در شـبانه روز پنج نوبت آن را به جا آورد، در میان بنی هاشم که می بایست در علم به احکام، از همه آگاه تر باشـند، چنین وضـعی داشـته باشـد، می توان حـدس زد که میزان آگاهی دینی توده مردم در دیگر شهرها و مناطق و شناخت آنان از دیگر احکام اسلامی چگونه بوده است.

انس بن مالک، صحابی مشهور می گفت: «چیزی از آنچه در زمان رسول خدا جاری بوده، یادم نمانده است. گفتند: پس نماز چیست؟ گفت: پس آنچه بر سر نماز آوردید، چه بود؟»(۲)

دو ـ جنبه های گوناگون مبارزات امام سجاد علیه السلام

دو ـ جنبه های گوناگون مبارزات امام سجاد علیه السلام

۱- جعفر مرتضـی الحسـینی العـاملی، «الامـام السـجاد بـاعث الاسـلام من جدیـد»، از دراسـات و بحـوث فی التاریـخ و الاسـلام مجموعه مقالات، ۱۴۰۰ ه . ق، ج ۱، ص ۵۶.

۲- همان.

با توجه به اوضاع و شرایط حاکم بر عصر امام سجاد علیه السلام، آن حضرت با انتخاب روشی خاص در مقابل تهاجم دشمن، مبارزه غیرمستقیم خود را در قالب سلسله برنامه های ارشادی، فرهنگی و تربیتی آغاز کرد. ایشان بدون آنکه حساسیت حکومت را برانگیزد، فعالیت هایی را انجام داد که مهم ترین آنها به طور خلاصه، به قرار زیر است:

اول ــ زنده نگه داشتن خاطره عاشورا

چون شهادت امام حسین علیه السلام و یارانش در افکار عمومی، مشروعیت حکومت اموی را زیر سؤال برده بود، دستگاه حاکم بسیار کوشید واقعه عاشورا را به عنوان شورشی علیه خلیفه رسول خدا صلی الله علیه و آله قلمداد کند. در این صورت، می توانست سرکوب کردن آن را حق و وظیفه خلیفه و دستگاه خلافت برشمارد. چون در این جهت ناکام ماند، کوشید آن را به گونه ای از ذهن جامعه بزداید. امام سجاد علیه السلام با گریه بر شهیدان و زنده نگه داشتن خاطره آنان، مبارزه ای عاطفی را علیه آنها برانگیخت. یادآوری همیشگی فاجعه کربلا، نمی گذاشت ظلم و جنایت حکومت اموی از خاطره ها فراموش شود.

امام هرگاه می خواست آب بیاشامد، تا چشمش به آب می افتاد، اشک از چشمانش سرازیر می شد. وقتی علت آن را می پرسیدند، می فرمود:

چگونه گریه نکنم، در حالی که (یزیدیان) آب را برای درندگان بیابان آزاد گذاشتند، ولی به روی پدرم بستند (و او را تشنه کشتند).(۱)

ص: ۲۹

۱- بحارالانوار، ج ۴۶، ص ۱۰۸.

دوم ـ پند و موعظه

چون امام سجاد علیه السلام در عصر اختناق زندگی می کرد، نمی توانست آموزه های مورد نظرش را به صراحت بیان کند. از سوی دیگر، بنی امیه تلاش می کرد مردم را به ظاهر دین سرگرم کند و از باطن آن بازدارد. امام نیز می کوشید با استفاده از موعظه، مردم را با اندیشه های ناب اسلامی آشنا کند.

بررسی این موعظه ها نشان می دهد که امام با روش حکیمانه و مدبّرانه ای، در آن شرایط بسیار حساس، در کنار موعظه به مردم، اندیشه های درست اسلامی را نیز به آنان القا می کرد. این کار در عین حال که بار سیاسی داشت و بر ضد دستگاه حاکم بود، ولی حساسیت حکومت را برنمی انگیخت.

سوم ـ نشر مبانی اعتقادی و اخلاقی

یکی دیگر از شیوه های فعالیت امام سجاد علیه السلام، نشر مبانی اعتقادی، اخلاقی و احکام اسلامی بود. از آنجا که دستگاه جور، احکام و باورهای دینی را تحریف کرده بودند و اخلاق جامعه به ابتذال کشیده شده بود، امام خود را موظف به تبیین و بازآموزی آن می دید. ایشان در این زمینه، گام های بلندی برداشت، به گونه ای که حرکتشان، اندیشمندان مسلمان را به تحسین واداشته است. اندیشمند بزرگ جهان تشیع، شیخ مفید، در این زمینه می نویسد:

فقهای اهل تسنن به قدری از او علوم نقل کرده اند که به شمارش نمی گنجند و

مواعظ و دعاها و فضایل قرآن و حلال و حرام به حدی از آن حضرت نقل شده است که در میان دانشمندان مشهور است و اگر بخواهم آنها را شرح دهم، سخن به درازا می کشد... .(۱)

مبانی اعتقادی، اخلاقی و احکامی که امام در صحیفه سجادیه به آنها پرداخته است، در بحث «ابعاد گوناگون صحیفه سجادیه» به تفصیل بررسی خواهد شد.

ب) نگاهی به صحیفه سجادیه

اشاره

ب) نگاهی به صحیفه سجادیه

یکی از آثار امام سجاد علیه السلام، صحیفه سجادیه است که در بردارنده ۵۴ دعاست. صحیفه سجادیه افزون بر اینکه راز و نیاز با خدا و بیان حاجت در پیشگاه وی به شمار می رود، دریای بی کرانی از علوم و معارف اسلامی است که در زمینه های مختلف عقیدتی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، تربیتی و پاره ای از احکام شرعی و قوانین طبیعی، در قالب دعا و مناجات بیان شده است.

صحیفه سجادیه پس از قرآن مجید و نهج البلاغه، بزرگ ترین و مهم ترین گنجینه گران بهای معارف شیعی به شمار می رود، به گونه ای که آن را «اخت القرآن»،(۲) «انجیل اهل بیت علیهم السلام» و «زبور آل محمد

۱- الارشاد، ص ۲۶۰.

۲- شیخ آقا بزرگ، الذریعه الی تصانیف الشیعه، بیروت، دار الاضواء، ۱۳۷۸ ه . ق، چ ۲، ج ۱۵، ص ۱۸.

صلی الله علیه و آله» خوانده اند.(۱)

علامه مجلسی در وجه تسمیه صحیفه به اسم زبور و انجیل چنین نوشته است:

دلیل اینکه صحیفه سجادیه را زبور آل محمد صلی الله علیه و آله و انجیل اهل بیت علیهم السلام نامیده اند ــ بنابر گفته ابن شهر آشوب ــ این است که این صحیفه همانند زبور و انجیل که از سوی خدا بر زبان حضرت داوود و عیسی جاری شد، بر زبان سید الساجدین حضرت علی بن حسین زین العابدین علیه السلام جاری شده است.(۲)

شرح های بسیاری نیز به زبان عربی و فارسی بر این صحیفه نورانی نگاشته شده است. علامه شیخ آقا بزرگ تهرانی در کتاب پرارج الذریعه، نزدیک به پنجاه شرح ــ غیر از ترجمه ها ــ بر صحیفه سجادیه نام برده است.(۳) همچنین ترجمه های زیادی از صحیفه سجادیه به قلم نویسندگان قدیم و جدید به زبان های مختلف موجود است که شماری از آنها در سال های اخیر منتشر شده است.(۴)

ناگفته نماند که دانشمندان شیعه با پژوهش در کتاب های روایی و آثار به جا مانده از عالمان گذشته، به تعداد دیگری از دعاهای منتسب به

۱- سید علی خان مدنی، ریاض السالکین فی شرح صحیفه سید الساجدین، قم، مؤسسه آل البیت، صص ۴ و ۵.
۲- بحارالانوار، ج ۱۰۷، ص ۶۱.
۳- الذریعه، ج ۳، صص ۳۴۵ - ۳۵۹.
۴- برای نمونه، ترجمه و شرح سید علی نقی فیض الاسلام؛ ترجمه و شرح میرزا ابوالحسن شعرانی و ترجمه و شرح صدر بلاغی و... .

حضـرت زین العابدین علیه السـلام دست یافته و آنها را با عنوان مسـتدرکات صـحیفه ارائه کرده اند. این مستدرکات به هشت کتاب، بلکه بیشتر هم رسیده است.(۱)

یک _ خاستگاه صحیفه سجادیه

یک _ خاستگاه صحیفه سجادیه

حکومت های ستم کار اموی و عباسی، امامان معصوم را خانه نشین ساختند و راه های ارتباط با آنها را به روی شیعیان بستند و دوسـتان را از علوم و معارف ایشان محروم کردنـد. با این حال، آن بزرگواران که خود بر تمام روش های بیان حقایق، آگاهی کامل داشـتند، روش هایی می جسـتند تا مردم را آگاه کنند. به این منظور، امام زین العابدین علیه السلام با سلاح دعا و تضرع به سوی بـاری تعالی، مشـعل نورانی هـدایت را روشن کرد تا درخشـندگی حقیقت را به امت بنمایانـد. این روش امام، جهادی بزرگ تر و کارسازتر از جهاد در میدان جنگ بود؛ زیرا امام با سـخنان دلربای خود، از هجوم به دین و فرهنگ اسلامی و ظلم به ستم دیدگان زمان جلوگیری می کرد.

عواملی که سـبب شد امام سـجاد علیه السلام برای دین اسلام و سنت پیامبر احساس خطر کند و از طریق دعا و نیایش به تربیت مردم و تصحیح اندیشه و فرهنگ دینی آنان بپردازد، عبارت بود از:

اول _ فراموش شدن دین

۱- الذریعه الی تصانیف الشیعه، ذیل کلمه و ذیل صحیفه سجادیه.

در زمینه فراموشی و ناآگاهی دینی مردم همین بس که امام سجاد علیه السلامدر دعای روز عید قربان و روز جمعه می فرماید:

حَتّی عادَ صِفْوَتُکَ وَ خُلَفآؤُکَ مَغلُوبینَ مَقْهورینَ مُبْتَزّینَ، یَرَوْنَ حُکْمَکَ مُبَدَّلاً، وَ کِتابَکَ مَنبُوذا، وَ فَرائِضَکَ مُحَرَّفَةً عن جهاتِ اَشراعِکَ وَ سُنَنَ نبیِّکَ مَتْرُوکَه.(۱)

تا اینکه (بر اثر غصب خلافت) برگزیدگان و جانشینان تو شکست خوردند و حقشان از دست رفت. حکم تو را تبدیل گشته، کتاب تو را دور گذاشته شده و دستورها و واجبات تو را از راه های آشکار و روشن تو تحریف شده و راه و رسم پیامبرت را فراموش شده می بینند.

دوم ــ رواج رفاه طلبی و فساد

اگر جامعه ای به رفاه و آسایش طلبی کشانده شود، آن جامعه در معرض خطرهایی مانند لذت جویی، تجمل گرایی، اسراف و... قرار می گیرد که نتیجه آن دنیاطلبی و افول معنویت در جامعه است.

حضرت امام سجاد علیه السلام درباره اسراف می فرماید: «وَ نَعُوذُ بِکَ مِنْ تَناوُلِ الاِسْرافِ؛ و پناه می بریم به تو از دست یازیدن به اسراف».(۲)

و در مورد دنیاطلبی می فرماید:

وَ اَنزِعْ مِنْ قَلبی حُبَّ دُنیا دَنِیَّةٍ تَنهی عَمّا عِنْدَکَ، وَ تَصُدُّ عَن اِبتغاءِ الوَسیلَهِ اِلَیکَ، وَ تُذْهِلُ عَنِ التَّقَرُّبِ مِنْکَ.(۳)

۱- دعای ۴۸، بند ۹.

۲- دعای ۸، بند ۷.

۳- دعای ۴۷، بند ۱۰۹.

و دوستی دنیای پست را که از آنچه (سعادت و نیک بختی که) نزد تو است، بازمی دارد و از طلبیدن وسیله و دست آویز به سوی تو جلوگیری می کند و از نزدیک شدن به (طاعت) تو غافل می گرداند، از دلم برکن.

دو _ دلیل کامله نامیدن صحیفه سجادیه

دو _ دلیل کامله نامیدن صحیفه سجادیه

می دانیم که صحیفه سجادیه به «صحیفه کامله» شهرت یافته است. درباره دلیل این مطلب، چند وجه مطرح شده است که به بررسی آنها می پردازیم:

اول _ آیت اللّه مرعشی نجفی در مقدمه ای بر یکی از چاپ های صحیفه سجادیه(۱) چنین می نویسد:

سبب ملقب شدن این صحیفه به کامله بر طبق آنچه از سید جمال الدین کوکبانی یمانی شنیدم، این است که نسخه این صحیفه به طور ناقص در دست زیدیه است و برابر نصف این صحیفه می باشد. برای همین است که این صحیفه به کامله مشهور شده است.(۲)

این دلیل نه تنها کافی نیست، بلکه آن را نمی توان درست شمرد؛ زیرا عبارت کامله در سند صحیفه از گفته متوکل بن هارون که خود یحیی بن زید را دیده است، دیده می شود. وی می گوید: «أَخْبَرَه أنّه مِنْ دُعاءِ أبِیه عَلِّی بْنِ الْحُسین مِنْ دُعاءِ الصَّحِیَفهِ الْکامِلَه».

امام باقر علیه السلام فرموده است: «این از دعای پدرش امام علی بن الحسین علیه السلام و از دعاهای صحیفه کامله است». متوکل نیز می گوید: «یحیی بن زید

۱- چاپ شیخ محمد آخوندی. با مقدمه مرحوم مشکوه.

۲- ابوالحسن شعرانی، ترجمه و شرح صحیفه سجادیه، تهران، کتاب فروشی اسلامیه، [بی تا]، ص ۱۱.

گفت: می خواهی تو را صحیفه ای از دعای کامل بدهم؟»

بی گمان، در آن هنگام، صحیفه ای که امروز به «صحیفه زیدیه» مشهور است (به گفته کوکبانی) وجود نداشته و بر فرض وجود، بی شک، متوکل از آن بی خبر بوده است، تا چه رسد که از کاستی آن آگاه باشد.(۱)

دوم ــ به نظر می رسید پیش از تدوین جوامع روایی اولیه شیعه، هم زمان با اصول «اربعمأه» و حتی پیش از آنها، صحیفه هایی در میان شیعه معروف بوده اند، مانند: صحیفه فاطمه زهرا علیهاالسلام و صحیفه علی علیه السلام که تعدادشان هم کم نبوده است. البته این صحیفه ها در دسترس عموم نبوده است و گاه برخی از ائمه علیهم السلام، بعضی روایات و مطالب آنها را برای خواص اصحاب نقل می کردند. اکنون نیز جز پاره ای از مطالب آنها که در جوامع روایی آمده است، آگاهی بیشتری از آنها در دست نیست. این در حالی است که دعاهای صحیفه سجادیه از آغاز به صورت کامل به دست افرادی غیر از امامان معصوم رسیده و سپس در میان شیعه انتشار یافته است. احتمالاً به این سبب، این صحیفه را «کامله» نامیده اند.(۲)

سوم ــ به این مجموعه از آن روی «کامله» گفته اند که دستور کامل برای درخواست حاجت های بنده از خدای تعالی است. چون چنین دعاهایی از ائمه معصومین علیهم السلام با این ترتیب صادر نشده، این مجموعه دعاها

۱- زندگانی علی بن الحسین، ص ۱۹۱.

۲- غلام حسین اعرابی، مقاله «سیمای صحیفه سجادیه»، مجله کوثر، ش ۳۲، ص ۵۵.

در مقابل دعاهای ائمه دیگر به «کامله» ملقب شده است.(۱)

در ردّ این نظریه گفته انـد برخی دعاها مانند: دعای کمیل و سـمات نیز که از دیگر ائمه علیهم السلامرسـیده، از چنین جامعیتی برخوردار است.(۲) این اشکال وارد نیست؛ زیرا دعاهایی که برای مثال آورده اند، برای موقعیت های مختلف، همانند دعاهای صحیفه سجادیه نیست. بنابراین، به نظر می رسد نظریه یاد شده از این جهت نقض نمی شود.

سه _ سند صحیفه سجادیه

سه _ سند صحیفه سجادیه

سند صـحیفه ای که امروز در دست ماست، به نجم الدین بهاء الشـرف می رسد. او در سده شـشم هجری می زیسته است و در کتاب های رجالی از وی یاد نشـده است.(۳) با این حال، این مسـئله به سـند صحیفه خدشه ای وارد نمی کند؛ زیرا نام صحیفه سـال هـا پیش از وی در کتاب های بزرگان شـیعه به حـد تواتر درج شـده است. بنابراین، به تواتر ثابت شـده است که صـحیفه سجادیه از امام زین العابدین علیه السلام است، همان گونه که قرآن، قول خدای متعال است.(۴)

در بررسی متن هایی که از امامان معصوم علیهم السلام به ما رسیده است،

۱- زندگانی علی بن الحسین، ص ۱۹۱.

۲- مقاله «سیمای صحیفه سجادیه»، مجله کوثر، ص ۵۵.

۳- السید علی خان الحسینی، ریاض السالکین، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، التابعه لجماعه المدرسین، ۱۴۰۹ ه . ق، چ ۱، ج ۱، ص ۵۸.

۴- سیدحسن صدر، تأسیس الشیعه لعلوم الاسلام، مرکز النشر و الطباعه العراقیه المحدوده، [بی تا]، ص ۲۸۴.

باید به دو محور توجه کرد: سند و متن. این تنها اتقان سند نیست که گویای صحت حدیث است، بلکه بلندی معانی و عمق محتوای متن نیز می تواند دلیلی روشن بر استناد به امام معصوم باشد. برای روشن شدن مطلب، درباره سند و متن توضیح بیشتری می دهیم:

اول _ سند صحیفه

علمای امامیه در استفاضه و بلکه تواتر(۱) سند صحیفه هم رأیند. علامه مجلسی می گوید: «بدان که سند صحیفه بسیار زیاد است، به گونه ای که ضبط، شمارش و احاطه بر آن دشوار است.»(۲) به گفته وی، سندهای صحیفه به پنجاه و شش هزار عدد می رسد. البته ایشان تنها ششصد سند عالی را نقل کرده است.(۳)

همچنین کتاب شناس بزرگ، حاج آقا بزرگ تهرانی می نویسد: «سند صحیفه قطعی است و جایی برای جدل و شک در آن نیست؛ زیرا تواتر آن در حد یقین (به صدور کتاب از امام سجاد علیه السلام) است».(۴) بنابراین، سندهای فراوان و اجازه های گوناگونی که برای صحیفه نقل شده است،

۱- خبر مستفیض: خبر واحدی که عدد راویانش از سه تن تجاوز کرده باشد؛ یعنی میان خبر واحد و تواتر است. خبر متواتر: خبری است که تعداد راویان آن به اندازه ای است که انسان مطمئن باشد که تعمد در کذب در کار نیست. نک: شهید زین الدین العاملی شهید ثانی، الدرایه، قم، منشورات مکتبه المفید، [بی تا] ص ۱۲.

۲- بحارالانوار، ج ۱۰۵، ص ۱۳۰.

۳- همان، ج ۱۰۴، ص ۲۱۱.

۴- حیات الامام السجاد، ج ۱، ص ۱۱۷. برگرفته از الذریعه.

بهترین دلیل بر صدور صحیفه از امام سجاد علیه السلام است.

از سوی دیگر، راوی صحیفه، متوکل بن هارون است که آن را از یحیی بن زید بن علی بن الحسین علیه السلامگرفته است. او می گوید:

در آستانه سفری که یحیی بن زید به خراسان داشت و در همان سفر به شهادت رسید، بسته ای را باز کرد و صحیفه ای بیرون آورد. سپس بر مهر آن بوسه زد و گریست. صحیفه را گشود و به چشمان خویش کشید. آن گاه گفت: اگر نبود که پسرعمویم، امام صادق علیه السلام از شهادت من خبر داده است، این صحیفه را به تو نمی دادم، ولی اکنون به تو می دهم تا در نگه داری آن بکوشی. بیم دارم که این صحیفه به دست بنی امیه بیفتد و آن را از اهلش دریغ دارند. صحیفه همراه من بود تا خدمت امام صادق علیه السلام رسیدم. صحیفه را به آن حضرت نشان دادم. حضرت بسیار خوشحال شد و فرمود: به خداوند، سوگند این خط عمویم، زید و دعای جدم، علی بن الحسین علیه السلام است. آن گاه امام صادق علیه السلام به پسرش اسماعیل فرمود: آن صحیفه ای را که به تو سپرده ام، بیاور. اسماعیل صحیفه ای را آورد. امام آن را بوسید و به چشمانش کشید و فرمود: این صحیفه به خط پدرم، امام باقر علیه السلام و املای جدم، علی بن الحسین زین العابدین علیه السلام است. از امام صادق علیه السلام خواستم که دو صحیفه را با هم مقابله کنم. امام اجازه فرمود و من دو صحیفه را مقابله کردم و هیچ تفاوتی میان آن دو ندیدم.(۱)

نام متوکل بن هارون که در سند قرار دارد، متوکل بن عمیر است. نام دیگر عمیر، هارون بوده است و غیر از او هیچ کس از یحیی روایت نکرده

۱- علی نقی فیض الاسلام، ترجمه و شرح صحیفه سجادیه، ۱۳۷۶، انتشارات فقیه، چ ۳، ص ۱۲.

است.(۱) بیشتر عالمان رجال، سخنی درباره او ندارند، ولی شیخ تقی الدین حسن بن داوود او را در شمار راویان موثق آورده است.(۲) همین برای ثقه بودن کافی است؛ زیرا سکوت، معارض با توثیق نیست. بر این اساس، سند صحیفه نیز مورد اعتماد است.

دوم ـ متن صحیفه

به شهادت متن شناسان شیعه، فصاحت و بلاغت صحیفه نشانگر آن است که این کتاب نمی تواند کلام غیرمعصوم باشد. سید محسن امین رحمه الله، فصاحت و بلاغت و اسلوب صحیفه را دلیلی بر صدور آن از جانب امام معصوم دانسته است و می نویسد:

فصاحت و بلاغت واژگان صحیفه و معانی بلند آن و انواع فروتنی در برابر خدای متعال و ستایش او و روش های شگفت آور در آمرزش خواهی و درخواست بخشش و توسل به خدای تعالی که در صحیفه است، بهترین شاهد بر صدور صحیفه از ناحیه حضرت امام سجاد علیه السلام است و اینکه این دُرّ از آن دریا و این گوهر از آن معدن و این میوه از آن درخت است.(۳)

حاج آقا بزرگ تهرانی در کتاب الذریعه می نویسد:

افزون بر این، بلاغت فوق العاده این کتاب گویای آن است که جز از این امام

۱- محمد بن عمربن عبدالعزیز الکشی، رجال کشی، کربلا، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، [بی تا]، ص ۴۲۶.
۲- ابوعلی محمد بن اسماعیل، منتهی المقال، مؤسسه آل البیت علیهم السلام لاحیاء التراث، ۱۴۱۶ ه . ق، ج ۵، ص ۲۸۰.
۳- سیدمحمد امین، اعیان الشیعه، بیروت، دارالتعارف، ۱۴۰۳ ه . ق، ج ۱، ص ۶۳۸ .

معصوم صادر نشده است.(۱)

همچنین نویسنده تفسیر طنطاوی(۲) پس از آنکه صحیفه سجادیه را خواند، چنین نوشت:

این از بـدبختی ماست که تاکنون به این اثر گران بهای جاوید که از مواریث نبوت است، دست نیافته بودیم. من هر چه در آن می نگرم، آن را از گفتار مخلوق، برتر و از کلام خالق، پایین تر می یابم.(۳)

استادان سخن در برابر بلاغت صحیفه سجادیه، فروتنانه سخن می گویند و بزرگ ترین شخصیت ها در برابر آوردن مانند آن، به ناتوانی خود اقرار می کنند. ابن شهر آشوب حکایت می کند:

در بصره، نزد یکی از دانشمندان، یادی از صحیفه کامله و عظمت آن شد. وی گفت: اگر اجازه بدهید، من حاضرم مثل همان را برای شما بنویسم. پس قلم برداشت و سر به زیر انداخت که بر صفحه کاغذ چیزی بنویسد، ولی بی آنکه بتواند کلمه ای بنویسد یا بتواند سر بردارد، در همان حال از دنیا رفت.(۴)

با توجه به آنچه گذشت، می توان اطمینان پیدا کرد که صحیفه از ناحیه

۱- حیات الامام السجاد، ج ۱، ص ۱۱۷. برگرفته از الذریعه.

۲- طنطاوی ۱۲۸۷ _ ۱۳۵۸. استاد دارالعلم قاهره، شاعر و فیلسوف و نویسنده مصری، صاحب آثار بسیاری از جمله: الارواح، اصل العالم، این الانسان، التاج المرصع بجواهر القرآن و العلوم، جمال العالم، سوانح الجوهری، الزهره، نهضه الامامه و حیاتها.

۳- صحیفه سجادیه، ترجمه: سید صدرالدین صدر بلاغی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ص ۳۷.

۴- محمدبن علی بن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، بیروت، دارالاضواء، ۱۴۰۵ ه . ق، ج ۴، ص ۱۳۷.

امام سجاد علیه السلام صادر گردیده و تاکنون هیچ کس در این امر تردید نکرده است.

سه _ جنبه های گوناگون صحیفه سجادیه

صحیفه سجادیه به منزله یک دایره المعارف علوم اسلامی است که در آن تمام نیازهای انسان برای اصلاح و تربیت خویش و رسیدن به سعادت دنیوی و اخروی، بیان شده است.

از جمله مسائلی که امام سجاد علیه السلام در صحیفه بدان پرداخته، مسائل تربیتی در ابعاد دینی و اخلاقی است که در این پژوهش، برخی از این عناصر نظام تربیتی را بررسی می کنیم. افزون بر مسائل تربیتی، موضوع های دیگری نیز در صحیفه سجادیه مطرح شده است که آنها نیز در جهت رشد و اصلاح انسان بسیار مؤثرند، مانند: اصول عقاید، احکام و فروع دین، اخلاقیات، مسائل سیاسی اقتصادی. اساسا هدف امام از طرح این موضوع ها چیزی جز هدایت و راهنمایی انسان در ابعاد مختلف به سوی هدف غایی؛ یعنی قرب الهی نیست.

بخش دوم: مبانی تربیتی در صحیفه سجادیه

اشاره

بخش دوم: مبانی تربیتی در صحیفه سجادیه

به هنگام معرفی یک نظام منسجم تربیتی و غیرتربیتی، نکته ای که توجه مخاطب را به خود جلب می کند، مبانی اولیه ای است که نظام بر آن استوار شده است. بنابراین، باید پرسید مبانی نظام تربیتی صحیفه سجادیه چیست؟

برای پاسخ دادن به این پرسش، نخست مفهوم «مبانی» تعریف می شود. سپس به برخی از مهم ترین مبانی تربیتی صحیفه سجادیه می پردازیم که امام سجاد علیه السلامبا بهره گیری از آنها به اصلاح و تربیت مردم پرداخته است.

به نظر برخی نویسندگان، مبانی تعلیم و تربیت از موقعیت آدمی و امکانات و محدودیت هایش و نیز از ضرورت هایی که حیاتش همواره تحت تأثیر آنهاست، بحث می کند.(۱) بعضی دیگر، مبنا را مترادف با اصل دانسته و در تعریف اصل، همان تعریف مبنا را آورده اند. پس نمونه هایی از مبانی را به عنوان اصول برشمرده اند.(۲) البته بهتر است در علم تعلیم و تربیت، مبانی را این گونه تعریف کنیم: «مجموعه قانون مندی های مربوط به ویژگی های

۱- غلامحسین شکوهی، تعلیم و تربیت و مراحل آن، انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۷۳، چ ۱۴، ص ۵۶؛ غلام حسین شکوهی، مبانی و اصول آموزش و پرورش، انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۷۴، چ ۷، ص ۶۱ .

۲- احمد احمدی، اصول و روش های تربیت در اسلام، تهران، دفتر مرکزی جهاد دانشگاهی، ۱۳۶۸، صص ۹۹ و ۱۰۶.

انسان که دو خصوصیت دارند: اول اینکه در مورد عموم انسان ها صادق هستند؛ دوم اینکه به شکل قضایای دربردارنده «است»، ذکر می شوند».(۱)

بنابراین، مقصود از مبانی تربیت در این بخش، همان ویژگی های عمومی انسان است که شاخه ای از توصیف انسان بوده و متناظر با آن چیزی است که در علوم انسانی ـ مانند روان شناسی و جامعه شناسی ـ بحث می شود. این مبانی، همان اصول شناخته شده در علوم نظری هستند، ولی چون اصول مورد نظر در علوم کاربردی، بر این گونه اصول (در علوم نظری) مبتنی اند، این اصول (در علوم نظری) چونان مبانی اصول در علوم کاربردی هستند.(۲)

در صحیفه سجادیه، گرچه برخی مطالب به شکل دعا از سوی امام سجاد علیه السلامصادر شده است، ولی به روشنی، مبانی و اصول تربیتی اسلام از آنها استنباط می شود. در ادامه، با بررسی صحیفه سجادیه، موارد مهم این مبانی را بررسی می کنیم.(۳)

۱. خوددوستی (حب ذات)

۱. خوددوستی (حب ذات)

یکی از ویژگی های فطری انسان که از جمله مبانی تربیتی در صحیفه سجادیه نیز به شمار می آید، انگیزه «خوددوستی»(۴) است. خوددوستی به این

ص: ۴۴

۱- خسرو باقری، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، انتشارات مدرسه، ۱۳۷۶، چ ۴، ص ۶۵.
۲- همان.
۳- مواردی که با عنوان مبانی، اصول، روش و اهداف آمده است، به معنای استقصای کامل نیست.
۴- self Love.

معناست که انسان در مرتبه ذات نفس، خویشتن خویش را دوست دارد.(۱) بنابر نظر محمد قطب، نخستین و اصلی ترین گرایشی که با اراده خدا در نهاد انسان قرار داده شده، خوددوستی است. وی می افزاید خوددوستی، کششی است که انسان را به کار و تلاش امیدوار می کند و سبب می شود انسان برای سعادتش بکوشد. اگر این خوددوستی نبود، انگیزه ای نبود که انسان را به حرکت وادارد.(۲)

«حب ذات» یا خوددوستی به صراحت در صحیفه سجادیه عنوان نشده است، ولی به صورت های مختلف در بعضی از دعاها به آن اشاره شده است. برای مثال، در دعای هفتم صحیفه، حضرت به هنگام کار دشوار و دل آزار یا پیشامدهای سخت یا غم و اندوه می فرماید:

یا مَن تُحَلُّ بِهِ عُقَدُ الَمکارهِ، وَ یا مَن یُفْثَأُ بِهِ حَدُّ الشَّدائد، وَ یا مَنْ یُلْتَمَسُ مِنَهُ المَخرَجُ اِلی رَوْحِ الفَرَج.(۳)

ای آن که گره های ناگواری ها به دست او باز می گردد و ای آن که تیزی و برندگی سختی ها به او کند و شکسته می شود و ای آن که رهایی یافتن از گرفتاری ها و رفتن به سوی آسایش و گشایش و خوشحالی، از او درخواست می گردد.

دعاهایی که امام در آن درخواست رفع تنگ دستی می کند، غیرمستقیم به

ص: ۴۵

۱- محمدتقی مصباح یزدی، اخلاق در قرآن، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمه الله، ۱۳۷۶، چ ۱، ج ۲، ص ۳۰.
۲- محمد قطب، روش تربیتی اسلام، ترجمه: محمدمهدی جعفری، دانشگاه شیراز، ۱۳۷۵، چ ۵، ص۱۴۷.
۳- دعای ۷، بند ۱.

این مضمون اشاره دارد:

وَ لا تَفْتِنِّی بالِاسْتِعانَهِ بِغیرِکَ اِذَا اضْطُرِرْتُ، وَ لا بِالْخُضُوعِ لِسُؤالِ غَیرِکَ اِذَا افْتَقَرْتُ.(۱)

و مرا چون بیچاره شوم، به یاری خواستن از غیر خود، و چون فقیر گردم، به فروتنی برای درخواست از غیر خویش، آزمایش مفرما.

همچنین درخواست هایی که امام در مورد سعادت، کمال، قدرت، نعمت و مانند آن از خداوند دارد، همه برخاسته از خوددوستی است و اینکه انسان همیشه به دنبال خوبی ها بوده و از ناراحتی ها و سختی ها گریزان است. پس این ویژگی، امری فطری است و به خودی خود، مطلوب است.

اساسا گرایش خوددوستی، خاستگاه تمام گرایش های دیگر است. به بیان استاد مصباح یزدی، حتی گرایش به خدا و محبت به خدا نیز در این گرایش نهفته است و از رهگذر حب ذات یا خوددوستی، ناآگاهانه نقش خود را ایفا می کند و سبب می شود انسان به مقاصد عالی برسد. البته این مرحله از خدا دوستی، ابتدایی ترین مرحله آن به شمار می رود و مراحل بالاتر که معرفت شهودی است، با آگاهی کامل تر همراه است.(۲)

بنابراین، خوددوستی را باید یکی از ویژگی های مهم انسان دانست که خاستگاه رفتارهای انسانی اوست. خوددوستی، غریزه ای است که اگر به آن توجه شود و در مسیر درستی هدایت شود، منشأ عزت خواهی، کمال جویی

۱- دعای ۲۰، بند ۱۲.

۲- اخلاق در قرآن، ص ۷۲.

و سعادت مندی می شود. در مقابل، اگر به انحراف کشانده شود، روح استکبار و سرکشی بر انسان چیره می شود و به رفتارهای ناپسندی مانند خودخواهی، خودبرتربینی و آزمندی می انجامد.

۲. کمال جویی

۲. کمال جویی

یکی دیگر از مبانی تربیتی و ویژگی های انسان در صحیفه سجادیه، کمال جویی(۱) است. انسان کمال جو، به دنبال نوعی افزایش کمّی یا کیفی و شکوفایی است و همیشه می کوشد کامل ترین مرتبه از هر کمالی را به دست آورد تا بهره وجودی اش بیشتر شود.

الف) دسته بندی کمال انسانی

امام سجاد علیه السلام در دعاهای فراوانی از صحیفه سجادیه به ویژگی کمال جویی اشاره کرده است که با بررسی آنها، در مجموع، دو دسته کمال را می توان در نظر گرفت.

یک _ کمال مادی

امام سجاد علیه السلام در دعایی می فرماید: «اَللّهُمَّ اسقِنا سَقْیًا... تُکمِلُ لَنا بِهِ طَیِّباتِ الرِّزْق؛ بار خدایا، ما را به گونه ای سیراب کن که روزی های پاکیزه را برای ما به کمال برسانی.»(۲) همچنین می فرماید: «اَکْمِلْ لی بها خَیرَ الدُّنیا وَ الاخِرَهِ؛ به

ص: ۴۷

۱- شاید بتوان گفت به مفهوم (self actualization) نزدیک است.

۲- دعای ۱۹، بند ۵.

وسیله آن راه (یا آن محبت به خدا)، خیر و خوبی دنیا و آخرت را برایم کامل گردان».(۱)

دو ــ کمال معنوی

امام سجاد علیه السلام در فرازهایی از کلامش در مقام درخواست کمال معنوی مانند: کمال ایمان، یقین، نیت، عمل و طاعت می فرماید:

اَللّهُمَّ... بَلِّغْ بایمانی اَکْمَلَ الایمانِ، وَ اجْعَلْ یَقینی اَفْضَلَ الیَقینِ، وَ انْتَهِ بِنِیَّتی اِلی اَحْسَنِ النِّیاتِ...(۲) وَ اَتِمِمْ عَلَیْنا باسْتِکْمالِ طاعَتِکَ فِیهِ المنَّهَ.(۳)

بار خدایا! ایمانم را به پایه کامل ترین ایمان برسان و باورم را برترین باورها قرار ده و نیتم را به نیکوترین نیت ها برسان... و به وسیله کامل کردن طاعت و فرمان بری ات در آن، نعمت را بر ما کامل ساز.

کمال هایی که در این دعاها آمده اند، در واقع، کمال هایی هستند که انسان را به سوی کمال نهایی؛ یعنی «خدا» هدایت می کند. در نظام عقیدتی اسلام، خداوند، کمال مطلق است و از سوی دیگر، انسان حقیقتی است که از اصل خویش؛ یعنی آفریدگارش دور مانده است و می خواهد به آن کمال مطلق برسد. ازاین رو، تا به آن اصل نرسد و به آن مقام دست نیابد، همواره احساس غربت می کند و به هیچ چیز دیگر قانع نیست تا به خدا برسد و آرامش یابد. آرامش انسان تنها زمانی ممکن می شود که به کمال مطلق؛ یعنی

۱- دعای ۲۰، بند ۲۹.

۲- دعای ۲۰، بند ۱.

۳- دعای ۴۳، بند ۷.

خدا برسد.(۱) امام در دعایی در مورد کمال نهایی انسان که همان قرب الهی است، می فرماید:

و رغبت و خواسته ام را در آنچه نزد تو است، شوق و دوستی دیدار خویش قرار ده.(۲)

مفسران در تفسیر آیه شریفه «إِنَّ ٱلْإِنْسانَ خُلِقَ هَلُوعًا.» (معارج: ۱۹) گفته اند همین حالت حرص و کم طاقتی انسان، سبب می شود که او در هر امری به کم و اندک قانع نباشد و همیشه در پی بیشترین ها و کامل ترین ها باشد.(۳) به عبارت دیگر، ویژگی ذاتی حرص در انسان، مقدمه کمال یابی و سیرتکاملی است.

نقش مؤثر کمال خواهی در مجموعه نظام تربیتی و به ویژه در بخش راهکارهای تربیتی، در رفتارهای انسان متجلی می شود. بدین صورت که اگر مقدمات رشد و اصلاح این ویژگی در انسان فراهم شود، انسان به دنبال کمال هایی می رود که وی را به خدا نزدیک می کند و فقط خدا را دارای کمال مطلق می داند. اگر این ویژگی به انحراف کشانده شود، منشأ ظهور خصلت های زشتی چون آزمندی خواهد شد.

۱- انسان از دیدگاه اسلام، ص ۱۵۵.

۲- دعای ۵۴، بند ۴.

۳- ناصر مکارم شیرازی و دیگران، تفسیر نمونه، قم، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۶، ج ۲۵، ص ۲۹.

ب) ویژگی های انسان کامل در صحیفه سجادیه

در بحث کمال خواهی توجه به این نکته بایسته است که از ویژگی های انسان کامل، لابه لای بخش های صحیفه، فراوان یاد شده است. تفکر در محتوای این گونه دعاها، یکی از بهترین راه های شناخت ابعاد مختلف شخصیت انسان کامل از دیدگاه صحیفه سجادیه است. در ادامه، تنها به برخی ویژگی های انسان کامل از دیدگاه صحیفه سجادیه اشاره می شود تا نمایی کلی از انسان کامل نشان دهیم و مبانی نظام تربیتی صحیفه را روشن تر ترسیم کنیم.

یک ــ انسان کامل، مشتاق وصال الهی است

و رغبت و میلم را در آنچه (پاداش اخروی) نزد تو است، شوق و دوستی دیدار (رحمت) خویش قرار ده.(۱) و مرا از مقامت (مقام منیع و جایگاه بلندت) بترسان و برای لقایت، مشتاق ساز.(۲)

دو ــ انسان کامل، بالاترین عشق ها را نثار دوست می کند

دلم را برای محبت و دوستی خودت از هرگونه (محبت جز تو) خالی ساز.(۳)

سه ــ انسان کامل، آرزوی زندگی گوارا می کند

پس مرا با زندگی گوارا و دل انگیز زنده دار تا آن گونه که می خواهم، آن زندگی نظم پذیرد و آنچه را دوست دارم، در برگیرد؛ یعنی آنچه را نمی پسندی، انجام ندهم و آنچه را نهی کرده ای، مرتکب نشوم.(۴)

۱- دعای ۵۴، بند ۴.

۲- دعای ۴۷، بند ۱۲۶.

۳- دعای ۲۱، بند ۱۰.

۴- دعای ۴۷، بند ۱۱۷.

چهار ـ انسان کامل به حقیقت توحید، ایمان دارد

و دستاویزم به سویت، یگانه دانستن تو است و وسیله ام آن است که چیزی را با تو شریک نساخته و با تو خدایی نگرفته ام.(۱)

پنج ـ انسان کامل، هم نوعان خود را دوست دارد و به آنها کمک می کند

و آنان را توفیق ده برای برپا داشتن روش و فرا گرفتن اخلاق نیک خود در سود رساندن به ناتوانانشان و جلوگیری از نیازمندی شان و رفتن نزد بیمارشان و راهنمایی کردن راه جویان و اندرز دادن مشورت کننده شان.(۲)

وقتی امام سجاد علیه السلام به عنوان یک انسان نمونه و مظهر کمال، آن گونه داشتن ویژگی های انسان کامل را از خدای متعال درخواست می کند، ره پویان و شیعیان آن امام که خواهان کمالند، باید برای دست یابی آن ویژگی ها بسیار بکوشند.

۳. خداجویی

۳. خداجویی

یکی دیگر از مبانی تربیتی صحیفه سجادیه، انگیزه «خداخواهی و خداجویی» است. این ویژگی به صورت فطری در نهاد همه انسان ها وجود دارد. امام سجاد علیه السلامدر نخستین دعای صحیفه سجادیه به فطرت خداجوی انسان اشاره می کند:

به قدرت خود، آفریدگان را آفرید و آنان را به خواست خویش به وجود آورد؛

۱- دعای ۴۹، بند ۳.

۲- دعای ۲۶، بند ۲.

بی آنکه از روی نمونه ای باشد. سپس آنان را در راه خواست خویشتن روان گردانید و در راه دوستی به خود برانگیخت.(۱)

شهید مطهری تأکید دارد که مفاد عبارت آخر دعا این است که تمام این حرکت ها و تکاپوی خلق، چه بفهمند و چه نفهمند، در طریق محبت خداست. حتی انگیزه اصلی آن که غیرخدا را می جوید، جست وجوی خداست، ولی در مصداق اشتباه کرده است.(۲)

فرمایش امام سجاد علیه السلام درباره خداجویی، در واقع تفسیری است برای سخن قرآن در مورد فطری بودن گرایش خداخواهی که آیه شریفه فطرت بر آن تأکید دارد. خداوند متعال می فرماید:

پس روی خود را متوجه آیین خالص پروردگار کن. این فطرتی است که خداوند، انسان ها را بر آن آفریده است. دگرگونی در آفرینش الهی نیست. این است آیین استوار، ولی بیشتر مردم نمی دانند. (روم: ۳۰)

این گرایش و کشش درونی و جذبه معنوی در همه انسان ها، از هر نژاد و قبیله ای و از هر جنسی وجود دارد. همه انسان ها حتی بت پرستان مشرك و مادی گرایان از چنین جذبه معنوی و گرایش باطنی برخوردارند و در باطن، ذات خود را به نیروی مرموزی وابسته می دانند و در برابرش کرنش می کنند. دل انسان نمی تواند بدون خدا آرام بگیرد، گرچه در تعیین مصداق،

۱- دعای ۱، بند ۳ و ۴.

۲- مرتضی مطهری، فطرت، انتشارات صدرا، ۱۳۶۹، چ ۱، ص ۲۵۳.

گاهی به خطا می رود.(۱)

دلیل دیگری که در صحیفه نیز تأیید شده، پناه بردن انسان به نیروی مرموز ماورای طبیعی در گرفتاری ها و درخواست حل مشکلات و فرو نشستن توفان های سخت زندگی از درگاه او است. این نیز گواه دیگری بر اصالت این جاذبه درونی و الهام فطری است که در کنار شواهد دیگر، ما را به وجود چنین کشش نیرومندی در درون وجودمان به سوی خدا آگاه می سازد.(۲)

امام در فرازی دیگر به محضر الهی چنین می فرماید:

دَعَوتُکَ ــ یا رَبِّ ــ مِسْکِینًا، مُسْتَکِینا، مُشفِقا، خائفا، و جِلًا، فَقیرا، مضطَرّا اِلَیک.(۳)

تو را خواندم ــ ای پروردگار من ــ در حالی که درویش، زاری کننده، ترسان، هراسان، بیمناک، بی چیز و بیچاره درگاه تو هستم.

نشانه های خداجویی

روش دیگری که صحیفه سجادیه با وجود آن، بر گرایش خداخواهی در انسان صحه می گذارد، ذکر ویژگی های انسان است که هر کدام، نشانه ای از وجود چنین حالتی در ذات انسانی به شمار می رود. برخی از این نشانه ها عبارتند از:

یک ــ وجود محبت خدا در قلب انسان

۱- ابراهیم امینی، اسلام و تعلیم و تربیت، انتشارات انجمن اولیا و مربیان، ۱۳۷۲، چ ۱، ج ۱، ص ۳۱.
۲- تفسیر نمونه، ج ۱۶، ص ۴۲۷.
۳- دعای ۵۱، بند ۱۰.

اَللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ فَرِّغْ قَلْبی لِمَحَبَّتِکَ.(۱)

بار خدایا! بر محمد و آل او درود فرست و دلم را برای دوستی خویش (از محبت هر چه جز خودت) خالی ساز.

در این فراز، بـا توجه به اصـل وجود محبت الهی در قلب انسـان، امام از خداونـد می خواهـد تا دیگر محبت ها از قلبش خارج شوند و قلب وی تنها منزلگاه محبت الهی گردد.

دو ـ گرایش به انجام دادن آنچه مورد رضای خداست

وَ امْنُنْ عَلَیَّ بشوْقٍ اِلَیکَ، وَ بِالْعَمَلِ لَکَ بِما تُحِبُّ وَ تَرضْی.(۲)

و به شوق و دل باختگی به خود و به انجام آنچه دوست داری و خشنود می گردی، بر من منت گزار (توفیق عطا فرما).

بنابراین، ساختار روحی انسان به گونه ای است که خداخواه است، هر چند در بینش و شناخت خود خطا کند و خدای یگانه را نیابد و موجود دیگری را به جای او بپرستد.

وَ اَهْوَنُهُمْ عَلَیْکَ مَنْ اَنْتَ تَرْزُقُهُ وَ هُوَ یَعْبُدُ غَیرَک.(۳)

و خوارترین آنها نزد تو کسی است که تو او را روزی می دهی و او جز تو را می پرستد.

هدف امام از طرح مفهوم خداخواهی که از مبانی تربیتی در اسلام به

۱- دعای ۲۱، بند ۱۰.

۲- دعای ۲۱، بند ۱۳.

۳- دعای ۵۲، بند ۲.

شمار می آید، توجه دادن انسان ها به فطرت خداجویشان است. این گرایش با توجه دادن انسان به خدا، در اصلاح رفتارهای وی اثرگذار است. انسان خداجو به خاطر فطرت خداجویش، همواره خدا را در نظر دارد و بر اثر همین توجه، به گناه و نافرمانی خدا آلوده نمی شود و رفتارهایش با نیت خالص و برای تقرب به خدا انجام می پذیرد.

۴. میل به جاودانگی

۴. میل به جاودانگی

یکی دیگر از ویژگی های انسان که از مبانی تربیتی صحیفه سجادیه به شمار می آید، «گرایش به جاودانگی» است. انسان در شرایط طبیعی می خواهد جاودانه باشد و تا ابد باقی بماند. حتی در مواردی که از سختی ها به تنگ آمده است و برای مثال، مرگش را از خدا می خواهد، به گونه ای، خلاصی از درد و بقای لذت را می جوید.

گرایش به جاودانگی، گرایشی فطری و طبیعی است که در نهاد و سرشت انسان قرار داده شده است و در اختیار انسان نیست.(۱) آنچه در زمینه این گرایش در اختیار انسان قرار دارد، جهت دادن به آن، تعیین مصداق برای آن، پی آمدهای آن و نوع رفتاری است که انسان تحت تأثیر آن برمی گزیند. این امور به سبب ویژگی اختیاری بودنشان، در حوزه تعلیم و تربیت قرار می گیرند.

ص: ۵۵

۱- مرتضی مطهری، عدل الهی، صدرا، ۱۳۶۹، ص ۱۷۷.

امام سجاد علیه السلام در دعاهای زیادی مانند: «دعا برای فرزندان»، «دعا هنگامی که روزی بر آن حضرت تنگ می شد» و برخی دعاهای دیگر، به این ویژگی انسان اشاره کرده است. از جمله در دعای بیست و پنجم، امام با دعا برای فرزندان و درخواست بقا و طول عمر برای آنها، از خداوند می خواهد:

بار خدایا! بر من منت گذار و نعمت عطا فرما با زنده ماندن فرزندانم.(۱) بار خدایا! عمرشان را برای من دراز گردان و مدت زندگی شان را زیاد کن.(۲)

امام در این فرازها، بقای عمر فرزندان را از درگاه الهی می خواهد و این به سبب «گرایش به جاودانگی» است که در سرشت انسان وجود دارد.

بنابراین، ویژگی جاودانگی خواهی، یکی از مبانی تربیتی در صحیفه سجادیه به شمار می رود؛ زیرا خاستگاه بسیاری از رفتارهای پسندیده، مانند بندگی خدا، به جا آوردن رفتارهای نیک برای عالم آخرت و از میان رفتن رفتارهای ناپسندی همچون آرزوهای دراز، آزمندی و گناهان زیاد در انسان است.

۵. خوف و رجا (ترس و امید)

اشاره

۵. خوف و رجا (ترس و امید)

«خوف و رجا» از دیگر ویژگی های انسان و مبانی تربیتی صحیفه سجادیه است. این دو ویژگی در تمام انسان ها صرف نظر از دین، نژاد، جنس و ملیت آنها دیده می شود؛ زیرا انسان از همان اوان کودکی، ترس

۱- دعای ۲۵، بند ۱.

۲- دعای ۲۵، بند ۲.

و امیـد را تجربه می کنـد. این دو ویژگی با فطرت او عجین شده است و به تعبیری همراه کودک زاده می شوند. موضوع ترس و امید از موضوع های مورد علاقه روان شناسان است و درباره آن پژوهش های گسترده ای صورت گرفته است.

نخست آنچه کودک از آن می ترسـد یا به آن امیدوار است، امور ابتدایی و ساده مانند تاریکی، تنهایی، سـقوط، راحتی، گرم شـدن و نوازش است، ولی با رشـد جسـمانی کودک و سـپس رشد شـناختی و عاطفی وی، مصداق های ترس و امید نیز در او عوض می شود. انسـان بزرگ سال شایـد از تاریکی و تنهایی نترسـد، ولی مرگ، شـکست و رسوایی باعث ترس و وحشت او خواهد شد. شاید دیگر منتظر خوشی دامن مادر و نوازش او نباشد، ولی به مقام و موقعیت و قدرت، وابسته و امیدوار است.(۱) مصداق های ترس و امید بسـته به سـطح ادراک و شـناخت انسان و میزان رشد هیجان عاطفی او تغییر می یابد. در همین زمینه، دین در تعریف مصداق های واقعی ترس و امید برای انسان نقش بسزایی دارد.

برای توضیح این مطلب، به تبیین این دو مفهوم و بیان دیدگاه صحیفه سجادیه در این باره می پردازیم:

۱- روش تربیتی اسلام، ص ۱۳۵.

الف) خوف

الف) خوف

واژه خوف(۱) در لغت به معنای ترس و واهمه آمده است.(۲) بر اساس همین تعریف لغوی و با توجه به اصطلاح دینی آن، در بینش توحیدی اسلام، خوف حالتی برآمده از شناخت خداست؛ به این لحاظ که خداوند قادر است نعمت های دنیوی را در آینده از ما سلب کند و از نعمت های اخروی محروممان سازد.(۳)

حضرت امام سجاد علیه السلام در دعاهای فراوانی به این حقیقت اشاره کرده است که تمام نعمت های ما از آن خداست و اگر خدا آنها را نمی داد، ما آن نعمت ها را نداشتیم. از جمله شناخت های فطری انسان که در صحیفه سجادیه به آن اشاره شده، معرف این حقیقت است که خداوند می تواند همه نعمت هایی را که در این دنیا به ما داده است _ مانند: عمر، سلامتی، دوستان، آشنایان، اولاد، اموال و... _ از ما بازستاند. باید این موضوع را دریافت که خداوند می تواند انسان را به دوری از بهشت و نعمت هایش و از همه بدتر به دوری از خود و رحمتش دچار سازد.(۴)

۱- خوف در لغت به معنای فزع است. ابن منظور، لسان العرب، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۶ ه . ق، چ ۴، ج ۴، ص ۲۴۸، ماده «خوف». در معنایی دیگر، «الخوف، حاله تأثر و اضطراب یتوقع ضرر مستقبل او مواجه یذهب بالامن؛ حالت ناراحتی و نگران کننده ای است که در آن انتظار ضرری می رود که در حال حاضر یا آینده موجب زوال امنیت و آسایش است». حسن مصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۰، ج ۳، ص ۱۴۵، ماده «خوف».

۲- علی اکبر دهخدا، لغت نامه دهخدا، دانشگاه تهران [بی تا]، ج ۱۱، ص ۵۹۰، ماده «بیم» و «خوف».

۳- اخلاق در قرآن، ج ۱، ص ۳۸۵.

۴- همان، ص ۳۸۵.

گفته شد که دین در تبیین متعلّق واقعی ترس و امید نقش دارد. در ادیان به ویژه اسلام، مسئله «ترس از خدا» از مهم ترین امتیازهای افراد باایمان است و مقام خائفین از مقام های شایسته و مقام پیشوایان و رهبران امت است.(۱) حضرت امام سجاد علیه السلام در صحیفه سجادیه بارها به این مسئله اشاره می فرماید و در بیشتر آنها، متعلّق خوف را خدا می داند.

یک ـ بیم از خدا: «مِنْکَ اَخافُ وَ بِکَ اَسْتَغِیثُ؛ از تو می ترسم و از تو فریادرسی می طلبم».(۲)

«قَدْ تَری یا اِلهی فَیْضَ دَمْعِی مِنْ خِیفَتِک؛ ای خدای من! روان شدن اشکم را از ترست می بینی».(۳)

دو ـ بیم از مقام خدا: «وَ اَخِفْنی مَقامَکَ وَ شَوِّقْنی لِقاءَکَ؛ و مرا از مقامت بترسان و برای دیدارت مشتاق ساز».(۴)

سه ـ بیم از لقای خدا: «وَ اَشْرَفْتُ عَلی خَوْفِ لِقائِکَ؛ و بر ترس دیدار تو نزدیک گشته ام».(۵)

چهار ـ بیم از عقاب: «اَللّهُمَّ ارزُقْنا خَوْفَ عِقابِ الْوَعِید؛ بار خدایا! ترس از کیفر وعده داده شده را روزی ما گردان».(۶)

۱- ناصر مکارم شیرازی، انگیزه پیدایش مذاهب، قم، انتشارات هدف، [بی تا] ص ۲۱۱.

۲- دعای ۵۲، بند ۱۱.

۳- دعای ۱۶، بند ۱۹.

۴- دعای ۴۷، بند ۱۲۶.

۵- دعای ۲۱، بند ۱.

۶- دعای ۴۵، بند ۵۳.

در صحیفه سجادیه، دعاهای زیاد دیگری مانند: دعای هشتم (پناه بردن به خدا)، دعای دهم (التجا به خدای تعالی)، دعای دوازدهم (اقرار به گناه)، دعای شانزدهم (درخواست بخشش گناهان)، دعای بیست و هشتم (ترس از خدا)، دعای سی و یکم (توبه) وجود دارد که در همه آنها از بیم و امید به خدا برای اصلاح رفتارها یاد شده است.

بنابراین، خوف که یکی از ویژگی های انسان است، نقش مؤثری در اصلاح رفتارهای انسان دارد؛ زیرا اگر این ویژگی در انسان نبود و انسان از چیزی نمی ترسید، غفلت و غرور، انسان را به سرکشی وا می داشت و سبب هلاکت و نابودی انسان می شد. پس خوف به عنوان یکی از مبانی تربیتی صحیفه سجادیه معرفی شده است که موجب خضوع و خشوع در برابر خداوند متعال و گردن نهادن به دستورهای الهی می شود و در اصلاح رفتار انسان نقش مؤثری دارد.

ب) رجاء

ب) رجاء

واژه «رجاء» مقابل «خوف» به کار می رود و به معنای امید و آرزو است.(۱) در بینش توحیدی اسلام، رجاء حالتی برخاسته از شناخت خداست؛ به این لحاظ که خداوند می تواند در آینده نیز به اعطای نعمت های دنیوی

۱- «رجاء» به معنای «هو ظن یقتضی حصول ما فیه (راغب اصفهانی، مفردات فی غرایب القرآن، طهران، مکتبه البوذر جمهوری المصطفوی، ۱۳۷۳، ص ۱۸۹)؛ آنچه احتمالاً موجب خوشحالی خواهد شد» است. ماده «رجا» همچنین در کتاب لسان العرب آمده است: «رجا» ضد «یأس» است و در لغت به معنای توقع و آرزو است. (ابن منظور، لسان العرب، ج ۵، ص ۱۶۳، ماده: «رجا»).

ادامه دهد و از نظر کمّی و کیفی بر آن بیفزاید و ما را از نعمت های بزرگ اخروی برخوردار سازد.(۱)

رجاء نتیجه طبیعی باور به ربوبیت الهی است. اگر ما معتقدیم که مؤثر حقیقی در جهان خداست، پس همه امیدها باید به او منحصر باشد.(۲) در صحیفه سجادیه، آنجا که متعلّق ویژگی «رجاء»، خداست، به عنوان یکی از مظاهر توحید به شمار آمده است. این کتاب شریف، رجاء نسبت به خداوند را یکی از پسندیده ترین ویژگی های انسان خداپرست می داند؛ یعنی انسان باید امیدی جز به اللّه نداشته باشد.

در صحیفه سجادیه، دعاهای فراوانی از روح امید در انسان حکایت می کند، مانند: دعاهای «اقرار به گناه»، «توبه» و «درخواست بخشش گناه».

در صحیفه، متعلّق امید به چند صورت بیان شده که بازگشت همه آنها به خداست:

یک _ امید به خدا: «وَ لا اَرْجُو غَیرَک؛ و به جز تو امید ندارم».(۳)

دو _ امید به رحمت خدا: «اِنَّما اُوَبِّخُ بِهذا نَفْسِی؛ اینکه خود را به این سخنان سرزنش می کنم، برای امید به رحمت تو است».(۴)

سه _ امید به عفو الهی: «فَأَقْدَمَ عَلَیْهِ عارِفا بِوَعِیدِکَ راجِیًا لِعَفوِکَ، واثِقا

ص: ۶۱

۱- معارف قرآن، ص ۵۱.

۲- همان.

۳- دعای ۵۱، بند ۱۱.

۴- دعای ۱۶، بند ۲۸.

بِتَجاوُزِك؛ پس با وجود آشنایی به ترسانیدن تو و امیدواری به عفو تو و اعتماد به گذشت تو بر نافرمانی ات اقدام کرد».(۱)

چهار _ امید به شفاعت پیامبر و آل او: «وَ لا شَفاعَةَ مخلُوقٍ رَجَوْتُهُ اِلاّ شَفاعَةَ مُحمَّدٍ وَ اَهْلِ بَیْتِهِ؛ و به شفاعت و میانجی گری آفریده ای که به او امید داشته باشم، (دل نبسته ام) جز شفاعت محمد و اهل بیت و خاندان او».(۲)

پنج _ امید به سعادت و نیک بختی: «یَرْجُونَ تِجارَةً لَنْ تَبُور؛ و در دوستی اش، تجارتی را آرزو داشتند که هرگز کسادی در آن راه نمی یابد».(۳)

بنابراین، خوف و رجاء از صفات ذاتی و ضروری انسان کمال جو است که نبود هر کدام، نقصی در ویژگی های انسانی و روانی به شمار می آید و تأثیر ناخوشایند خود را بر رفتار انسان و سعادت و معنویت وی خواهد نهاد.

نکته دیگری که باید بدان اشاره کرد، نقش تعادلی خوف و رجاء در زندگی است. نقش تعادلی خوف و رجاء در انسان به گونه ای است که اگر نباشد، انسان نمی تواند به زندگانی خود ادامه دهد؛ زیرا اگر خوف و ترس بر امید چیره باشد، انسان را به ناامیدی می کشاند. در نتیجه، انسان از تلاش دست برمی دارد و کم کم به پوچی می رسد. از سوی دیگر، اگر امیدواری انسان بر خوف چیره شود، انسان را به غرور و غفلت می کشاند که

۱- دعای ۴۷، بند ۶۸.

۲- دعای ۴۸، بند ۶.

۳- دعای ۴، بند ۵.

به سرکشی و نابودی اش خواهد انجامید. پس حالت خوف و رجاء در یک انسان، همیشه باید به صورت متعادل باشد، به گونه ای که هیچ یک بر دیگری غلبه نداشته باشد.

حضرت امام سجاد علیه السلامبا توجه به نقش تعادلی خوف و رجاء در زندگی انسان، در فرازهایی از صحیفه سجادیه به تقویت و پرورش یکسان این دو ویژگی می پردازد و در این زمینه می فرماید: «وَ اَخِفْنِی مَقامَکَ و شَوِّقْنِی لقاءکَ؛ و مرا از مقامت بترسان و برای دیدارت مشتاق و دلداده ساز».(۱)

۶. دوری از غفلت

۶. دوری از غفلت

یکی دیگر از مبانی تربیتی مورد توجه صحیفه سجادیه، دوری از «غفلت» است. غفلت در کتاب های اخلاقی و روایی، فراوان مطرح شده و مراد از آن، خودفراموشی و خدافراموشی است.(۲)

در بحث خداجویی و کمال خواهی گفته شد که انسان به طور فطری خداجو و کمال طلب است و باید با چنین طبیعتی همواره به یاد خدا و در پی کمال باشد، ولی در مواردی دیده می شود که چنین نیست. سرّ این

۱- دعای ۴۷، بند ۱۲۶.

۲- عبداللّه جوادی آملی، مراحل اخلاق در قرآن، نشر اسراء، ۱۳۷۷، چ ۱، ص ۲۶.

مسئله آن است که انسان بر اثر سرگرمی های فراوان از یاد خدا غافل می شود و خدا را فراموش می کند.(۱)

حضرت امام سجاد علیه السلام در دعاها و بیان های مختلفی به این ویژگی انسان پرداخته و مصداق های غفلت را برشمرده است. امام، موارد غفلت را بدین صورت بیان می کند:

الف) غفلت از خدا: «وَ لا تَسِمنا الغَفْلَةَ عَنْکَ، اِنّا اِلَیْکَ راغِبُونَ، وَ مِنَ الذُّنوبِ تائِبُونَ؛ و ما را به غافل ماندن از خودت گرفتار مکن که ما به سوی تو مشتاق و از گناهان توبه کننده ایم».(۲)

ب) غفلت از خود: «وَ مَنْ اَغْفَلُ مِنّی عَنْ حَظِّهِ؛ کیست از بهره خود، فراموش کارتر از من باشد».(۳)

ج) غفلت از انجام وظایف الهی: «وَ جَنِّبنا... الاغْفالَ لِحُرمَتِکَ؛ و ما را از بی خبری و غافل ماندن از حرمت و رعایت مقام عظمتت دور گردان».(۴)

و من به سبب فضیلت یک عمل مستحبی به سوی تو توسل نمی جویم با اینکه از بسیاری از شرایط واجبات تو غافل بوده و آنها را به جا نیاورده ام.(۵)

د) غفلت از عالم آخرت: «یا غَفْلَتی عَمّا یُرادُ؛ ای وای از غفلت و بی خبری

ص: ۶۴

۱- محمدتقی مصباح یزدی، بر درگاه دوست، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمه الله، ۱۳۷۶، چ ۱، ص ۲۴۶.

۲- دعای ۳۴، بند ۴.

۳- دعای ۱۶، بند ۲۳.

۴- دعای ۴۴، بند ۱۳.

۵- دعای ۳۲، بند ۱۸.

من از آنچه درباره ام خواسته می شود».(۱)

ه) غفلت از وعید: «غَفْلَةً عَنْ وَعیدِكَ؛ و غفلت و بی خبری از تهدیدت».(۲)

و) غفلت از نعمت ها:

و شکر و سپاس گزاری ات را از من زایل مکن، بلکه در آن هنگامی که نادانان نسبت به نعمت هایت در غفلتند، مرا در حال فراموشی، به سپاس خود ملتزم بدار.(۳)

هوای نفس مهم ترین عامل غفلت و فراموشی است. کسانی هستند که بر اساس پیروی از غریزه های حیوانی خود، به کاری که انجام می دهند، توجه نمی کنند. انگیزه های غریزی، آنان را به کارهایی وامی دارد و هرگز توجه نمی کنند که راه دیگری هم هست و هدف هایی در کار است که باید به آن رسید؛ حقی هست که باید پذیرفت و باطلی که باید رها کرد؛ راه صحیحی هست که باید برگزید و راه خطایی که از آن باید کناره گرفت. غافلان به این حقایق توجه نمی کنند، بلکه غرایز با کمك شرایط خارجی، انگیزه هایی برای آنان به وجود می آورد و ایشان نیز به دنبال آن انگیزه ها حرکت می کنند.

قرآن از این گروه به عنوان غافلان یاد می کند و آنان را در حکم چهارپایان برمی شمارد، آنجا که می گوید:

به یقین، گروه بسیاری از جن و انس را برای دوزخ آفریدیم؛ آنها دل هایی دارند

۱- دعای ۵۳، بند ۶.

۲- دعای ۴۹، بند ۱۴.

۳- دعای ۴۷، بند ۱۱۴.

که نمی فهمند و چشمانی که با آن نمی بینند و گوش هایی که با آن نمی شنوند. آنها همچون چهارپایانند، بلکه گمراه تر! اینان همان غافلانند. (اعراف: ۱۷۹)

«غفلت، راه های معرفتی را که خداوند برای انسان قرار داده است، مسدود و آنها را غیرقابل استفاده می کند. خداوند، چشم و گوش و دل را در اختیار انسان قرار داده است تا در مسیر شناخت و معرفت از آنها استفاده کند، ولی شخص غافل در تشخیص درست از نادرست، از آنها استفاده نمی کند، بلکه سرش را پایین انداخته، به مقتضای غریزه کور و بدون آنکه توجه کند حق و باطلی هم است، عمل خواهد کرد.»(۱) امام سجاد علیه السلام در این زمینه می فرماید:

بار خدایا! برای او (شیطان) در دل های ما جای داخل شدن قرار مده و برای او در پیش ما جایگاهی آماده مساز. بار خدایا! باطل و نادرستی را که برای ما می آراید و جلوه می دهد، به ما بشناسان و چون آن را به ما شناساندی، ما را از آن نگه داری کن و ما را به آنچه به وسیله آن، نیرنگ او را از خود دفع کنیم، بینا فرما و به دل ما بیفکن چیزی را که برای دور ساختن او آماده سازیم و از خواب غفلت که به سبب آن به شیطان روی آورده باشیم، بیدارمان گردان.(۲)

چون غفلت، منشأ رفتارهای ناپسندی مانند خودفراموشی و خدافراموشی می شود، دوری از آن به عنوان یکی از مبانی تربیت در نظام تربیتی صحیفه سجادیه معرفی شده است.

ص: ۶۶

۱- اخلاق در قرآن، ج ۲، ص ۱۶۴.

۲- دعای ۱۷، بند ۷.

۷. دنیادوستی

۷. دنیادوستی

از دیگر ویژگی های انسان که در صحیفه سجادیه، به عنوان مبانی تربیتی به شمار می رود، «دنیادوستی» است. انسان به زندگی دنیوی خود علاقه دارد و برای بهبود آن تلاش می کند. یکی از علت هایی که انسان، زندگی دنیا(۱) را دوست دارد، علاقه به جاودانگی و مشهود بودن کارهای دنیا در گستره زندگی انسان و برآوردن نیازهای او است.(۲) امام سجاد علیه السلام در دعاهای زیادی،(۳) برآورده شدن نیازهای دنیایی را از خداوند متعال درخواست می کند و می فرماید: «اَکْمِلْ لی بِها خَیرَ الدُّنیا وَ الاخره؛ و به وسیله آن راه، نیکی دنیا و آخرت را برایم کامل گردان».(۴)

«وَ آتِنا فی الدُّنیا حَسَنَهً وَ فی الآخِرَهِ حَسَنَهً؛ و در دنیا نیکی (تندرستی، آسودگی، بی نیازی، فرزند و زن شایسته و چیرگی بر دشمنان) و در آخرت، نیکی به ما عطا فرما».(۵)

ص: ۶۷

۱- دنیا در لغت از «دَنَوَ» به معنای نزدیکی است «و سمیت الدنیا لدنوها». (اسماعیل بن حماد الجوهری، الصحاح، بیروت، دار العلم للملایین، ۱۳۹۹ ه . ق، چ ۲، ج ۶، ص ۲۳۴۱، ماده «دنا»). در مقابل آخرت که نسبت به ما دورتر است، دنیا نسبت به ما از جهت زمانی نزدیک تر و برایمان نقدتر است. دنیا مؤنث کلمه «ادنی» و صفت تفضیلی است. (لسان العرب، ج ۴، ماده «دنا»).

۲- اخلاق در قرآن، ج ۲، ص ۱۵۴.

۳- برای نمونه: دعاهای ۳، ۲۹ و ۵۴ به مسئله دنیا و دنیادوستی اشاره می کند.

۴- دعای ۲۰، بند ۲۹.

۵- دعای ۲۰، بند ۳۰.

دنیا و آنچه در آن است، همه نعمت های الهی انـد و به خودی خود بـد نیسـتند؛ زیرا آفریده های الهی همه هدف دارند. چنان که قرآن می فرمایـد: «وَ مـا خَلَقْنَا السَّمـاواتِ وَ الْأَـرْضَ وَ مـا بَيْنَهُمـا لاـعِبينَ؛ و ما آسـمان ها و زمین و آنچه را در میان این دو هست، بازیچه و بی هدف نیافریدیم». (دخان: ۳۸)

همچنین در موارد مختلف، قرآن به مظـاهر دنیا سوگنـد می خورد(۱) که این سوگنـد یاد کردن ها، از هـدف مندی آفرینش و مقـدس بودن آنها حکایت می کند. از سوی دیگر، امام بارها به نکوهش دنیا پرداخته است و می فرماید: «وَ انْزِعْ مِنْ قَلْبی حُبَّ دُنیـا دَنِيَّةٍ؛ و از دلم، دوسـتی دنیـای پست را که از آنچه (سـعادت و نیـک بختی که) نزد تو است، بـازمی دارد، بَر کن و بیرون ساز».(۲)

قرآن کریم نیز دنیا را با عنوان های ناپسـندی توصیف می کند. برای مثال می فرماید: «وَ ما الحَيوةُ الدُّنيا اِلَّا لَعِبٌ وَ لَهوٌ؛ زندگی دنیـا چیزی جز بازی و سرگرمی نیست.» (انعام: ۳۲) یـا «وَ ما الحَيوةُ الـدُّنيا اِلّا مَتاعُ الغُرُور؛ و زنـدگی دنیا چیزی جز متاع فریب نیست.» (حدید: ۲۰)

پرسشـی که اینجا مطرح می شود این است که چرا در بسیاری از آیات و روایات، دنیا را ضـدارزش می داننـد؟ در پاسـخ باید گفت کیفیت رابطه انسـان و نگرش وی به دنیـا، گونه های مختلفی دارد. نقطه اساسـی انحراف، بینش نادرست برخی انسان ها نسبت به دنیاست که می پندارند زندگی منحصـر به همین دنیاست، حال آنکه دنیا مانند پلی برای رسیدن به جهان دیگر است و

۱- برای نمونه: شمس: ۱ _ ۶.

۲- دعای ۴۷، بند ۱۰۹.

زندگی جاودانه، هدف و مقصود انسان به شمار می رود. بنابراین، اگر انسان بیش از حد به دنیا دل ببندد و به دنیا به خاطر دنیا توجه کند و دل بسته آن باشد، در این صورت، دنیا ناپسند است.

صرف اینکه انسان در این جهان زندگی می کند، نه تنها ضدارزش یا ارزش منفی نیست که ارزش مثبت هم دارد؛ زیرا بر اساس بینش قرآنی، اگر دنیا نباشد، آخرت هم نیست. زندگی آخرت را با رفتار اختیاری خویش در دنیا می سازیم و به آن شکل می دهیم، همچنان که در روایت ها آمده است: «دنیا مزرعه آخرت است.»(۱) در اینجا باید کاشت تا در آنجا بتوان درو کرد.(۲)

بنابراین، نخست بر ما لازم است که بینش خود را درباره دنیا اصلاح کنیم و دریابیم که زندگی انسان منحصر به زندگی دنیا نیست، بلکه در ورای آن، زندگی جاودانه برای انسان وجود دارد. سپس رابطه واقعی میان دنیا و آخرت را که همان رابطه راه و مقصد یا وسیله و هدف است، کشف کنیم تا رفتار مناسب با آن را انجام دهیم.

امام سجاد علیه السلام در صحیفه سجادیه، سخنان فراوانی درباره نگرش به دنیا دارد که از مجموعه آنها دو نوع نگرش به دست می آید:

نخست، نکوهش دنیادوستی، به دلیل زیان های آن، مانند:

و دوستی دنیای پست را که از آنچه (سعادت و نیکبختی که) نزد تو است، باز می دارد و از طلبیدن وسیله و دستاویز به سوی تو بازمی دارد و از نزدیک شدن به

۱- «الدنیا مزرعه الآخره». بحارالانوار، ج ۷، ص ۳۵۲.

۲- اخلاق در قرآن، ج ۱، ص ۲۲۱.

(طاعت) تو غافل و بی خبر می گرداند، از دلم بَر کن.(۱)

در این فراز، امام با اشاره به یکی از زیان های مهم دنیادوستی که همان جلوگیری از تقرب به خداست، دنیادوستی را نکوهش می کند.

نگرش دوم، درخواست دنیا و بندگی خداست. امام سجاد علیه السلام در این زمینه می فرماید:

و مرا از رنـج کسب و پی روزی دویـدن راحتم کن و روزی بی گمان و بی رنج برای من برسان تا از عبادت و بندگی تو برای به دست آوردن روزی باز نمانم و زیر بار سنگینی زیان ها و بدی پی آمدهای کسب نروم.(۲)

بنابراین، ویژگی دنیادوستی با نگرش های مختلف آن، ماننـد نگرش اسـتقلالی به دنیا یا مقـدمه بودن برای آخرت، چون منشأ رفتارهایی مثل آزمندی (با نگرش اسـتقلالی به دنیا) و دوری جستن از گناه (با نگرش مقدمه بودن دنیا برای آخرت) در انسان می شود، به عنوان مبنای تربیتی در صحیفه سجادیه مطرح شده است.

۸. اختیار

اشاره

۸. اختیار

یکی دیگر از مبانی تربیتی صـحیفه سـجادیه که از ویژگی های انسان به شـمار می آید، «اختیار» و توانایی تصمیم گیری است. اهمیت این ویژگی در بافت وجودی انسان بدان پایه است که برخی مکتب ها از جمله مکتب

۱- دعای ۴۷، بند ۱۰۹.

۲- دعای ۲۰، بند ۲۴.

اگزیستانسیالیسم، فصل مقوّم انسان و اساس شخصیت وی را در آزادی او می دانند.

در دین اسلام نیز پایه وظیفه و تکلیف، ثواب و عقاب، زشتی و زیبایی اخلاق و مسئولیت انسان، به این ویژگی وابسته است(۱) و مشروعیت این امور نیز برخاسته از این ویژگی همراه با آگاهی و گرایش درونی است.(۲)

مفهوم اختیار

مفهوم اختیار

واژه اختیـار، در عرف و نیز در مباحث نظری، به چنـد صورت به کار می رود که آنچه به اختیار انسان در مسائل تربیتی مربوط می شود، اختیار به معنای «قصد و گزینش» است. در فلسـفه، یکی از اقسام فاعل، «فاعل بالقصد» نام دارد و او، کسـی است که راه های مختلفی پیش روی دارد که همه را می سنجد و یکی را برمی گزیند.(۳)

این معنـا در مورد کارهـای اختیـاری انسـان مطرح بوده و زمینه سـاز دست یـابی به کرامت اکتسابی انسان است. بر این اساس، مفهوم «اختیـار» در انسـان عبـارت است از اینکه انسـان، جـاذبه هـای درونی مختلفی دارد که می توانـد با فعالیت درونی خود، یکی را بر دیگری ترجیح دهد و آن را برگزیند؛ یعنی هرگاه انسان از میان راه ها و کارهای گوناگونی که پیش روی

۱- مرتضی مطهری، حکمت ها و اندرزها، صدرا، ۱۳۶۹، ص ۲۱۷.

۲- فلسفه تعلیم و تربیت، ج ۱، ص ۴۸۱.

۳- معارف قرآن، ص ۳۷۵؛ محمدتقی مصباح یزدی، آموزش فلسفه، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۵، چ ۱، ج ۲، ص ۸۷ .

اوست، با بررسی و سنجش، یکی را برگزینند و بر انجام آن تصمیم گیرد، کاری اختیاری انجام داده و در راه سرنوشت نیک یا بد خود گامی برداشته است.

«اختیار» در صحیفه سجادیه

«اختیار» در صحیفه سجادیه

از دیدگاه اهل بیت علیهم السلام، انسان در کارهای ارادی خود، نه مجبور است و نه کاملاً به خود وا گذاشته شده است، بلکه برابر فرموده مشهور امام صادق علیه السلام، حقیقتی بین این دو وجود دارد.(۱) بر اساس این دیدگاه، فعال بودن انسان، نه تنها با فعال بودن خدا در کارهای انسان منافات ندارد، بلکه عین واقعیت و مقتضای شناخت صحیح خدا و انسان و درک دقیق ماهیت فعل اختیاری است.(۲)

گرچه امام سجاد علیه السلام در صحیفه سجادیه به طور مستقل به این مبحث نپرداخته است، ولی موارد زیادی در سراسر صحیفه وجود دارد که به گونه ای بر مختار بودن انسان دلالت دارد. امام نیز با توجه به نقش مؤثر این مبنای تربیتی، اندرزهای خود را بر اساس اختیار انسان پایه گذاری کرده است. برخی دعاهایی که بر مختار بودن انسان دلالت می کند، عبارتند از:

۱. دعاهایی که در زمینه آزمایش انسان بیان شده است، مانند:

۱- «قال الصادق علیه السلام: لاجبر و لا تفویض و لکن امر بین الامرین». محمد کلینی، اصول کافی، مکتبه الصدوق، ۱۳۸۱ ه . ق، ج ۱،ص ۱۶۰.

۲- محمود رجبی، انسان شناسی، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمه الله، ۱۳۷۸، چ ۳، ص ۱۱۲.

سپس ما را (به رفتار بر اساس احکام خود) فرمان داد تا پیروی مان را بیازماید و نهی کرد تا سپاس گزاری مان را آزمایش کند. آن گاه از راه فرمانش سرپیچی کردیم و بر سواره های نهی اش سوار شدیم.(۱)

و عزیز و گرامی ام (دار) و به کبر و خودپسندی دچارم مکن.(۲)

بار خدایا! تو ما را در روزی هامان به بدگمانی و در مدت عمرهایمان، به آرزوی دراز آزمایش کرده ای.(۳)

انسان تنها زمانی آزمایش می شود که موجودی مختار باشد. در غیر این صورت، امتحان و آزمایش معنا ندارد.

۲. دعاهایی که در زمینه وعد و وعید و بشارت و انذار الهی آمده است؛ مانند:

بار خدایا! من آن بنده تو هستم که هوا و خواهشش، او را به آنچه از آن بر حذر داشته ای، واداشت. پس با وجود آشنایی به ترسانیدن تو، به نافرمانی ات اقدام کرد.(۴)

و امانی از خشمت را برایم بنویس و با این امان، مژده ای (در دنیا) پیش از (آخرت) به من بده.(۵)

اصولاً وعد و وعید و بشارت و انذار که در دعاهای یاد شده آمده است، بدون در نظر گرفتن اراده و اختیار برای انسان معنا ندارد. بنابراین، باید

۱- دعای ۱، بند ۲۱.

۲- دعای ۲۰، بند ۳.

۳- دعای ۲۹، بند ۱.

۴- دعای ۴۷، بند ۶۷ و ۶۸.

۵- دعای ۱۶، بند ۳۳.

انسان دارای ویژگی مهم اختیار باشد تا مشمول خطاب های وعد و وعید شود.

۳. دعاهایی که در زمینه عهد و میثاق خدا با انسان هاست، مانند:

و خود به تنهایی به من احسان و نیکی کن به آنچه (منظور: هدایت و راهنمایی) به آن احسان کردی کسی را که به عهد و پیمان تو وفا کرده (یعنی: به تو ایمان آورده) است.(۱)

اگر انسان مجبور باشد و از خود اختیاری نداشته باشد، عهد خدا با وی، بیهوده است. بنابراین، انسان باید اختیار داشته باشد تا خدا با وی پیمان داشته باشد.

۴. امر و نهی الهی، مانند:

سپس او را فرمان دادی؛ پس فرمان نبرد و بازداشتی؛ پس باز نایستاد و از معصیت و نافرمانی نهی فرمودی؛ پس خلاف فرمانت کرد و نهی ات را مرتکب گشت.(۲)

با در نظر گرفتن مفاد این دعا که بیان امر و نهی های الهی و مخالفت با آنها است، به روشنی معلوم می شود که انسان، دارای اختیار است و می تواند مخاطب امر و نهی های الهی قرار بگیرد.

۱- دعای ۴۷، بند ۸۸.

۲- دعای ۴۷، بند ۶۸.

بخش سوم: اصول تربیتی در صحیفه سجادیه

اشاره

بخش سوم: اصول تربیتی در صحیفه سجادیه

دریافتیم که مبانی، پایه های نظری یک نظام را تشکیل می دهد که بر اساس آنها، اصول کلی به منظور پایه ریزی روش های کاربردی تنظیم می گردد. اکنون پرسش این است که نظام تربیتی صحیفه سجادیه از چه اصولی تشکیل شده است؟ نخست به توضیح و تبیین مفهوم «اصل» از نظر تربیتی می پردازیم. سپس با اشاره به بعضی اصول مهم تربیتی که از کلام حضرت امام سجاد علیه السلام در صحیفه سجادیه قابل استفاده است، جایگاه آن را در نظام تربیتی صحیفه پی خواهیم گرفت.

«اصل»، واژه عربی است و به معنای بیخ، بنیاد، پایه و بُن هر چیزی است.(۱) در زبان انگلیسی، «اصل» معادل واژه «Origin» و «Principle» است که هر دو به معنای اصل، مبدأ، منشأ و قاعده می آیند.(۲)

در اصطلاح علوم تربیتی، برای اصول همانند مبانی، تعریف های زیادی شده است. برخی نویسندگان، اصول تربیتی را با مبانی مترادف گرفته و

۱- لغت نامه دهخدا، ج ۲، ص ۲۴۰۵، ماده «اصل».

۲- منوچهر آریان پور، فرهنگ پیشرو آریان پور، ج ۴، ص ۳۶۴۴.

وجه تمایزی برای آنها بیان نکرده اند.(۱) برخی نیز اصول را چنین تعریف کرده اند: «مفاهیم، نظریه ها و قواعد به نسبت کلی که در بیشتر موارد صادق است و باید راهنمای مربیان، معلمان، مدیران، اولیای فرهنگ و والدین دانش آموزان در همه اعمال تربیتی باشد.»(۲) به بیان بهتر، اصول عبارت است از: مجموعه قواعدی که با نظر به قانون مندی های مربوط به ویژگی های عمومی انسان (مبانی تربیت)، اعتبار شده و به عنوان راهنمای عمل، تدابیر تربیتی را هدایت می کنند. از این تعریف برمی آید که اصول تربیتی، با توجه به مبانی تربیت، استخراج و اعتبار می شوند.(۳)

با توجه به آنچه گفته شد، اصول در علوم کاربردی مانند علوم تربیتی، بر پایه اصول در علوم نظری است که همان مبانی اند؛ یعنی این اصول، یک سری دستورهای کلی اند که با نظر به قانون مندی های یاد شده اعتبار می شوند و راهنمای عمل قرار می گیرند.(۴)

۱. هدایت

اشاره

۱. هدایت

یکی از اصول تربیتی صحیفه سجادیه، اصل «کنترل و هدایت» است. این اصل بر مبانی زیادی از جمله خداجویی، جاودانه خواهی و خوددوستی مبتنی است که به تفصیل، هر کدام را بررسی می کنیم.

۱- اصول و روش های تربیت در اسلام، ص ۹۹.

۲- همان، ص ۱۰۰.

۳- نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، ص ۶۵.

۴- همان، ص ۶۴.

الف) هدایت بر مبنای خداجویی

الف) هدایت بر مبنای خداجویی

خداجویی، گرایشی فطری در سرشت همه انسان هاست. بنابراین، برابر فطرت خداجوی انسان، باید همه انسان ها خداجو بوده و به پذیرش توحید گرایش داشته باشند. البته در واقع، چنین نیست و بسیاری از انسان ها کافر و از راه حق منحرف هستند. حال، چرا با وجود فطرت خداجوی انسان، تعدادی از انسان ها ملحد و مشرک می شوند؟

در پاسخ باید گفت شناخت فطری انسان در بیشتر انسان ها، صرف استعدادی است که دارنده آن می تواند با تلاش خود، آن را از قوه به فعلیت و از حالت ابهام به مرحله درک حضوری آگاهانه برساند. این مرحله به فعلیت رساندن، امری اختیاری است و هر کس که بخواهد، می تواند این کار را انجام بدهد. بنابراین، تنها داشتن شناخت فطری، انسان را به سعادت ابدی نمی رساند.

از سوی دیگر، ارتباط با دنیای مادی و کشش هایی که برای انسان دارد، موجب فرو رفتن انسان در طبیعت و زندگی مادی می شود. در نتیجه، سرچشمه پاک و زلال معارف الهی که در فطرت و سرشت انسان است، تیره و تار و همه چیز به فراموشی سپرده می شود. حضرت امام سجاد علیه السلامدر این زمینه می فرماید:

دوستی دنیای پست را که از آنچه نزد تو است، بازمی دارد و از طلبیدن وسیله و دستاویز به سوی تو جلوگیری می کند و از نزدیک شدن به تو بی خبر می گرداند، از دلم بَر کن.(۱)

ص: ۷۷

۱- دعای ۴۷، بند ۱۰۹.

حال که گرایش فطری انسان در مواردی پوشیده مانده یا از مسیر صحیح به انحراف و انحطاط کشیده شده است و انسان نمی تواند ندای فطرتش را پاسخ بگوید، باید انسان را راهنمایی کرد. امام نیز با توجه به اهمیت اصل هدایت و راهنمایی، در بسیاری از دعاها به این اصل مهم تربیتی اشاره می کند:

اَللّهُمَّ وَ اَنا عَبْدُکَ الَّذی اَنْعَمتَ عَلَیْهِ... فَجَعَلْتَهُ مِمَّنْ هَدَیْتَهُ لِدِینِکَ.(۱)

بار خدایا! و من آن بنده تو هستم که او را نعمت دادی. پس او را از کسانی قرار دادی که به دین خود (اسلام) راهنمایی کردی.

همچنین می فرماید: «وَ اهْدِنی لِلَّتی اَقْوَمُ؛ و به راست ترین راه راهنمایی ام کن.»(۲) نیز در بخشی از دعای بیستم صحیفه می فرماید:

اَللّهُمَّ... مَتِّعْنی بِهُدیً صالِحٍ لا اَستَبْدِلُ بِهِ وَ طریقَهِ حَقٍّ لا اَزیغُ عَنْها.(۳)

بار خدایا! مرا به رستگاری شایسته بهره مند کن (به راه راست راهنمایی فرما) که آن را عوض نکنم و به راه حقی که از آن بیرون نشوم.

ب) هدایت بر مبنای جاودانه خواهی

ب) هدایت بر مبنای جاودانه خواهی

ذات انسان، مانایی و دوام خود را دوست دارد این سخن بدان معنا نیست او وجود لحظه ای خود را دوست دارد، ولی نسبت به آینده خویش بی تفاوت است، بلکه او وجود خود را در زمان های بعد و در همه زمان ها

۱- دعای ۴۷، بند ۶۷.

۲- دعای ۱۴، بند ۱۳.

۳- دعای ۲۰، بند ۵.

دوست دارد. انسان به شدت مشتاق است وجودش دوام داشته باشد. ازاین رو، در پی جاودانگی است.

شکل گیری و جهت یابی صحیح انگیزه «جاودانه خواهی» در گرو بینش و شناخت انسان است و مراتب مختلف معرفت می تواند سبب شکوفایی آن در دو جهت شود:

یک ــ بر اساس بینش مادی و شناخت ناقص از انسان و جهان، انسان انگیزه جاودانه خواهی خود را به صورت حرص به دنیا و آرزوی دراز و جستن عمر طولانی در این جهان نشان می دهد تا آینده محدود دنیوی او را تضمین کند.(۱)

وَ فی آجالِنا بِطُولِ الاَمَلِ... وَ طَمَعْنا بآمالِنا فی اَعْمارِ الْمعَمَّرینَ.(۲)

و در مدت عمرهایمان با آرزوی دراز (توقع و چشم داشت به طول عمر یا به تأخیر افتادن پایان آن) آزمایش کردی و به سبب آرزوهایمان در عمرهای آنان که عمر دراز داشته اند، طمع کردیم.

امام در این فراز، به این نکته مهم تربیتی اشاره می کند که اگر گرایش جاودانه خواهی در انسان به انحراف کشیده شود، زمینه ساز مفاسد زیادی از جمله آرزوی دراز می شود. این نوع گرایش در شناخت نادرست انسان از جهان ریشه دارد.

دو ــ بر اساس شناخت عمیق و صحیح از انسان و جهان و پی بردن به

۱- علی اکبر بخشی، بررسی انگیزه کمال مطلق جویی از دیدگاه اسلام، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمه الله، ۱۳۷۸، ص ۳۱۸.
۲- دعای ۲۹، بند ۱.

اصالت زندگی اخروی در مقابل زندگی گذرای دنیوی، انگیزه جاودانه خواهی، خود را به صورت وابسته نبودن به دنیا و گرایش به امور اخروی نشان می دهد.(۱) بنابراین، چون چنین گرایش فطری در انسان وجود دارد که گاه به انحراف کشیده می شود، انسان در جهت دهی آن به راهنمایی و هدایت نیاز دارد.

امام سجاد علیه السلام در دعاهای فراوانی با اشاره به اینکه دنیا مقصد اصلی و نهایی نیست، بلکه آخرتی هم هست که بقای اصلی در آن جاست، بینش صحیح نسبت به دنیا را ترسیم می کند.

بینش امام در صحیفه سجادیه این است که انسان، دیگر بیش از حد لازم، به دنیا دل نمی بندد و آنجا که لازم باشد، از دنیا دل می کند. ایشان می فرماید:

و تا هنگامی که عمرم در فرمانبری تو به کار رود، مرا عمر ده و هرگاه عمرم چراگاه شیطان شود، مرا بمیران پیش از آنکه دشمنی سخت تو به من رو آورد یا خشمت بر من استوار گردد.(۲)

در این فراز، نگرش امام نسبت به بقا در دنیا به روشنی بیان شده است. حضرت، بقا را در راستای خداخواهی می خواهد و آن را راه رسیدن به مقصد (مقام قرب الهی) می داند. همچنین امام در دعایی دیگر می فرماید:

وَ اَنْ تَجْعَلَ ما ذَهَبَ مِنْ جِسْمِی وَ عُمْری فی سَبِیلِ طاعَتِکَ.(۳)

ص: ۸۰

۱- بررسی انگیزه کمال مطلق جویی از دیدگاه اسلام، ص ۳۱۸.
۲- دعای ۲۰، بند ۵.
۳- دعای ۳۲، بند ۲۸.

و آنچه از تن و عمرم گذشته، در راه فرمانبرداری ات قرار ده.

بنابراین، یکی از اصول تربیتی که امام سجاد در صحیفه سجادیه با کمک آن، به هدایت گرایش جاودانه خواهی انسان پرداخته، اصل «لزوم هدایت و راهنمایی» است.

ج) هدایت بر مبنای خوددوستی

ج) هدایت بر مبنای خوددوستی

گفته شد که انسان به طور فطری خود را دوست دارد و خواهان کمال و سعادت خویش است. یکی از اصول تربیتی در نظام تربیتی صحیفه سجادیه، آن است که از این نیروی خدادادی در وجود انسان، برای اصلاح و تربیت وی بهره گرفته شود؛ یعنی پیش از آنکه این گرایش به انحراف کشیده شود و به خصلت های ناپسندی مانند خودپسندی و خودخواهی، تبدیل شود، باید آن را به سوی خصلت های پسندیده هدایت کرد.

امام سجاد علیه السلام در دعای بیستم صحیفه سجادیه با آوردن نمونه ای از خوددوستی، درباره هدایت آن می فرماید:

و مرا در میان مردم به درجه و مقامی بالا نبر؛ جز آنکه پیش خودم به همان اندازه پست سازی و ارجمندی ظاهری برایم پدید میاور؛ جز آنکه به همان اندازه پیش خودم برای من خواری درونی پدید آوری.(۱)

امام در این فراز به نمونه هایی از خوددوستی و روش هدایت آنها اشاره می کند. اگر مصداق های خوددوستی هدایت نشوند، خصلت های زشت خودخواهی، خودپسندی و خودمحوری را در انسان پدید می آورند.

۱- دعای ۲۰، بند ۴.

اگر خوددوستی هدایت شود، می تواند در نقش یک عامل درونی نیرومند، انسان را به پی گیری کمال خویش وادارد و فضیلت و شرافت انسانی را در او تعالی بخشد. یکی از فروع حب ذات که گاهی از آن به «کرامت خواهی» نیز تعبیر می شود، این است که انسان همواره می خواهد انسانیتش حفظ شود و با حیوانات فرق داشته باشد.(۱) ازاین رو، حضرت امام سجاد علیه السلامبا بهره گیری از این نیروی خدادادی و فطری و با یاری گرفتن از قوه عاقله به ما می فهماند که در کنار خوددوستی، محبت دیگری نیز هست که رسیدن به آن محبت برای انسان ارزش است. این محبت، عشق به خداست که نشانه ایمان و کمال آدمی به شمار می رود. خداوند در قرآن می فرماید: «وَ الَّذینَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلّهِ؛ اما آنها که ایمان دارند، عشقشان به خدا (از مشرکان نسبت به معبودهاشان) شدیدتر است». (بقره: ۱۶۵)

امام سجاد علیه السلام در صحیفه سجادیه _ کتابی که سراسر عشق و محبت بی پایان به خدای متعال است _ با هدایت گرایش خوددوستی به خدادوستی می فرماید:

«وَ فَرِّغْ قَلْبِی لِمَحَبّتِک؛ و دلم را برای محبت و دوستی خویش (از محبت هر چه جز تو است) خالی ساز».(۲)

«وَ انْهَجْ لی اِلی مَحَبَّتِکَ سَبِیلاً؛ و راهی هموار به سوی محبت و دوستی ات برای من هویدا کن».(۳)

۱- اخلاق در قرآن، ص ۲۸۴.

۲- دعای ۲۱، بند ۱۰.

۳- دعای ۲۰، بند ۲۹.

«وَ اَعْمِ اَبْصارَ قُلُوبنا عَمّا خالَفَ مَحَبَّتِکَ؛ و دیده های دل هامان را از آنچه خلاف دوستی تو است، کور گردان».(۱)

از این دعاها چنین برمی آید که خداوند بر اساس انگیزه خوددوستی که در فطرت انسان ها قرار داده، دوستی خود را به دل آنها افکنده است و خود نیز آنها را دوست دارد. اساسا آنچه در فرهنگ اسلامی ارزش است، محبت به خدا و محبوب خدا بودن است و اگر محبت دیگری جای گزین آن شود، کاملاً ضد ارزش و ناپسند خواهد بود.

بنابراین، یکی از اصول مهم تربیتی مبتنی بر مبنای خوددوستی در نظام تربیتی صحیفه سجادیه این است که باید گرایش های فطری انسان را در جهت مطلوب هدایت کرد.

۲. تذکر

۲. تذکر

«تذکر» یکی دیگر از اصول تربیتی در صحیفه سجادیه است. جایگاه این اصل در اندیشه اسلامی بسی والاست؛ به گونه ای که یکی از وظایف انبیا، «ذکر» و یادآوری معرفی شده است. قرآن از انبیا با عنوان «مذّکِر» یاد می کند(۲) و خارج کردن مردم از غفلت، یکی از جنبه های گوناگون مذّکر بودن انبیاست.(۳)

ص: ۸۳

۱- دعای ۹، بند ۶ .

۲- «فَذَکِّرْ إِنَّما أَنْتَ مُذَکِّرٌ». غاشیه: ۲۱

۳- مرتضی مطهری، سیری در سیره نبوی، صدرا، ۱۳۶۹، ص ۲۲۳.

یکی از راه های نجات انسان، یادآور شدن او به حقیقتش و رجوع دادن وی به حقیقت هایی است که همگون با سرشت اوست. ازاین رو، کتاب و سنت برای غفلت زدایی از انسان، ذکرهای ادعیه و عبادت را مشخص کرده اند تا انسان در زمان های مختلف، ذکری مناسب بگوید(۱) و به فراموشی دچار نشود.

در این راستا، امام سجاد علیه السلام در صحیفه سجادیه که سراسر یاد خداست، با دعاهای گوناگونی مانند دعا به هنگام صبح و شام، دعا به هنگام بیماری، دعا به هنگام دفع بلا و سختی و نظیر آن، انسان را همواره متوجه خدا می کند و غفلت را از وی می زداید.

همچنین امام سجاد علیه السلام در دعاهای هشتم (پناه بردن به خدا)، دوازدهم (اقرار به گناه) سی و نهم (طلب عفو) و دعاهای دیگر، با اشاره به ویژگی غفلت در انسان، راه غفلت زدایی را یاد خدا بیان می کند و می فرماید:

«و نَبِّهْنی لِذِکرِکَ فی اَوقاتِ الغَفْلهِ؛ و مرا در اوقات فراموشی (پیروی از نفس) به یاد خودت آگاه ساز».(۲)

«وَ اشغَلْ قُلُوبَنا بِذِکرِکَ عَنْ کُلِّ ذِکْرٍ؛ و دل های ما را از هر یادی، به یاد خودت وادار».(۳)

امام در این فراز، کامل ترین و بالاترین مرتبه ذکر خدا را که مقام محبت

۱- عبداللّه جوادی آملی، مراحل اخلاق در قرآن، قم، انتشارات اسوه، ۱۳۷۷، چ ۱، ج ۱۱، ص ۳۷.

۲- دعای ۲۰، بند ۲۹.

۳- دعای ۱۱، بند ۱.

و فنای در خداست، درخواست می کند.

(۱)

«وَ نَبِّهْنی مِنْ رَقْدَهِ الغافِلِینَ؛ و مرا از خواب بی خبران (آنان که از راه حق دوری گزیده اند)، بیدار کن».(۲)

پی آمدهای ذکر

نقش ذکر به عنوان یک اصل مهم تربیتی در رشد و تعالی روح انسان، چنان است که از جمله اهداف عبادت به شمار می رود؛ زیرا ذکر، دل را جلا و صفا می بخشد و آن را برای تجلی انوار الهی آماده می سازد.(۳)

حضرت امام سجاد علیه السلام درباره نقش مهم ذکر در صحیفه سجادیه به چند مورد اشاره می فرماید که عبارتند از:

۱. یاد خدا مایه شرافت انسان است: «یا مَنْ ذِکْرُهُ شَرَفٌ للذّاکِرینَ؛ ای آن که یاد او برای یادکنندگان، شرافت و بزرگی است».(۴)

۲. یاد خدا مانع از رذایل شیطان است:

اَللّهُمَّ اجْعَلْ ما یُلْقِی الشَّیطانُ فی رُوعِی مِنَ التَّمَنِّی وَ التَّظَنِّی وَ الْحَسَدِ ذِکرًا لِعَظَمَتِکَ وَ تَفَکُّرًا فی قُدْرَتِکَ.(۵)

بار خدایا! آنچه را شیطان از آرزو و بدگمانی و رشک در دل من می افکند، به یاد

۱- ریاض السالکین، ج ۲، ص ۴۵۳.

۲- دعای ۴۷، بند ۹۱.

۳- مرتضی مطهری، سیری در نهج البلاغه، قم، دار التبلیغ اسلامی، ۱۳۵۴، ص ۸۷.

۴- دعای ۱۱، بند ۱.

۵- دعای ۲۰، بند ۱۳.

بزرگی ات و اندیشه در توانایی ات مبدّل گردان.

۳. یاد خدا موجب سلامت قلب می شود: «وَ اجْعَلْ سَلامَةَ قُلُوبِنا فی ذِكْرِ عَظَمَتِك؛ و سلامتی دل های ما را در یاد بزرگی خودت قرار ده».(۱)

۴. یاد خدا، انسان را از غفلت زدگی باز می دارد: «ثُمَّ انتَبَهْتُ بِتَذْكِيرِكَ لی مِنْ غَفْلَتی؛ با آگاه کردن تو، من از غفلت و فراموشی خویشتن آگاه شدم».(۲)

صحیفه سجادیه، نماد غفلت زدایی، خودیابی، توجه به دست مایه های فطری و راهنمای مسیر فطرت تا اوج قله تقرب است. بنابراین، تذکر و دور شدن از غفلت، از اصول مسلّم نظام تربیتی صحیفه به شمار می رود. انسان تربیت یافته در این نظام تربیتی، باید انسانی آگاه و بصیر به خود و آفریدگار باشد و به دور از خودفراموشی و خدافراموشی، در مسیر کمال گام بردارد. فلسفه اصلی صحیفه سجادیه، به کارگیری روش ذکر و تذکر در زدودن غفلت و آگاهی بخشی به قابلیت ها و هدف های متعالی الهی است که انسان را تا مرز خداگونه شدن پیش می برد.

۳. زهد

۳. زهد

یکی دیگر از اصول تربیتی صحیفه سجادیه، «زهدپروری» است. دوری از مظاهر دنیا یکی از اصول مسلّم اخلاق و تعلیم و تربیت اسلامی است که

ص: ۸۶

۱- دعای ۵، بند ۱۴.

۲- دعای ۱۳، بند ۱۶.

بر هدایت خصلت دنیادوستی در انسان مبتنی است.

زهد در لغت، برابر رغبت و حرص و آز دنیا داشتن است.(۱) «زهد» و «رغبت» اگر بدون متعلّق ذکر شوند، نقطه مقابل یکدیگرند. «زهد» یعنی روی گردانی و بی میلی، در مقابل «رغبت» به معنای کشش و گرایش است.

همان گونه که در بحث دنیادوستی گذشت، اگر انسان به طور مستقل دل بسته دنیا باشد، در این صورت، گرایش دنیازدگی نکوهش می شود. برای جلوگیری از چنین گرایش افراطی به دنیا، امام سجاد علیه السلامدر صحیفه سجادیه، انسان ها را به «زهد» فرا می خواند و همان را از خدای خود درخواست می کند: «و آسایش در سایه زهد و دوری از دنیا را روزی ام کن».(۲)

در دعایی دیگر، در مورد نشانه های انسان زاهد می فرماید:

ستایش مرا در هر حال که باشم، برای خودت قرار ده تا به آنچه از دنیا به من داده ای، شاد نگردم و به آنچه مرا از آن بازداشته ای، اندوهگین نشوم.(۳)

بر اساس بیان امام سجاد علیه السلام، زاهد کسی است که این دو نشانه را دارا باشد:

۱. به دنبال آنچه از دنیا به او داده می شود، شاد نگردد؛

۲. با آنچه از دنیا از وی بازداشته می شود، ناراحت نشود.

۱- «زهد: ضد الرغبه و الحرص علی الدنیا.» ابن منظور، لسان العرب، ج ۶، ص ۹۷، ماده «زهد».

۲- دعای ۲۰، بند ۲۷.

۳- دعای ۲۱، بند ۹.

امام در فرازی دیگر در زمینه راه رسیدن به زهد می فرماید:

وَ ارزُقْنی الرَّغْبَهَ فی العَمَلِ لَکَ لآخِرَتی... وَ حَتّی یَکُونَ الغالِبُ عَلَیَّ الزُّهدَ فی دُنْیای.(۱)

و برای آخرتم، رغبت و مراقبت در عمل (بندگی) برای خودت را روزی ام فرما، تا اینکه بی رغبتی در دنیا بر من دست یابد.

امام در این دعا، توجه به آخرت و بندگی خدا را راه رسیدن به زهد و بی رغبتی به دنیا می داند. بنابراین، زاهد کسی است که به غیرخدا بی رغبت و نسبت به خدا راغب باشد و «ما سوی اللّه » را به خاطر «اللّه » ترک کند. درباه امام سجاد علیه السلام نقل شده است که ایشان در دل شب می فرمود: «اَیْنَ الزّاهِدُونَ فِی الدُّنْیا أَیْنَ الرّاغِبُونَ فِی الْآخِرَهِ؛ کجایند زاهدان در مورد دنیا، کجایند راغبان درباره آخرت.»(۲) همچنین فرشتگانی که زاهدان را ندا می دهند، پیامشان درباره همین نوع از زهد است.(۳)

خلاصه نقطه شروع تمام بدبختی ها در انسان همین حبّ دنیاست و اصل تربیتی زهد که در صحیفه سجادیه زیاد روی آن تکیه شده، به معنای دوری از دل بستگی های مادی و آزادی از هر چیزی است که بخواهد در انسان نوعی دل بستگی ایجاد کند و او را از یاد خدا و آخرت غافل سازد.

ص: ۸۸

۱- دعای ۲۲، بند ۸.

۲- بحارالانوار، ج ۴۶، ص ۷۶.

۳- مراحل اخلاق در قرآن، ج ۱۱، ص ۱۷۳.

۴. التزام به عمل

۴. التزام به عمل

اصل «التزام به عمل» یکی دیگر از اصول تربیتی صحیفه سجادیه است. این اصل، مبانی زیادی دارد که «کمال خواهی» یکی از آنهاست. برابر این ویژگی، انسان به طور فطری جویای کمال است و همواره در پی بهترین هاست و چیزهای خوب را برای خود می خواهد. این گرایش، اگر در مسیر درست جریان یابد، عامل ترقی و تکامل مادی و معنوی می شود، ولی اگر به واسطه شرایطی در مسیر انحراف افتد، صفاتی مانند فخرفروشی، ریاکاری و ستایش طلبی را به دنبال می آورد.(۱) بنابراین، از نظر تربیت اسلامی باید این گرایش فطری به درستی جهت داده شود و استعدادهای نهفته انسان در زمینه های مختلف به رشد و تکامل برسد.

از دیدگاه اسلام، سیر تکاملی انسان حدّ معینی ندارد، بلکه راه پیمودن کمال برای او باز است و انسان می تواند در زمینه های مختلف مادی و معنوی مانند کسب روزی، عبادت و تقرب به خداوند، به بالاترین مقام ها دست یابد. دست یابی به این قله های کمال، نیازمند تلاش و پویش در مسیری است که پیامبران به انسان ها نشان داده اند.

در صحیفه سجادیه، تعبیرهایی مانند «حیاه طیبه»، «فوز» و «فلاح» آمده که بیانگر والاترین مراتب پاداش برای رفتارهای انسان است. افرادی که به آموزه های اسلام عمل کنند، به چنین مقام هایی خواهند رسید. اساسا یکی از هدف های نظام تربیتی در صحیفه سجادیه، پرورش انسان ها و راهنمایی

۱- آموزش عقاید، ج ۱، صص ۴۵ و ۴۶.

آنـان در رسـیدن به چنین مقـام های عالی است. امام سـجاد علیه السـلام در این زمینه می فرمایـد: «فَاَحْینی حَیوهً طَیِّبَهً تنتَظِمُ بما اُریدُ؛ پس مرا به زندگی پاکیزه ای زنده دار که به آنچه می خواهم پیوسته شد».(۱)

شرط اساسـی دست یابی به قله های سـعادت و کمال، عمل گرایی است. مسـلمان کمال خواه باید برابر برنامه های اسلام عمل کند تا به کمال مطلوب برسد. انبیا و اولیا به عنوان انسان های کامل، درسی نخوانده اند و تلاش آنها برای عمل، بیش از تلاش آنها برای علم آموزی بود؛ چون علم، مقدمه و وسیله عمل است.(۲) پس ما نیز باید با عمل، به کمال های عالی دست یابیم.

امام سـجاد علیه السـلام با بیان اعمالی که سـبب رسـیدن انسان به کمال می شود، آن را به اعمال فیزیکی که با اعضا و جوارح صورت می گیرد، محـدود نکرده، بلکه آن را شامـل رفتارهـای درونی و بـاطنیماننـد نیت، اخلاـص، خضوع و خشوع باطنی، خلقیات و ملکات و سجایای اخلاقی(۳) دانسته است. حضرت امام سجاد علیه السلام درباره این دسته از کمال ها می فرماید:

اَللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ بَلِّغْ بایِمانی اَکْمَلَ الایمانِ، وَ اجْعَلْ یَقینی اَفْضَلَ الیَقینِ، وَ انْتَه بِنِیَّتی اِلی اَحْسَن النِّیاتِ.(۴)

ص: ۹۰

۱- دعای ۴۷، بند ۱۱۷.

۲- مبادی اخلاق در قرآن، ج ۱، ص ۶۱؛ حکمت ها و اندرزها، ص ۲۲۴.

۳- احمد واعظی، انسان از دیدگاه اسلام، تهران، سمت، ۱۳۷۷، چ ۱، ص ۱۵۳.

۴- دعای ۲۰، بند ۱.

بار خـدایا! بر محمد و آل او درود فرست و ایمانم را به پایه کامل ترین ایمان برسان و باورم را برترین باورها قرار ده و نیت مرا به نیکوترین نیّت ها پایان ده.

همچنین امام سجاد علیه السلام در فرازهای زیادی از صحیفه، ویژگی های رفتاری را که سبب به کمال رسیدن انسان می شود، چنین بیان می کند:

۱. مورد رضای خـدا باشـد: «اَسألُکَ عَمَلاً تُحِبُّ بِهِ مَنْ عَمِلَ بِه؛(۱) از تو توفیق انجـام کاری را می خواهم که به سـبب آن، هر که آن را انجام دهد دوست بداری».

وَ اسْتَعمِلْنی فی مِرْضاتِکَ عَمَلاً لا اَترُکُ مَعَهُ شَیئا مِنْ دِینِکَ مخَافَةَ اَحدٍ مِن خَلْقِک.(۲)

و مرا در خشـنودی ات به کاری وادار که با آن چیزی از (احکام) دین تو را بر اثر ترس (از غلبه یا آزار) کسـی از آفریـدگانت رها نکنم.

۲. نیکو و پسندیده باشد: «وَ اسْتَعمِلنی بِما هُوَ اَرضی؛ و به کاری که پسندیده تر است وادار فرما».(۳)

۳. در راه بنـدگی خـدا باشـد: «وَ استَعمِلنی بِطاعَتِکَ فی اَیّامِ المُهلَه؛ و در روزگـار مهلـت مرا بـه طـاعت و بنـدگی ات وادار فرما».(۴)

۴. از آسیب هایی که عمل را باطل می کند، در امان باشد:(۵) «وَ استَعمِلنی

۱- دعای ۵۴، بند ۳.

۲- دعای ۵۴، بند ۶.

۳- دعای ۲۰، بند ۱۶.

۴- ریاض الساکین، ج ۳، ص ۶۷ .

۵- دعای ۲۰، بند ۲۹.

بِما هُوَ اَسْلَمُ؛ و مرا به آنچه سالم تر است، وادار فرما».(۱)

۵. پاک کننده گناهان باشد: «وَ وَفِّقنی مِنَ الاَعمالِ لِما تَغْسِلُ بِهِ دَنَسَ الخَطایا عَنیّ؛ و مرا توفیق ده به انجام کارهایی که به وسیله آن، چرک گناهان را از من بشویی».(۲)

بر اساس آموزه های تربیتی در صحیفه سجادیه، انسان باید رفتاری را انجام دهد که سبب رشد و کمال معنوی او شود. البته منظور از کمال در بیان امام، بالاترین مرحله رشد معنوی انسان؛ یعنی جلب رضایت الهی است. بنابراین، تمام رفتارهای ریز و درشت دستگاه تربیتی باید در راستای رسیدن به این هدف مقدس باشد.

۵. تقوا

۵. تقوا

یکی دیگر از اصول تربیتی در صحیفه سجادیه، «تقوا» است که بر اساس مبنای خوف و رجا بنا نهاده شده است. تقوا در لغت از «وقایه»، به معنای «حِفظُ الشَّیءِ مِمّا یُؤْذیهِ وَ یَضُرُّه؛ حفظ کردن چیزی از آنچه سبب آزار و زیان رساندن به اوست»، گرفته شده است. همچنین به معنای «جَعْلُ النَّفسِ فی وِقایَهٍ مِمّا یَخافُ؛ خود را از آنچه می ترسد، در محفظه ای قرار دهد»، آمده است. در عرف نیز تقوا به معنای «حفظ النفس عما یوثم؛ نگه داری نفس از گناه» است.(۳)

۱- دعای ۱۴، بند ۱۳.

۲- دعای ۳۱، بند ۱۳.

۳- مفردات فی غرایب القرآن، ص ۵۳۰، ماده «وقی».

تقوا در اسـلام، آن است که انسان از خطری که از فعل اختیاری اش یا ترک آن متوجه سـعادت ابـدی او می شود، بترسـد. در بینش توحیـدی، این خطر، از سوی خداونـد به خاطر کیفر دادن اعمال به انسان خواهد رسـید. بنابراین، انسان باید در برابر این خطر، مقـاومت کنـد. کسـی را کـه در برابر چنیـن خطری می ایستد و خطر را دور می کنـد، «متقی» و رفتـار ویژه او را «تقـوا» گویند.(۱)

امام سجاد علیه السلام در صحیفه سجادیه، مواردی را به عنوان متعلق خوف برشمرده است که عبارتند از:

۱. خوف از خدا: «مِنکَ اَخافُ وَ بِکَ اَستَغِیثُ؛ از تو می ترسم و از تو فریادرسی می طلبم».(۲)

۲. خوف از عقاب: «اَللّهُمَّ ارْزُقْناخَوْفَ عِقابِ الْوعِیدِ؛ بار خدایا! ترس از کیفر دوزخ را روزی ما گردان».(۳)

مفاد این دعاها آن است که انسان بایـد تقوا پیشه کنـد و از خـدا و عذاب روز قیامت بترسد. در واقع، باید از پی آمدهای رفتار بد و گناهان خود بترسد و از گناهان دوری کند.

اکنون این پرسش پیش می آید که با توجه به چندگانگی متعلّق تقوا، آیا مفهوم آن نیز چندگانه می شود یا اینکه تقوا در همه موارد و با داشتن

۱- اخلاق در قرآن، ج ۱، ص ۷۴.

۲- دعای ۵۲، بند ۱۱.

۳- دعای ۴۵، بند ۵۳.

متعلّق های گوناگون، یک مفهوم بیش نیست؟ در پاسخ باید گفت، تقوا با متعلّق های گوناگون، یک مفهوم دارد؛ زیرا تقوا از روز قیامت یا از آتش و مانند آن، در حقیقت، چیزی جز تقوا از خداوند نیست. به دیگر سخن، سرانجام همگی آنها به همین معنا باز می گردد؛ زیرا خداوند، روز قیامت را برای رسیدگی به حساب بندگان قرار داده و آتش و عذاب را برای کیفر گناه کاران آماده کرده است. پس تقوا در همه موارد، یک چیز بیش نیست که جنبه های گوناگون دارد.(۱) در حقیقت، تقوا از خداوند، پروا داشتن از پی آمدهای رفتارهای آگاهانه و اختیاری خود انسان است.

امام سجاد علیه السلامبارها به این اصل اخلاقی اشاره کرده است:

«وَ اَلْهِمْنِی التَّقْوی؛ و پرهیزکاری را به من الهام کن».(۲)

«وَ اَشْعِرْ قَلْبی تَقْواک؛ و دلم را از پرهیزکاری خودت مالامال ساز».(۳)

«وَ اجْعَلْ تَقْواکَ مِنَ الدُّنیا زادِی؛ و پرهیز از دنیا را توشه آخرتم ساز».(۴)

درخواست های پیاپی امام در این دعاها مبنی بر توفیق و الهام تقوا، نشان دهنده اهمیت این اصل تربیتی در نظام تربیتی صحیفه سجادیه است.

۱- اخلاق در قرآن، ج ۱، ص ۷۷.

۲- دعای ۲۰، بند ۱۶.

۳- دعای ۲۱، بند ۹.

۴- دعای ۲۱، بند ۱۱.

۶. توکل

۶. توکل

«توکـل» یکی دیگر از اصول تربیـتی و اخلاـقی صـحیفه سـجادیه است. این اصـل همچون اصـل تقوا بر ویژگی خوف و رجـاء مبتنی است. «توکـل» در لغت از مـاده «وکـل» و «وکـاله» گرفته شـده و به معنای اعتماد کردن به دیگری و او را نایب خود قرار دادن است.(۱)

در فرهنـگ اسـلامی و در صـحیفه سـجادیه، توکل آن است که انسان، خداونـد را تکیه گاه مطمئنی برای خویش قرار دهـد و تمام امورش را به او واگـذارد.(۲) این معنـا در دعاهـای فراوانی از صـحیفه سـجادیه به چشم می خورد. از جمله امام از درگاه الهی می خواهد:

وَ اقْطَعْ مِنَ الدُّنیا حاجَتی، وَ اجْعَلْ فِیما عِنْدَکَ رَغْبَتی شَوقا اِلی لِقآئِکَ، وَ هَبْ لی صِدْقَ التَّوکُّلِ عَلَیکَ.(۳)

و حاجت و نیازمندی ام را از دنیا ببر و خواسته ام را در آنچه نزد تو است، به طوری که به دیدار تو اشتیاق داشته باشم، قرار ده و راستی توکل و اعتماد به خودت را به من عطا فرما.

امـام در این فراز، افزون بر درخـواست قطـع نیـاز از دنیـا، صـداقت در توکـل و اعتمـاد به خـدا را از خـدا درخواست می کنـد. همچنین در فرازهایی دیگر می فرماید:

۱- مفردات، ص ۵۳۱، ماده «وکل».

۲- محمدتقی مصباح یزدی، راهیان کوی دوست، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمه الله، ص ۱۴.

۳- دعای ۵۴، بند ۴.

و مرا درخواستن و طلب از تو، از فیروزی یافتگان (حاجت برآورده شده ها) قرار ده که با توکل و اعتماد به تو محروم و پس زده شده نشده اند.(۱)

تو هر که را با توکل به تو از فقر و بی چیزی به تو شکایت کند، بی نیاز کننده ای.(۲)

کسی را که به تو اعتماد کند، درمی یابی.(۳)

همچنین قرآن می فرماید:

و بر خداوند عزیز و رحیم توکل کن. همان که تو را آن گاه که (برای عبادت) برمی خیزی، می بیند و (نیز) حرکت تو را در میان سجده کنندگان. همانا او شنوا و داناست. (شعراء: ۲۱۷ _ ۲۲۰)

امام سجاد علیه السلام در فرازهایی از صحیفه سجادیه اشاره می کند انسان نهایت وابستگی و نیازمندی را دارد و برای برآوردن نیازهایش، همواره محتاج کمک دیگران است. دیگران نیز یا او را یاری نمی کنند یا اگر یاری اش کنند، یاری شان کم و با منّت فراوان همراه است. ازاین رو، امام سجاد علیه السلام، انسان را به توکل بر خدای قادر بی نیاز که فضل و کرمش بی پایان است، فرا می خواند:

بار خدایا! مرا بر درویشی و نداری توان نیست. پس روزی ام را از من باز مگیر و مرا به خلق خویش وامگذار، بلکه خواسته ام را تنها خودت برآور و خود، کارساز من باش؛ زیرا اگر مرا به حال خود واگذاری، از آن کارها ناتوان گردم و آنچه مصلحت من در آن است، انجام نمی دهم و اگر مرا به خلق خویش واگذاری، با روی درهم به

۱- دعای ۲۵، بند ۱۰.

۲- دعای ۱۶، بند ۱۵.

۳- دعای ۵۱، بند ۱۲.

من نگرند و اگر مرا به پناه بردن به خویشانم مجبور سازی، نومیدم گردانند و اگر ببخشند، کم و ناگوار بخشند و بر من منّت فراوان نهند و نکوهش بسیار کنند.(۱)

با توجه به آنچه گفته شد، برمی آید که در نظام تربیتی صحیفه سجادیه، باید اصل توکل و اعتماد به خدا به عنوان اصل اساسی در تمام برنامه های تربیتی گنجانده شود؛ زیرا «مَنْ یَتَوَکَّلْ عَلَی اللّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ؛ هر کس بر خدا توکل کند، او امرش را کفایت می کند». (طلاق: ۳)

۷. ایجاد انگیزه

۷. ایجاد انگیزه

«ایجاد انگیزه» یکی دیگر از اصول تربیتی در صحیفه سجادیه است. این اصل یکی از اصول مبتنی بر ویژگی «اختیار» است. انگیزه، فرآیندی است که در برانگیختن، جهت دادن و پایایی رفتار، نقش آفرین است.(۲)

گفتیم که انسان، مختار است. افزون بر آن، گرایش ها و خواست های متضادی دارد که باید مطلوب خود را از میان آنها برگزینند و این منشأ ارزش کارهای انسان است. در این میان، باید دید او چگونه به یکی از گرایش ها میل پیدا می کند؟ با ایجاد انگیزه و برانگیختگی در انسان، باید کاری کرد که پیش از آنکه انسان به تردید و انحراف افتد، مسیر سعادت و بندگی را برگزینند. آنچه کنش ما را شکل می بخشد و به کارهای ما جهت می دهد، ارزش هایی است که آنها را پذیرفته ایم. خاستگاه این ارزش ها نیز

ص: ۹۷

۱- دعای ۲۲، بند ۲ و ۳.

۲- محمد پارسا، انگیزش و هیجان، دانشگاه پیام نور تهران، ۱۳۷۵، ص ۲.

بینش ها و گرایش هایی است که زیربنای آنهاست.

ارزشی که در نظام تربیتی اسلام جزو اهداف تربیتی به شمار می آید و انگیزه نظام تربیتی و اخلاقی در صحیفه سجادیه است و منشأ کنش اختیاری در انسان می شود، قرب به خدای متعال و رضایت الهی است. امام سجاد علیه السلامدر صحیفه سجادیه ــ بـا توجه به ویژگی اختیار در انسان ــ در مواردی برای واداشـتن افراد برای حرکت به سوی کاری، توجه آنها را به عملی جلب می کند که سعادتشان در آن است. البته ایجاد انگیزه در جایی است که عمل، به خودی خود، مطلوبیتی برای فرد نداشته باشد. برای مثال، جنگ به خودی خود برای مردم ناخوشاینـد است. ازاین رو، امام در دعای بیست و هفتم (دعا برای مرزداران) برای آنکه مرزداران را تشویق کند تا از دشمن نترسند، می فرماید:

و بهشت را برابر چشمشان قرار ده و از آن بهشت، آنچه را در آن آماده ساخته ای، از نشیمن های همیشگی و سراهای ارجمند و حوری هـای زیبـارو و جوهـایی که به آشامیـدنی هـای گوناگون روان شـده و درخت هایی که به انواع میوه ها خم گشـته و آویزان شـده، جلو چشـمشان نمایـان کن تـا کسـی از ایشـان آهنـگ روی برگردانـدن و پشت کردن به دشـمن نکنـد و خیـال گریختن از مانند خود را به دل راه ندهد.(۱)

امام سـجاد علیه السـلام در دعاهای دیگر با اسـتفاده از این اصل تربیتی و با انگیزه هایی مانند برشـماری ثواب و عقاب یا لقا و رضای خدا، ما را در مسیر هدایت به انتخاب راه صحیح ارشاد کرده است. امام در پیشگاه خدا

۱- دعای ۲۷، بند ۴.

می فرماید:

و شوق رسیدن به پاداش وعده شده را روزی ام گردان تا (در این دنیا) مزه چیزی (بهشت) را که تو را برای آن می خوانم، دریابم.(۱)

و برای آخرتم، رغبت و شوق در عمل (بندگی) برای خودت را روزی ام فرما تا از ژرفای وجود، راستی و درستی بندگی را بشناسم و بی رغبتی در دنیا بر من دست یابد و کردارهای نیک را با شوق به جا آورم.(۲)

تو ما را آفریدی و (به نیکی ها) امر کردی و (از زشتی ها) نهی فرمودی و در ثواب و پاداش آنچه ما را به آن امر کردی، تشویق فرمودی.(۳)

بنابراین، با توجه به ویژگی اختیار در انسان، باید برای جلب انسان به کاری که به آن گرایش ندارد، ولی در سعادتش مؤثر است، انگیزه ایجاد کرد.

۱- دعای ۲۲، بند ۹.

۲- دعای ۲۲، بند ۸.

۳- دعای ۲۵، بند ۶.

بخش چهارم: روش های تربیتی در صحیفه سجادیه

اشاره

بخش چهارم: روش های تربیتی در صحیفه سجادیه

از دعاهای صحیفه سجادیه، کدام روش های تربیتی را می توان برداشت کرد؟ برای پاسخ به این پرسش، نخست واژه «روش» را مفهوم شناسی می کنیم و سپس به تقسیم روش های تربیتی در صحیفه سجادیه می پردازیم. آن گاه با استفاده از دعاهای این صحیفه نورانی، روش های تربیتی امام سجاد علیه السلام را ــ که از آنها برای اصلاح رفتارها بهره جسته است ــ بررسی می کنیم.

مفهوم واژه «روش»

مفهوم واژه «روش»

روش(۱) در اصطلاح به معنای شیوه انجام یک فعالیت(۲) آمده است. روش تربیت، به معنای راه یا شیوه انجام عمل تربیت است.(۳) به عبارت دیگر، به

ص: ۱۰۰

۱- «روش»، واژه ای فارسی است و معانی مختلفی دارد، مانند: اسلوب، شیوه، راه راست، منوال، راه، طریقه و... لغت نامه دهخدا، ماده روش؛ فرهنگ معین، ماده «روش». معادل عربی این واژه، طریقه، منهج و منهاج است که به همان معنای راه روشن معنا شده است. در برخی کتاب های لغت عرب، طریقه به معنای المذهب، الاسلوب نیز آمده است. نک: لسان العرب، مجمع البحرین.

۲- داوود حسینی نسب، فرهنگ واژه ها و تعاریف تعلیم و تربیت، تبریز، نشر احرار، ۱۳۷۵.

۳- امان اللّه صفوی، کلیات روش ها و فنون تدریس، تهران، نشر معاصر، ۱۳۷۴، چ ۵، ص ۲۳۸.

معنای راه یا شیوه ای است که میان اصل و هدف امتداد دارد، عمل تربیتی را منظم می کند و به هدف می رساند.(1) در تعریفی دیگر آمده است: روش های تربیتی، دستورهای جزئی است که مبتنی بر اصولند و در واقع، شیوه های عملی انجام عمل تربیتی به شمار می آیند.(2)

از مجموع تعریف ها برمی آید که روش های تربیتی حالت رفتاری و جزئی دارند که در مقام عمل نسبت به مبانی و اصول، کاربردی ترند یا حد فاصل مبانی و اصول از یک سو و اهداف از سوی دیگر هستند.

تبیین جنبه عملی تعلیم و تربیت و معرفی شیوه های مشخص تربیتی از نظر امام سجاد علیه السلام نه تنها از نظر علمی مفید است، بلکه از جهت کاربردی و پیروی از شیوه امام به عنوان الگوی کامل در تربیت انسان ها نیز اثرگذار خواهد بود. در مکتب تشیع، کامل ترین سیره و روش تربیتی، روش تربیتی ائمه معصومین علیهم السلام است؛ سیره ای که از یک سو به منبع وحی الهی متصل است و از هرگونه انحراف و اشتباهی به دور است و از سوی دیگر، در مقام عمل نیز آثار خود را نشان داده است، تربیت شدگان در این مکتب، انسان هایی کامل و دارای مقام های عالی و معنوی اند که به برکت راهنمایی های امامان معصوم علیهم السلام به این مراتب عالی دست یافته اند. اکنون با تحلیل دعاهای صحیفه به، روش های تربیتی آن

ص: ۱۰۱

۱- محمدباقر هوشیار، اصول آموزش و پرورش، دانشگاه تهران، ۱۳۲۷، ج ۱، ص ۶۸ .
۲- نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، ص ۶۴ .

می پردازیم.

رابطه روش های تربیتی با جنبه های شخصیت انسان

اشاره

رابطه روش های تربیتی با جنبه های شخصیت انسان

برخی روش های تربیتی صحیفه سجادیه را با جنبه شناخت و بینش در انسان می توان در ارتباط دانست. در این صورت، نقش روش های تربیتی، دادن بینش و شناخت صحیح به انسان است تا او را از خطاها و اشتباه ها بازدارند. برخی روش های تربیتی نیز به جنبه گرایشی در انسان مربوط است که در این صورت، روش های تربیتی با هدایت گرایش ها از انحراف آنها جلوگیری می کند. بعضی دیگر هم به بُعد رفتاری مربوط می شود که در این صورت، نقش روش های تربیتی، معرفی الگوهای رفتاری مناسب است تا انسان با عمل به این روش های رفتاری به هدف های مورد نظر امام دست یابد.(۱)

روش های تربیتی این گونه نیستند که تنها یک جنبه را در بربگیرند، بلکه گاه پاره ای از روش ها، دو جنبه را دربرمی گیرد. برای نمونه، ممکن است روشی از یک جهت، به جنبه شناخت و از جهتی دیگر، به جنبه گرایش اشاره داشته باشد. بنابراین، اگر روشی در این نوشتار از یک جنبه بررسی شد و به جنبه های دیگرش اشاره ای نشد، این به معنای منحصر بودن موضوع به آن جنبه نیست.

ص: ۱۰۲

۱- برای آگاهی بیشتر در زمینه روش های تربیتی صحیفه سجادیه نک: نمودار ۲.

۱. روش های شناختی

اشاره

۱. روش های شناختی

زیر فصل ها

الف) اعطای بینش

ب) ذکر خدا

الف) اعطای بینش

اشاره

الف) اعطای بینش

یکی از روش های تربیتی در صحیفه سجادیه، «اعطای بینش» است. هر رفتاری که از انسان سر می زند، بر اساس بینشی است که از آنها دارد. هر چه بینش انسان به رفتارش کامل تر باشد، رفتارها نیز صحیح تر خواهد بود. البته بینش انسان به رفتارش کامل نمی شود، مگر آنکه او به خود، جهان پیرامون، جهان آخرت و حقایقی مانند مرگ و زندگی، آگاهی داشته باشد. بنابراین، دگرگونی در بینش انسان که نوعی تحول درونی و باطنی به شمار می آید، یکی از عوامل تغییر در رفتار انسان و روشی تربیتی است.(۱)

امام سجاد علیه السلام در صحیفه سجادیه با بهره گیری ازاین روش، به بیان بینش هایی پرداخته است که سبب تغییر نگرش انسان درباره نظام جهان و انسان می شود. به طور خلاصه، موارد مطرح شده در این زمینه در سه موضوع دنیا، حقیقت انسان و مرگ و معاد است.

یک ـ بینش در مورد دنیا

یک ـ بینش در مورد دنیا

برخی افراد با بینش مادی به دنیا می نگرند و گمان می کنند زندگی

ص: ۱۰۳

۱- نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، ص ۷۵.

دیگری جز زندگی دنیا وجود ندارد.(۱) چنین دیدی از دیدگاه اسلام، خطایی است که خطاهای فراوان دیگری را در رفتارهای انسان در پی خواهد داشت. پوچ انگاری زندگی دنیایی که آثار بسیار بدی برای رفتار انسان دربردارد، از جمله این خطاهاست. چنین دیدی، انسان را به ناامیدی می کشاند و در نتیجه، قدرت اندیشیدن در مورد خویش و جبران اشتباه ها را از انسان می گیرد.

امام سجاد علیه السلام برای جلوگیری از پیدایش چنین بینش نادرستی، بینش صحیحی در راستای اصلاح رفتارهای انسان ترسیم کرده است. از نظر امام، زندگی انسان به دنیا منحصر نمی شود، بلکه در ورای آن، زندگی جاودانه ای برای انسان وجود دارد که رابطه آن دو، رابطه راه و مقصد است یا رابطه وسیله و هدف. با چنین بینشی، زندگی دنیا هدف دار می شود و از یک نواختی درمی آید. از همین رو، در روایات سفارش شده است که هر کس دو روزش با هم برابر باشد، زیان دیده است.(۲) بنابراین، انسان باید با تلاش روزافزون در دنیا، آخرت خویش را آباد سازد.

امام سجاد علیه السلام در صحیفه سجادیه درباره دنیا می فرماید:

برای آخرتم رغبت و شوق در عمل (بندگی) برای خودت را روزی ام فرما تا از ژرفای دل، راستی و دوستی بندگی را بشناسم و بی رغبتی در دنیا به من دست دهد و

ص: ۱۰۴

۱- قرآن این مردم را چنین معرفی می کند: «وَ قالُوا ما هِیَ إِلاّـ حَیاتُنَا الدُّنْیا نَمُوتُ وَ نَحْیا وَ ما یُهْلِکُنا إِلَّا الدَّهْرُ؛ آنها گفتند: چیزی جز همین زندگی دنیای ما در کار نیست؛ گروهی از ما می میریم و گروهی جای آنها را می گیرند و جز طبیعت و روزگار ما را هلاک نمی کند». جاثیه: ۲۴

۲- بحارالانوار، ج ۷۱، ص ۱۷۳.

کردارهای نیک را با شوق به جا آورم.(۱)

آنچه از کالای دنیای نابودشدنی بود، از من گرفتی. پس (عوض) آن را در گنجینه های خود (در آخرت) که همیشگی است، برایم اندوخته کن و آنچه از مال و دارایی دنیا که به من ارزانی داشته ای و آنچه از کالای آنکه برای من پیش انداخته ای، وسیله رسیدن به جوار (رحمت) خود و پیوستن به قرب خویش گردان.(۲)

حضرت امام سجاد علیه السلام در این دعاها، با بیان فانی بودن زندگی دنیا، یادآور می شود که مقصود اصلی از آفرینش، زندگی در جهان آخرت است. در نظام تربیتی صحیفه سجادیه، دنیا، گذرگاهی برای رسیدن به مقصد است. ازاین رو، امام سجاد علیه السلامدرباره روزی و درخواست روزی از خدا می فرماید:

مرا از روزی به دست آوردن با رنج، بی نیاز کن و روزی فراوان و بی گمان و بی رنج برای من برسان تا از بندگی تو برای به دست آوردن روزی باز نمانم.(۳)

امام در این دعا، دنیا را برای بندگی خداوند می خواهد؛ نه برای خود دنیا. حال اگر انسان، بیش از این به دنیا توجه کند، نگران آن باشد، بدان دل بندد و به عنوان هدف بدان اهتمام ورزد، چنین دیدگاهی و دل بستگی، سرآغاز انحراف انسان خواهد بود. از همین رو، امام سجاد علیه السلام در دعاهای مختلف با سفارش به زهد،(۴) و انفاق در راه خدا(۵) و دل نبستن به

۱- دعای ۲۲، بند ۸.

۲- دعای ۳۰، بند ۵ و ۶.

۳- دعای ۲۰، بند ۲۴.

۴- «حتی یکون الغالب علی الزهد فی دنیای» ۲۲/۸. «و ارزقنی... فراغا فی زهاده» (۲۰/۲۷).

۵- «و وجه فی ابواب البر انفاقی» ۳۰/۳. «و اصب بی سبیل الهدایه للبر فیما انفق منه» (۲۰/۲۳).

دنیا، بینش صحیح را بیان کرده است. حضرت درباره دل نبستن به دنیا و زهد می فرماید:

حَتیّ لا اَفْرَحَ بِما آتَیْتَنی مِنَ الدُّنیا، وَ لا اَحْزَنَ عَلی ما مَنَعْتَنی فِیها.(۱)

تا به آنچه از دنیا به من داده ای (زن، فرزند، دارایی، مقام و جاه و مانند آنها)، شاد نگردم و به آنچه مرا از آن باز داشته ای، اندوهگین نشوم.

در فرازی دیگر، امام با پالایش شناخت انسان بر سر دوراهی دین و دنیا و نشان دادن ارزش برتر دین می فرماید:

بار خدایا! هرگاه بین دو کاهش ــ کاهش در دین و کاهش در دنیا ــ قرار گرفتیم، پس زیان را در آن چه زودتر نابود می شود (دنیا)، قرار ده.(۲)

دو ــ بینش در مورد حقیقت انسان

دو ــ بینش در مورد حقیقت انسان

یکی دیگر از روش های تربیتی در صحیفه سجادیه که با جنبه شناختی انسان ارتباط مستقیم دارد، روش ترسیم بینش صحیح در مورد حقیقت انسان است. چون انسان، موضوع تربیت است، باید انسان را شناخت و از ویژگی ها، قابلیت ها، استعدادها و محدودیت های او آگاه شد تا بتوان سیر تربیتی او را مشخص کرد. وقتی انسان از نقاط ضعف و قوت خویش هیچ گونه شناختی نداشته باشد، نمی تواند رفتار مناسب انجام دهد و چه بسا در مواردی به انحراف نیز کشیده می شود. بنابراین، داشتن بینش صحیح و

۱- دعای ۲۱، بند ۹.

۲- دعای ۹، بند ۲.

کامل درباره حقیقت خویش، منشأ رفتارهای پسندیده است.

بـا بررسـی ویژگی هـایی که امام برای انسان برشـمرده است، نمایی عالی از حقیقت انسان به دست می آیـد. به طور کلی، این ویژگی ها را می توان به دو دسته تقسیم کرد:

اول ــ ویژگی هـای مثبت که عبارتنـد از: خـداجویی و خـداخواهی؛ اراده و اختیار؛ کرامت خواهی؛ خوددوستی؛ وابسـتگی به خداوند؛ کمال خواهی؛ دوست داشتن هم نوعان؛ شوق به جلب رضایت الهی.

دوم ــ ویژگی های منفی که عبارتند از: خدا فراموشی؛ فخرفروشی؛ آزمندی؛ دنیاگرایی و... .

بنـابراین، هرگـاه انسان، تنها جلوه خاصـی از وجود خویش را حقیقت خود بپنـدارد، این گمان، رفتارهای معینی را در او ایجاد می کند. ازاین رو، از نگاه تربیتی، تصحیح بینش انسان درباره خود، نوعی روش تربیتی است؛ زیرا داشتن گمان درست درباره خویش، با رفتارها پیونـد می خورد و زمینه مؤثری برای ظهور آنها پدیـد می آورد.(۱) برای مثـال، یکی از ویژگی های مهمی که به طور فطری در انسان وجود دارد، خوددوستی است. اگر انسان بینش درستی از این گرایش نداشته باشد، زمینه بسیاری از رذیلت های اخلاقی مانند حرص و غرور در وی پیدا خواهد شد، ولی اگر شـناخت کافی و صحیح از این گرایش فطری داشته باشد، در راه صحیح قرار می گیرد و به خدادوستی تبدیل می شود.

۱- نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، ص ۸۱ .

قرآن کریم در مورد ویژگی فقر و وابستگی انسان به خدا، می فرماید:

یا أَیُّهَا النّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَراءُ إِلَی اللّهِ وَ اللّهُ هُوَ الْغَنِیُّ الْحَمیدُ. (فاطر: ۱۵)

ای مردم! شما (همگی) به خدا نیازمندید. تنها خداوند است که بی نیاز و شایسته هرگونه سپاس و ستایش است.

خداوند در این آیه شریفه، فقر را در انسان ها و بی نیازی را در خود منحصر می کند. لازمه این مطلب آن است که انسان ها، فقیر بالذات باشند و خداوند، غنی مطلق باشد.(۱)

امام سجاد علیه السلام نیز حقیقت وجود انسان را عین فقر و نیاز و ضعف معرفی می کند و می فرماید:

بار خدایا! تو ما را از ناتوانی آفریدی و ما را بر سستی بنا نهادی و ما را از آب بی ارزش ایجاد کردی. پس ما را جز به توانایی و پیروی تو جنبشی و جز به یاری تو توانایی نیست.(۲)

ای بی نیاز بی نیازان! اینک ما بندگان تو در اختیار توییم و ما نیازمندترین نیازمندان به تو هستیم.(۳)

بار خدایا! جز به کمک تو بر سود و زیان خویش توانا نیستم. درباره خود به آنچه گفتم، گواهم و به ناتوانی و خویشتن اقرار دارم؛ زیرا من بنده بی چیز، خوار، ناتوان،

۱- سید محمدحسین طباطبایی، تفسیر المیزان، مترجم: محمدباقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین، ۱۳۷۷، ج ۱۷، ص ۴۷.

۲- دعای ۹، بند ۵.

۳- دعای ۱۰، بند ۳.

بدحال، ناچیز، بی ارزش، نیازمند، ترسان و پناهنده تو هستم.(۱)

امام با یادآوری ناتوانی انسان و وابسته بودن او به خدای متعال، حقیقت وجود انسان را فقر و نیازمندی به خدا می داند و خداوند متعال را بی نیاز و غنی بالذات معرفی می کند. حال اگر انسان بینش صحیحی نسبت به خود نداشته باشد و نداند که به خدا، نیازمند و وابسته است، این فراموشی و نداشتن بینش صحیح، سبب سرکشی و ناسپاسی او می شود. چنان که قرآن کریم می فرماید: «كَلاّـ إِنَّ ٱلإِنْسانَ لَيَطْغى أَنْ رَآهُ اسْـتَغْنى؛ به یقین، انسان سرکشی می کند، وقتی که خود را بی نیاز ببیند.» (علق:۶و۷)

از دیدگاه امام سجاد علیه السلام، هرگاه انسان، احساس بی نیازی از خدا یا احساس نیازمندی به غیرخدا کند، در هر دو حال، از شناخت حقیقت خویش بازمانده و از خدا و خود به دور مانده است و در حقیقت، با خویشتن زندگی مجازی می کند.

سه ــ بینش در مورد مرگ و معاد

سه ــ بینش در مورد مرگ و معاد

ترسیم بینش صحیح در مورد مرگ و معاد، یکی دیگر از روش های تربیتی صحیفه سجادیه است. انسان به سبب درک نادرست مرگ و زندگی و افتادن در دام دنیا و اوهام، از یاد مرگ گریزان می شود و خود را از نیکوترین وسیله رهایی از دنیا و کسب وارستگی محروم می سازد.

امام سجاد علیه السلام در صحیفه سجادیه، برای مقابله با این گونه نگرش های غلط، همواره یادآوری مرگ را سفارش می کند و به انسان

۱- دعای ۲۱، بند ۷.

یـادآور می شود که مرگ پایـان زنـدگی نیست، بلکه تولـد ابـدی در جهـان سـرمدی است. ایشـان درباره فراموش نشـدن یاد مرگ، در آغاز دعای چهلم می فرماید:

مـا را از آرزوی دراز بـاز دار و بـا کردار راست و درست، آرزو را از مـا کوتـاه گردان تـا اینکه تمـام کردن سـاعتی را پس از ساعتی و دریافتن روزی را پس از روزی و پیوستگی نفسی را به نفسی و در پی آمدن گامی را در پی گامی آرزو نکنیم.(۱)

به همین دلیل، حضرت امام سجاد علیه السلام در آغاز دعایی که درباره «یاد مرگ» است، از خدا می خواهد وی را از آرزوی دراز بـاز دارد؛ زیرا آرزوی دراز، آخرت را از یـاد می برد و بر اثر آن انسان بـدبخت می گردد. امیرالمؤمنین علی علیه السـلام می فرماید:

ای مردم! ترسناک ترین چیزی که از دچار شدن شما به آن می ترسم، دو چیز است: اول، پیروی از هوای نفس و دوم، آرزوی دراز. پیروی از هوای نفس، شخص را از راه حق باز می دارد و آرزوی دور و دراز، آخرت را از یاد می برد.(۲)

همچنین امام سجاد در دعای پنجاه و دوم با اشاره به موانع اندیشیدن درباره معاد می فرماید:

پس ای آقـای من! از تـو درخواست می کنمماننـد درخواست کسـی که بر اثر آرزوی درازش، جـان و روحش به کـار بیهوده سرگرم (و از آخرت دوری گزیـده) و تن او از جهت آرمیدن اعصابش (نگران نبودنش از عذاب و کیفر) بی خبر شده و دلش فریفته نعمت های زیادی گشته است که به او داده شده است و اندیشه اش نسبت

۱- دعای ۴۰، بند ۱.

۲- ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۲، ص ۳۱۸.

به آینده ای که به سوی آن پیش می رود (آخرت)، اندک است.(۱)

امام در دعای چهلم که درباره «یاد مرگ کردن» است و در دعاهای دیگر، به ترسیم بینش صحیح در این زمینه پرداخته است. ایشان توضیح می دهد که مرگ، حق است و همه مؤمنان و کافران می میرند و به سرای جاوید می شتابند تا در آنجا به حساب کردارهایی که در دنیا انجام داده اند، بی کم و کاست رسیدگی شود، به گونه ای که جزای هر کس را براساس رفتارش می دهند و به هیچ کس ستم نمی شود:

وَ اِذَا انْقَضَتْ اَیّامُ حَیاتِنا، وَ تَصرَّمَتْ مُدَدُ اَعْمارِنا، وَ استَحْضَرتَنا دَعْوتُکَ الَّتی لابُدَّ مِنْها وَ مِنْ اجابَتِها.(۲)

و هنگامی که روزهای زندگی ما سپری شد و مدت زمان عمرمان به سر رسید و دعوت تو که از آن و از پذیرش آن چاره ای نیست، ما را فرا بخواند.

سُبْحانَکَ قَضَیْتَ عَلی جَمیعِ خلْقِکَ الَموْتَ مَنْ وَحَّدَکَ وَ مَنْ کَفَرَ بِکَ، وَ کُلٌّ ذائقُ الَمْوتِ، وَ کُلٌّ صآئرٌ اِلَیْکَ.(۳)

پاکی تو. مرگ را بر همه آفریدگانت ــ آن که تو را یگانه دانست و آن که به تو کافر شد ــ مقدّر کرده ای و همه مرگ را چشنده هستند و همه به سوی تو باز می گردند.

یَوْمَ تُجزی کُلُّ نَفْسٍ بِما کَسَبَت وَ هُمْ لا یُظْلِمُونَ.(۴)

۱- دعای ۵۲، بند ۸.

۲- دعای ۱۱، بند ۳.

۳- دعای ۵۲، بند ۵.

۴- دعای ۲۴، بند ۱۱.

روزی (قیامت) که هر کس در برابر کارکرد خویش کیفر یا پاداش داده می شود، در حالی که به آنها ستم نمی شود.

امام در پی آن است تا با این نوع بینش، دل آدمی صیقل بخورد و دیده اش به حقایق هستی گشوده شود تا زنگ بی معنایی و بیهودگی را از چهره حیات دنیا بزداید. آن گاه آدمی در خواهد یافت که دنیا، گذرگاهی است که انسان ها به ناچار از آن خواهند گذشت و به سوی سرنوشتی محتوم پیش خواهند رفت. این بینش، انسان را به آینده امیدوار می سازد و کردارش را اصلاح می کند.

ب) ذکر خدا

ب) ذکر خدا

یکی دیگر از روش های تربیتی در صحیفه سجادیه در زمینه جنبه شناختی انسان، سفارش به «ذکر و یاد خدا»(۱) است. این روش تربیتی مبتنی بر اصل «تذکر» است؛ زیرا گاه توجه انسان به خداوند به سبب درگیری اش در فراز و نشیب های زندگی و غفلت و فراموشی کم می شود. ازاین رو، با یادآوری می توان توجه به خدا را در دل او زنده کرد. بنابراین، روش تربیتی «ذکر خدا»، بیشتر یک روش شناختی به شمار می آید.

حقیقت ذکر، همان «توجه قلبی» است. به بیان دیگر، حقیقت ذکر، چیزی جز «همواره به یاد خدا بودن نیست. همواره متوجه مسئولیت و تعهد بودن؛ در همه جا خدا را حاضر و ناظر دانستن؛ در کنار همه چیز، خدا را

۱- «ذکر» به معنای «یادآوری» است و در واقع، حفظ معنای چیزی یا استحضار آن «ذکر» نامیده می شود. ذکر، یک امر قلبی است که به ذهن انسان می گذرد و گاهی به زبان نیز سرایت می کند.

دیدن؛ نسبت به تمام اعمالمان، خدا را «بصیر» دانستن؛ نسبت به همه حرف هایمان، او را «شنوا» دانستن؛ خود را در همه حال در محضر «اللّه » دیدن و...»،(۱) معنای واقعی ذکر، خداست که سازنده انسان است.

این روش در نظام تربیتی صحیفه به عنوان عامل بازدارنده از انحراف و اشتباه، نقش بسیار مهمی دارد. انسانی که خدا را بر رفتار خود ناظر و بر گفتار خود شنوا بداند و در همه جا و در همه حال، خود را در محضر خدا ببیند، مراقب رفتارهای خود خواهد بود تا کار ناشایستی از او سر نزند. بنابراین، یاد خدا یکی از روش های بسیار خوب برای اصلاح رفتار انسان است. آثار مهم تربیتی که این روش در پی دارد، عبارتند از:

یک _ آرامش قلب: انسان به طور فطری جویای آرامش خاطر است و اگر کم و بیش، نگرانی هایی دارد، این نگرانی ها باید در پرتو آرامش بالاتری زدوده شود. ژرفای درون آدمی باید آرام و مطمئن باشد. چه عاملی می تواند به انسان آرامش خاطر بخشد؟ به گفته قرآن، تنها یاد خدا می تواند دل های نگران را آرام کند: «أَلا بِذِکْرِ اللّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ؛ آگاه باشید تنها با یاد خدا، دل ها آرامش می یابد.» (رعد: ۲۸)

حضرت امام سجاد علیه السلام نیز برای اصلاح و تربیت از این روش تربیتی بهره می گیرد و ذکر خدا را مایه شرافت و بزرگی می داند. همچنین از خداوند متعال می خواهد که دل ها را به یاد خود سرگرم سازد.

ص: ۱۱۳

۱- جواد محدثی، سینای نیاز، تهران، نشر سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۲، چ ۲، ص ۶۷ .

یا مَنْ ذِکْرُهُ شَرَفُ لِلذاکِرین... و اشغل قُلُوبَنا بِذِکْرِکَ عَنْ کلِّ ذِکْر.(۱)

ای آن که یاد او برای یادکنندگان، شرافت و ارزش است، دل های ما را از هر یادی به یاد خودت وادار.

دو ــ غفلت زدایی: همه گرفتاری ها و لغزش ها در پی غفلت از یاد حق و عـذاب و عقاب اوست. افزون بر این، غفلت از خدا، قلب را تیره می سازد و در نتیجه، شیطان و هوای نفس بر انسان چیره می شوند. امام سجاد علیه السلام، یاد خدا را درمان چنین حالتی می دانـد و می فرمایـد: «وَ نَبِّهْنی لِتَذِکْرِک فی اَوقاتِ الغَفْلهِ؛ و مرا در اوقات فراموشـی (پیروی از نفس) به یاد خود آگاه ساز».(۲)

در مقابل، «تذکر و یادآوری حضور حق» به دل صـفا می دهد و سبب تصفیه روح از رذایل و آزادی انسان از قید اسارت نفس می شود: «وَ اجْعَلْ سَلامَهَ قُلُوبِنا فی ذِکْرِ عَظَمَتِک؛ و سلامت دل های ما را در یاد بزرگی خود قرار ده».(۳)

وقتی یاد خـدا، غفلت را از دل بزدایـد و به قلب سـلامتی بخشد، در این صورت، دل، جلوه گاه محبوب می شود و دوستی دنیا که سرچشمه همه لغزش ها و انحراف هاست، از دل رخت برمی بندد.(۴)

۱- دعای ۱۱، بند ۱.

۲- دعای ۲۰، بند ۲۹.

۳- دعای ۵، بند ۱۴.

۴- ره توشه، ص ۲۶۶.

۲. روش های گرایشی

اشاره

۲. روش های گرایشی

زیر فصل ها

الف) توبه

ب) ناچیز شمردن خوبی ها و زیاد شمردن بدی ها

ج) یادآوری نعمت ها

الف) توبه

الف) توبه

یکی دیگر از روش هـای اصـلاح و تربیت در صـحیفه سـجادیه، روش «توبه»(۱) است. امـام سـجاد در دعاهای زیادی از جمله دعای سـی و یکم صـحیفه سـجادیه که به توبه اختصاص دارد و نیز در دعاهای دیگری ماننـد: دعای «طلب مغفرت»،(۲) دعای «طلب عفو»(۳) و دعای «پناه بردن به خـدا»(۴) به این روش اشـاره دارد. ایشان در یک مورد، به روشـنی، توبه را مایه صـلاح و رفع فساد در انسان ها معرفی می کند و می فرماید: «یا مَن استَصْـلَحَ فاسِدَهُمْ بالتَّوبَهِ؛ ای آن که بندگان تبه کار را به وسیله توبه اصلاح کرده ای».(۵)

۱- توبه به معنای بازگشـتن است. معجم مقاییس اللغه، ج ۱، ص ۳۵۷. برخی لغت شـناسان در معنای آن قید «نافرمانی و گناه» را افزوده و گفته اند: توبه بازگشت از معصـیت و گناه است. (الصـحاح، ج ۱، ص ۹۱؛ لسان العرب، ج ۲، ص ۶۱). با توجه به اینکه توبه مراتبی دارد و هر انسانی با توجه به مرتبه اش توبه ای دارد، واژه توبه در قرآن کریم درباره خدای متعال به کار رفته است. بنابراین، مطلق بازگشـتن در معنای توبه صحیح است؛ زیرا بازگشتن از معصیت و گناه درباره خدای سبحان معنا ندارد و توبه خداونـد به معنای بازگشت لطف و رحمت پروردگار به سوی بنده گناه کار است. چنان که فرموده است: «ثُمَّ تابَ عَلَیْهِمْ لِیَتُوبُوا إِنَّ اللّهَ هُوَ التَّوّابُ الرَّحیمُ؛ پس (خـدا) به آنـان (توفیق) توبه داد تـا توبه کننـد. بی تردیـد، خـدا همـان توبه پـذیر مهربان است.» (توبه: ۱۱۸)

۲- دعای ۹.

۳- دعای ۳۹.

۴- دعای ۱۰.

۵- دعای ۱۲، بند ۱۰.

به فرموده امام سجاد علیه السلام، توبه نوعی توفیق الهی است(۱) که فرد گناه کار از طریق آن به غفران الهی پناه می برد تا حالت آمرزش خواستن واقعی را دریابد و دل خود را پاک سازد.(۲) این گونه است که بر ترک آنچه از او سر زده است، راسخ می شود. آن گاه تقصیر گذشته را تلافی می کند و از دوری درگاه الهی به نزدیکی باز می گردد:

اَللّهُمَّ إنّا نَتُوبُ الیک... تَوْبَهَ مَنْ لاـ یَنْطَوی علی رُجُوعٍ الی ذَنْبٍ، وَ لا یَعُودُ بَعْدَها فی خطیئَهٍ، تَوْبَهً نَصُوحا خَلَصَتْ مِنَ الشَّکِ وَ الارتِیابِ، فَتَقَبَّلها مِنّا، وَ ارْضَ عَنّا، وَ ثَبّتنا عَلَیها.(۳)

بار خدایا! به سوی تو باز می گردم و توبه می کنم؛ توبه کسی که رجوع به گناهی را در دل نمی گذارد و پس از توبه در گناهی بازنمی گردد. توبه خالصی که از شک و دودلی پاکیزه باشد. پس آن را از ما قبول فرما و از ما خشنود شو و ما را بر آن پابرجا گردان.

فلسفه تشریع توبه در نظام تربیتی اسلام، رهایی از هلاکت به سبب گناه و نجات از تباهی است؛ زیرا توبه، وسیله رستگاری و مقدمه دست یابی به سعادت است. افزون بر آن، توبه، وسیله حفظ روح امیدواری در انسان

۱- دعای ۱، بند ۲۲. «والحمد للّه الذی دلنا علی التوبه التی لم نفدها الا من فضله؛ سپاس خدای را که ما را به حقیقت توبه و بازگشت (از گناه) راهنمایی فرمود؛ توبه ای که آن را جز به فضل و احسان او نیافته ایم».
۲- دعای ۱۶، بند ۲۳. «اللهم صل علی محمد و آله... و ارزقنی حسن الانابه، و طهرنی بالتوبه: بار خدایا! بر محمد و آل او درود فرست و نیکی بازگشت از گناه را روزی ام کن و به توبه پاکم گردان».
۳- دعای ۴۵، بند ۵۲.

است؛ چنان که امام سجاد علیه السلام در نیایش خود می گوید:

لا اَیْئَسُ مِنکَ وَ قَدْ فَتَحْتَ لی بابَ التَّوبَهِ اِلَیْکَ.(۱)

از تو نومید نمی شوم، در حالی که درِ توبه و بازگشت به سوی خودت را به رویم گشوده ای.

انسان روح نشاط و امیـد به نجات دارد و در راه تربیت و رهایی خود می کوشد. با این حال، اگر روح ناامیدی بر او چیره شود و راه اصلاح و تربیت را بر خود بسته ببیند، به سستی و ناتوانی و زبونی می گراید، تا جایی که خود را تا مرز هلاکت پیش می برد و تنها راه درمان آدمی از این بیماری مهلک، توبه است. امام در این باره می فرماید:

تویی آن که برای بنـدگانت، دری به سوی عفوت گشوده ای و آن در را دَرِ توبه و بازگشت نامیـده ای و بر آن در، از وحی و پیغام خود راهنمایی قرار داده ای تا از آن در گمراه نشونـد. پس تو خود ـ که نامت جاویـد است ـ فرموده ای: به سوی خـدا توبه کنیـد؛ توبه خالص و امیـدوار باشـید که پروردگارتان، گناهانتان را از شـما بپوشانـد (بیامرزد) و شـما را به بهشت ها و باغ هایی درآورد که جوی ها از زیر (درختان) آن روان است.(۲)

بنابراین، توبه با دمیـدن روح امید در کالبد خسـته و نومید انسان، انگیزه اصـلاح رفتارها را در فرد ایجاد و تقویت می کند. این روش تربیتی از جهت ایجاد انگیزه اصلاح و تربیت در انسان، یک روش گرایشی به شمار می آید.

۱- دعای ۱۲، بند ۷.

۲- دعای ۴۵، بند ۱۰.

یکی از مقـدمات توبه، اعتراف و اقرار به گنـاه است. امـام سـجاد علیه السـلامدر دعـای دوازدهم که دربـاره «اعتراف به گناه و درخواست توبه» است، چگونگی اعتراف و درخواست آمرزش گناهان را به مردم آموزش می دهد:

تو منزّه و پاکی. از تو نومیـد نمی شوم، در حالی که درِ توبه و بازگشت به سوی خودت را به رویم گشوده ای، بلکه می گویم گفتار بنـده خواری که به خود سـتم کرده و حرمت پروردگارش را رعایت نکرده است؛ بنده ای که گناهانش، بزرگ و رو به فزونی است و روزگارش به او پشت کرده و برگشته است تا چون ببیند که زمان کار گذشته و عمر به پایان رسیده است و باور کند که گریزگاهی از سلطه تو برایش نیست، به وسیله توبه به تو رو آورده و توبه را برای تو خالص گردانده است. پس با دلی پاک و پاکیزه به سوی تو حرکت کرده و با صدای گرفته، آهسته، تو را می خوانده است.(۱)

در کتـاب های اخلاق و تهـذیب نفس نیز دسـتور داده شـده است که در برابر خـدا و در خلوت (نه در حضور دیگران که مایه اشـاعه گنـاه و ذلّت نفس مؤمن است)، به کارهـای نـاروای خود اقرار کنیم. این اقرار، دشوار است؛ زیرا گناهان چنان منفورند که آدمی به سـختی می توانـد انجـام دادن آنهـا را به گردن بگیرد. از همین رو، معمولاً ما آنها را توجیه می کنیم؛ یعنی طوری وانمود می کنیم که گویی کار زشتی انجام نداده ایم.

در حقیقت، اقرار به گناه، نتیجه نوعی محاسبه نفس است که زمینه را

۱- دعای ۱۲، بند ۷ و ۸.

برای توبه حقیقی فراهم می کند. در این مرحله، انسان، گناهان گذشته خویش را یادآور می شود و از فراموشی آنها جلوگیری می کند. این عمل سبب می شود انسان از گناهان گذشته خویش پشیمان شود و در آینده کمتر بدان ها دست زند.

ب) ناچیز شمردن خوبی ها و زیاد شمردن بدی ها

ب) ناچیز شمردن خوبی ها و زیاد شمردن بدی ها

یکی دیگر از روش های تربیتی در صحیفه سجادیه، روش «استقلال الخیر و استکثار الشر» است؛ یعنی انسان باید خوبی هایش را (هر چند زیاد باشد)، ناچیز بشمارد و بدی هایش را (هر چند کم باشد)، زیاد و سنگین بداند.

این روش بر اصل کمال خواهی مبتنی است؛ زیرا انسان کمال خواه با کم شمردن کارهای نیک خود و زیاد دانستن کوچک ترین اشتباه و گناهش، درصدد انجام دادن کارهای پسندیده و جبران اشتباه خویش برمی آید و این گامی در رسیدن به رشد و کمال انسان است.

اثر تربیتی این روش آن است که انسان با کم شمردن خوبی ها، انگیزه انجام هر چه بیشتر رفتار شایسته را پیدا می کند و از خودپسندی نیز دور می ماند. همچنین با زیاد شمردن گناهان، انگیزه ترک گناه در انسان پدید می آید و سبب می شود که انسان کمتر گناه کند. این روش تربیتی از جهت ایجاد انگیزه در انسان، یکی از روش های گرایشی به شمار می آید.

امام سجاد علیه السلام در دعای مکارم الاخلاق، این روش را از خداوند درخواست می کند و آن را یکی از صفات نیکوی صالحان و پرهیزگاران

ص: ۱۱۹

برمی شمارد:

وَ حَلِّنی بِحِلْیَهِ الصّالِحِینَ وَ اَلبِسْـنی زِینَهَ المُتَّقِینَ فی... اسْـتِقلالِ الخَیرِ وَ اِنْ کَثُرَ مِنْ قَولی وَ فِعْلی وَ استِکثارِ الشَّرِّ وَ اِنْ قَلَّ مِنْ قَوْلی وَ فَعِلِی.(۱)

و مرا به زینت صالحان و شایستگان آراسته فرما و زیور پرهیزکاران را به من بپوشان؛ در کم شمردن نیکی در گفتار و کردارم، اگرچه بسیار باشد و بسیار شمردن بدی در گفتار و کردارم اگرچه کم باشد.

در فرازهای دیگر نیز امام با استفاده از این روش، زمینه را برای توبه و بازگشت به درگاه الهی آماده می سازد:

اگر فرمانبری از تو را به شمار آورم، ناچیز است و نافرمانی از تو که بایـد به آن اقرار کنم، زیاد است و عفو از بنـده ات بر تو هرگز دشوار نیست، اگرچه بد کرده باشد. پس مرا ببخش.(۲)

اَللّهُمَّ اِنیِّ اُصْبِحُ وَ اُمْسی مُسْتَقِلاً لِعَمَلِی مُعْتَرِفا بِذَنبی، مُقِرًّا بخَطایایَ... .(۳)

بـار خـدایا! من صـبح و شـام می کنم، در حـالی که کردارم (بنـدگی ام) را انـدک می بینم و به گنـاهم، اعتراف و به خطاها و کارهای ناروایم اقرار دارم.

سُؤالَ مَنْ اسْتَکْثَرَ ذُنوبَهُ وَ اعْتَرَفَ بخطیئَتِهِ... .(۴)

درخواست کسی که گناهانش را بسیار دانسته و به خطا و کار بی جای خود اقرار کرده است.

ص: ۱۲۰

۱- دعای ۲۰، بند ۱۰.

۲- دعای ۳۲، بند ۱۰.

۳- دعای ۵۲، بند ۷.

۴- دعای ۵۲، بند ۹.

بنـابراین، همـان گونه که ملاحظه شـد، دامنه اسـتفاده از این روش تربیتی گسترده است و رفتارهای فردی و اجتماعی را نیز در برمی گیرد.

ج) یادآوری نعمت ها

ج) یادآوری نعمت ها

یکی دیگر از روش های تربیتی صـحیفه سـجادیه، «یادآوری نعمت» است. انسان همواره باید به گذشته خویش بنگرد و سختی هـایی را که بـا آن درگیر بـوده از نظر بگذرانـد و نعمت هـایی را که به او داده شـده است، به یـاد آورد تـا دست مهر خـدا را همواره بر سـر خود ببیند. خداوند متعال از سر رحمت بدین امر تذکر می دهد تا نور عظمت الهی بر دل های بندگانش بتابد و جانشان از یاد او لبریز شود.

یا أَیُّهَا الَّذینَ آمَنُوا اذْکُرُوا نِعْمَتَ اللّهِ عَلَیْکُمْ. (مائده: ۱۱)

ای کسانی که ایمان آورده اید! نعمت خدا را که به شما بخشیده است، به یاد آورید.

امام سـجاد علیه السلام، روش یادآوری نعمت ها را در نظام تربیتی صحیفه در پیش گرفته است تا آدمی به خود بیاید. آن گاه گذشـته خویش را به یـاد آورد و شـیرینی نعمت هایی را که به او ارزانی شـده است، بچشـد و در مقام شـکر برآیـد و نشاط و رغبت به عمل در او برانگیخته شود.

امـام بـا بهره گیری از این روش تربیتی، انسـان های غفلت زده را آگاه می سازد و غفلتشان را در پرتو یادآوری نعمت های بی شماری که در گذشـته و حال به آنها عطا شـده است، می زدایـد. امام زین العابدین علیه السـلام در موارد بسـیاری از جمله در نخستین دعای صحیفه سجادیه که در «حمد و ستایش خداوند» است و همچنین در دعای سی و هفتم که در «شکرگزاری

از خداوند» است، با شمردن نعمت های الهی از جمله خلقت زیبا و روزی های پاکیزه و حلال و سلامتی، خدای را سپاس می گوید و می فرماید:

و سپاس خدایی را که زیبایی های آفرینش را برای ما برگزید و روزی های پاکیزه را برای ما روان گردانید.(۱)

سپاس خدایی را که ابزار گشادگی را در (بدن) ما به هم پیوسته و افزارهای جمع شدن و درهم کشیدن را در (کالبد) ما قرار داد. (رگ، پی، استخوان، گوشت، پیه، خون) و دیگر اندام را با کیفیت و حرکت های ویژه در پیکر ما نهاد تا به واسطه آنها اندام ها گشاده و درهم شود و ما را از روان های زندگی بهره مند کرد و پیکر کردارها را در ما استوار گردانید و ما را با روزی های پاکیزه (انواع غذاهای حیوانی و نباتی) پرورش داد و به بخشش خود توانگرمان ساخت و به نعمت خود، ما را سرمایه (زندگی) بخشید.(۲)

همچنین امام درخواست می کند:

بار خدایا! چه بسیار ابرهای ناگواری و گرفتاری که آنها را از من گشودی (دور ساختی) و ابرهای نعمت که آنها را بر من باراندی و جوی های رحمت و مهربانی که آنها را پهن کردی و عافیت و تندرستی که آن را بر من پوشاندی و چشم های فتنه که آنها را کور گردانیدی و پرده های اندوه هایی که آنها را برداشتی. همه آنها از روی نعمت بخشی و احسان از سوی تو است.(۳)

از پی آمدهای مهم این روش، شناخت بیشتر خداوند و نیز انگیزه سپاس

۱- دعای ۱، بند ۱۷.

۲- دعای ۱، بند ۲۰.

۳- دعای ۴۹، بند ۱۱.

از خداوند است. امام سجاد علیه السلام در نخستین دعای صحیفه _ با یادآوری نعمت های الهی _ در قبال این همه نعمت که خداوند به انسان بخشیده، سپاس گزاری به درگاه الهی را وظیفه انسان دانسته و می فرماید:

سپاس خدایی را سزاست که اگر شناخت سپاس گزاری خود را در برابر نعمت های مدامی که برای آزمایش به ایشان داده و بخشش های پیوسته ای که برای آنها تمام گردانیده است، باز می داشت، هر آینه، نعمت هایش را مصرف می کردند و او را سپاس نمی گزاردند؛ روزی فراوان و فراخ او را می خوردند و شکرش را به جا نمی آوردند. اگر چنین می بودند، از حد انسانیت به مرز حیوانیت روی می آوردند و چنان بودند که خداوند در کتاب استوار خود وصفشان فرموده است: ایشان (ناسپاسان) جز مانند چارپایان نیستند، بلکه گمراه ترند.(۱)

بنابراین، سرآغاز انسانیت انسان از اینجاست که از غفلت خارج شود و به مرحله آگاهی گام بگذارد و متوجه باشد که تمام نعمت هایی که در اختیار دارد، عنایت الهی است. ازاین رو، به حکم عقل، انسان باید در مقابل چنین منعمی سپاس گزار باشد. پس تا انسان از غفلت خارج نشود، در واقع، هنوز داخل محدوده انسانیت نشده است، بلکه مسیر سقوط را می پیماید و از حیوان پست تر است.

این روش تربیتی از آن جهت که در انسان برای عمل، انگیزه ایجاد می کند، می تواند یک روش گرایشی به شمار آید و از آن جهت که منشأ تحرک و نشاط، شناخت و آگاهی انسان است، یک روش شناختی شمرده

۱- دعای ۱، بند ۸ و ۹.

شود.

۳. روش های رفتاری

اشاره

۳. روش های رفتاری

زیر فصل ها

الف) تکریم و احترام

ب) رفق و مدارا

ج) نیکی کردن در مقابل بدی

الف) تکریم و احترام

اشاره

الف) تکریم و احترام

یکی دیگر از روش هـای تربیـتی در صـحیفه سـجادیه، روش «تکریم و احترام» است. این روش چون بیشتر جنبه رفتـاری دارد، یک روش تربیت رفتاری به شمار می آید و مبتنی بر حب ذات است.

دامنه این روش تربیتی، همه انسان ها را شامل می شود؛ به جهت اینکه در همه انسان ها غریزه حب ذات وجود دارد و هر کس دوست دارد که دیگران به او احـترام بگذارنـد. حضـرت امـام سـجاد علیه السـلام در صـحیفه سـجادیه، این روش تربیتی را در موارد زیادی از جمله در مورد فرزندان به کار گرفته است.

احترام به فرزندان

احترام به فرزندان

یکی از نیازهـای طـبیعی کودک، احـترام گزاردن به شخصـیت او است. به دلیـل غریزه حب ذات که در طبیعت کودک نهـاده شده، وی دوست دارد دیگران شخصیت او را گرامی بدارند.

برآورده شـدن این نیاز طبیعی کودک در خانواده سـبب ایجاد احساس آرامش، اعتماد به نفس در وی می شود و با اسـتفاده از استعدادهای نهفته اش می توانـد بـا دلگرمی و امیـد به موفقیت، در مسـیر زنـدگی گام بردارد. در نتیجه، به خانواده و دیگران خوش بین می شود و آنان را قدرشناس و قابل اعتماد می یابد و از همکاری با افرادی که قدر او را می شناسند و شخصیتش

ص: ۱۲۴

را گرامی می دارند، هراسی ندارد.(۱)

افزون بر این، کودکی که مورد تکریم و احترام خانواده قرار گرفته، احترام به دیگران را که یک خصلت پسندیده است، از آنان یاد می گیرد. بنابراین، تکریم کودک برای تربیت صحیح او ضرورت دارد.(۲) امام سجاد علیه السلام در دعای بیست و چهارم صحیفه در حق والدین چنین می فرماید: «وَ اَثِبْهُما عَلی تَکْرِمَتی؛ و آنان را در گرامی داشتنم پاداش ده».(۳)

تکریم و احترام شخصیت فرزند، روش تربیتی بسیار مهمی است که امام در قبال آن برای والدین درخواست پاداش می کند. همچنین ایشان در فرازی دیگر با اشاره به این مسئله مهم تربیتی می فرماید: «وَ زَیِّنْ بِهِمْ مَحْضَری وَ اَحْیِ بِهِمْ ذِکری؛ و مجلس مرا به ایشان بیارای و یاد مرا به آنها زنده بدار».(۴)

امام در این فراز، فرزندان را زینت مجلس و زنده نگه دارنده یاد و نام والدین به شمار می آورد و این، نوعی احترام و تکریم به فرزند است. همچنین ایشان با اشاره به اموری که سبب احترام به فرزند می شود، می فرماید: «وَ اَعِنیّ علی تَربِیَتِهِمْ وَ تَأدِیبِهِمْ وَ بِرِّهِمْ؛ و مرا برای پرورش آنها و بافرهنگ کردنشان برای نیکی کردن به ایشان یاری فرما».(۵)

در این فراز، امام سجاد علیه السلام به برخی وظایف والدین در برابر

۱- اسلام و تعلیم و تربیت، ج ۲، ص ۱۷۸.

۲- همان.

۳- دعای ۲۴، بند ۷.

۴- دعای ۲۵، بند ۴.

۵- دعای ۲۵، بند ۵.

فرزنـدان اشاره می کند که رعایت این وظایف، سـبب احترام و تکریم به شـخصت فرزند نیز می شود. امام در این فراز، به سـه دسته از وظایف والدین اشاره کرده است:

اول ــ تأمین نیازهای فرزند: برآوردن نیازهای اولیه فرزند از وظایف مهم والدین است که برای رشد و تعالی فرزند لازم است.

دوم ــ محبـت: یکی از ارکـان تربیـت فرزنـد، برقراری روابـط منـاسب بـا او بر اسـاس محبت است. محبت به عنـوان مهم ترین واسطه در برقراری رابطه، باید مورد توجه ویژه باشد.

سوم ــ تربیت فرزند: محبت کردن به فرزند و رفع نیازهای او، زمینه ساز تعالی او به مراحل بالای تربیتی است.

بنابراین، تلاش والـدین در تأمین نیازهای فرزنـدان، تربیت آنان و محبت ورزیدن به ایشان، نوعی احترام گذاشـتن و شخصـیت دادن به فرزند تلقی می شود. امام در فرازی دیگر می فرماید:

بـار خـدایا! بـازوی مرا به وسـیله ایشـان اسـتوار گردان و در هنگـام غـایب بودنم، نیـازم را به سـبب ایشـان کفایت کن (آنها را جانشین من گردان) و به وسیله اینان مرا بر خواسته ام یاری فرما.(۱)

در این فراز، امام با درخواست جانشـین کردن فرزندان در مواردی که او حضور ندارد و با درخواست یاری خدا به وسـیله آنها برای رفع نیازها، افزون بر اعتماد کردن به آنها، به شخصیت فرزندان احترام می کند.

۱- دعای ۲۵، بند ۴.

ب) رفق و مدارا

اشاره

ب) رفق و مدارا

رفق و مدارا به معنای نرمی و سازش است.(۱) به بیان دیگر، مهربانی نسبت به دیگران است. رأفت و رحمت، از اخلاق کریمه انسان است که از قلب پرعاطفه سرچشمه می گیرد. این نوع صفات، انسان را به هم یاری در مشکلات نیازمندان و هم نوعان برمی انگیزد.

روش مدارا، روشی رفتاری است و انسان باید در مقام عمل، بدان توجه داشته باشد. این روش نیز مبتنی بر حب ذات است.(۲) ازاین رو، دامنه گسترده ای دارد و موارد زیادی را در برمی گیرد.

برخی از موارد رفق و مدارا به قرار زیر است:

یک ـ رفق و مدارا با پدر و مادر

یک ـ رفق و مدارا با پدر و مادر

در اسلام، پدر و مادر مقام والایی دارند؛ به گونه ای که خدای متعال در قرآن کریم، پس از سفارش به یکتاپرستی، بی درنگ، احسان به پدر و مادر را یادآور می شود و می فرماید: «وَ قَضی رَبُّکَ أَلّا تَعْبُدُوا إِلّا إِیّاهُ وَ بِالْوالِدَیْنِ إِحْسانًا؛ پروردگار تو فرمان داده است که جز او را نپرستید و به پدر و مادر نیکی کنید.» (اسراء: ۲۳) همچنین خداوند متعال در آیه ای دیگر می فرماید: «اَنِ اشْکُرْ لی وَ لِوالِدَیْکَ؛ برای من و برای پدر و مادرت شکر به جای آور». (لقمان: ۱۴)(۳)

با توجه به منزلت والای پدر و مادر، در رفتار با آنها باید توجه داشت و چنان رفتار نکنیم که سبب آزردگی آنها شود. باید با رفتارهای شایسته و

۱- لغت نامه دهخدا، ج ۷، ص ۱۰۷۲۷، ماده «رفق».

۲- محمد احسانی، تربیت اسلامی، نشر تربیت اسلامی، ۱۳۷۹، چ ۱، ص ۲۹۲.

۳- ریاض السالکین، ج ۴، ص ۴۳.

رفق و مدارا سبب خوشحالی آنها شویم.(۱) امام سجاد در دعای بیست و چهارم صحیفه با بیان مقام والای پدر و مادر درباره روش رفق و مدارا با والدین می فرماید:

بار خدایا! مرا چنان گردان که از ابهت پدر و مادر بترسم؛ مانند ترسیدن از پادشاه ستم کار و با ایشان خوش رفتاری کنم؛ همچون خوش رفتاری مادری مهربان. و فرمانبری و نیکوکاری ام را به آنان در نظرشان از خوابِ خواب آلوده، خوش تر و در دلم از آشامیدن تشنه، گواراتر گردان تا خواسته آنها را بر خواسته خود برگزینم و خشنودی ایشان را بر خشنودی خویش جلو اندازم و نیکی شان را درباره خود هر چند اندک باشد، بسیار شمارم و نیکی خویش را درباره آنها هر چند بسیار باشد، کم بدانم.(۲)

بار خدایا! صدایم را در برابر ایشان آهسته و سخنم را خوشایند و خویم را نرم ساز و دلم را بر آنها مهربان کن و مرا به ایشان سازگار و بر آنان رحیم گردان.(۳)

امام در این فرازها، روش های رفتار با والدین را این گونه بیان می کند:

۱. حفظ شخصیت والدین؛

۲. خوش رفتاری؛

۳. اطاعت کردن؛

۴. مقدّم داشتن خواست و رضایت ایشان بر خواست و رضایت خود؛

۵. نیکوکاری ایشان را هر چند کم باشد، زیاد دانستن و نیکوکاری نسبت

۱- تربیت اسلامی، ص ۲۹۲.

۲- دعای ۲۴، بند ۵.

۳- دعای ۲۴، بند ۶.

به ایشان را هر چند زیاد باشد، کم دانستن؛

۶. آهسته و زیبا سخن گفتن؛

۷. نرم خوی و مهربان بودن؛

۸. رفیق و شفیق بودن.

دو ـ رفق و مدارا با همسایگان و دوستان

دو ـ رفق و مدارا با همسایگان و دوستان

یکی دیگر از روش های تربیتی در صحیفه سجادیه، «رفق و مدارا با همسایگان و دوستان» است. چون انسان به تنهایی نمی تواند نیازهای خود را برآورد، با دیگران رابطه برقرار می کند. از جمله کسانی که انسان با آنها رابطه دارد، همسایگان هستند. ارتباط با همسایگان باید بر اساس کرامت انسانی استوار باشد. ازاین رو، امام سجاد علیه السلام در دعای بیست و شش صحیفه سجادیه که دعا برای همسایگان است، درباره روش رفتار با همسایگان می فرماید:

و آنان را توفیق ده برای فرا گرفتن اخلاق نیک خودت در مهرورزی و کمک به ناتوانانشان و بستن شکاف فقر و نیازمندی شان و رفتن نزد بیمارشان و راهنمایی کردن راه جویشان و اندرز دادن به مشورت کننده شان و دیدار از سفرآمده شان و پنهان کردن رازهاشان و پوشاندن عیب هاشان و یاری کردن ستم دیده شان و خوب کمک کردنشان در ابزار خانه و لوازم خانگی و سود رساندنشان به بخشش فراوان و دادن آنچه ایشان را واجب و لازم است پیش از درخواست.(۱)

امام در این فرازها، با توجه به روش رفق و مدارا، راهکارهای رفتار با

۱- دعای ۲۶، بند ۲.

همسایگان را چنین بیان می کند:

۱. کمک به ناتوانان؛

۲. عیادت از بیماران؛

۳. راهنمایی کردن راه جویان؛

۴. اندرز دادن به مشورت کنندگان؛

۵. دیدار از سفر برگشته؛

۶. پنهان کردن اسرار؛

۷. پوشاندن عیب ها؛

۸. یاری کردن ستم دیده؛

۹. کمک کردن با ابزار خانه.

ج) نیکی کردن در مقابل بدی

ج) نیکی کردن در مقابل بدی

تنبیه و تشویق، دو روش برای تربیت و اصلاح رفتارهای انسان است. بدین صورت که خطاکاران را تنبیه و نیکوکاران را تشویق کنند. اسلام نیز این دو روش را بجا می داند و هر یک را در جای خودش مفید و لازم می شمارد. البته همیشه تشویق بر تنبیه، مقدّم است و تا آنجا که بتوان از تشویق بهره جست، نباید به تهدید و تنبیه دست یازید.

امام سجاد علیه السلام در صحیفه سجادیه، راه دیگری نیز برای اصلاح بدی ها معرفی می کند و آن «احسان در برابر بدی» است. ایشان در کنار توجه به اصل تکریم و احترام به شخصیت انسان ها سفارش می کند با افراد خطاکار، به نیکی رفتار شود؛ زیرا انسان در خور تکریم و احترام است و جایگاهی والا در میان دیگر آفریده ها دارد. بنابراین، برخورد با آنها باید بر

اساس احترام و تساهل و تسامح باشد. امام سجاد علیه السلام در این زمینه از پیشگاه خداوند می خواهد:

بـار خـدایا! مرا بر آن دار که کردارهـای بـدشان را به نیکی پـاداش دهم و از سـتم کارشان به بخشـش درگـذرم و درباره همه ایشـان خوش گمـان بـاشم و بـا احسـان و خوبی، همه آنهـا را سـرپرستی کنم و بـا پـاک دامنی، چشـمم را از آنان بپوشانم و با فروتنی بـا آنهـا نرم باشم. با مهربانی بر گرفتارانشان رقّت ورزم و دل جویی کنم و در پنهانی و پشت سـر، دوستی را برای آنان آشـکار سـازم و از سر خیرخواهی، نعمت همیشـگی را نزد ایشـان دوست بـدارم و آنچه برای خویشان خود واجب و لازم می دانم، درباره ایشان نیز لازم بدانم و آنچه برای نزدیکان رعایت داشته ام، برای ایشان رعایت کنم.(۱)

بار خدایا! بر محمد و آل او درود فرست و مرا توفیق ده تا با کسـی که با من خیانت و نادرستی کند، با خیرخواهی رفتار کنم و پیش آیم و کسـی را که از من دوری کرده است، به نیکویی پاداش دهم و کسـی را که مرا نومید گردانیده است، به بخشـش، عوض دهم و کسـی را که از من بریده است، به پیوسـتن، مکافات کنم و از آن که از من غیبت کرده است، به نیکی یاد کنم و نیکی را سپاس گزارم و از بدی چشم بپوشم.(۲)

از این دعاها برمی آید که روش تربیت و اصـلاح بدی ها، منحصـر به تنبیه و کیفر نیست، بلکه با بخشـش و احسان می توان به اصلاح بدی ها پرداخت. چنان که انسان خطاکار از کیفر عبرت می گیرد و خطاهایش را ترک می کند،

۱- دعای ۲۶، بند ۳.

۲- دعای ۲۰، بند ۹.

گاه بر اثر احسان دیگران نیز از کردار بد خود پشیمان می گردد و به راه حق می گراید. انسانی که به شخص خطاکار احسان می کند، برایش الگو می شود و به او درس نیکوکاری می آموزد. بدین وسیله، وجدان او را بیدار و متأثر می سازد؛ به گونه ای که اظهار شرمساری می کند. بنابراین، خود این احسان، نوعی تنبیه به شمار می آید و طرف را به اظهار ندامت وادار می کند.(۱)

البته به کار بردن این روش در همه جا و برای همگان و در هر شرایطی صحیح و مؤثر نیست؛ چون اگر درست انجام نگیرد، ممکن است آثار بدی به همراه داشته باشد. مربی باید موارد را خوب بررسی کند و هر جا این روش را صلاح بداند، از آن بهره گیرد.(۲)

ص: ۱۳۲

۱- تعلیم و تربیت در اسلام، ص ۳۶۵.

۲- همان.

بخش پنجم: اهداف تربیتی در صحیفه سجادیه

تعریف هدف

تعریف هدف

هدف در لغت به معنای نشانه تیر، هر شی ء بلند و برافراشته است. در اصطلاح، هدف (به مفهوم عام) چنین تعریف شده است: «هدف، امری است مورد آگاهی و مطلوب و برانگیزنده و جهت دهنده به فعل اختیاری که فاعل مختار برای رسیدن به آن تلاش می کند».(۱)

هدف در تعلیم و تربیت

هدف در تعلیم و تربیت

هدف در تعلیم و تربیت به معنای وضع مطلوبی است که آگاهانه، سودمند تشخیص داده شده است و برای تحقق آن، فعالیت های مناسب تربیتی انجام می گیرد. بنابراین، هدف های تربیتی سه کارکرد دارند:

۱. رهبری فعالیت های تربیتی؛

۲. ایجاد انگیزه در فرد؛

۳. معرفی معیاری برای ارزیابی فعالیت های تربیتی.

ص: ۱۳۳

۱- محمدتقی مصباح یزدی، جزوه سوم از «بحث هایی درباره علوم تربیتی»، ص ۱۷.

ویژگی مشترک تمام هدف های تربیتی (هدف های غایی، کلی، جزئی و رفتاری) آن است که این هدف ها، نتیجه یک یا چند فعالیت تربیتی اند.(۱)

ویژگی های هدف

ویژگی های هدف

با توجه به مفهوم بیان شده ویژگی های مهم هدف، عبارتند از:

الف) اختیاری بودن: از آنجا که افعال اختیاری با آگاهی انجام می گیرند، نوعی پیش بینی و گزینش در تمام آنها وجود دارد.

ب) ایجاد انگیزش: چون رسیدن به اهداف، تأمین کننده نیاز روانی و دیگر نیازهای فرد است، فرد با رغبت به سوی هدف حرکت می کند. پس یکی از ویژگی های مهم هدف، ایجاد انگیزه در افراد است.

ج) انتخاب مسیر: بی شک، انسان از هر مسیر و با هر برنامه ای نمی تواند به هدف برسد و برای رسیدن به هدف، برنامه ریزی ضرورت دارد. بنابراین، یکی از کارکردهای هدف، مدیریت، برنامه ریزی و تعیین مسیر است.

دسته بندی هدف های تربیتی در صحیفه سجادیه

اشاره

دسته بندی هدف های تربیتی در صحیفه سجادیه

بر اساس معیارهای مختلف، برای اهداف تعلیم و تربیت اسلامی،

ص: ۱۳۴

۱- برای آگاهی بیشتر نک: غلام حسین شکوهی، مبانی و اصول آموزش و پرورش، انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۷۴، چ ۷، ص ۱۱۵؛ محمدباقر هوشیار، اصول آموزش و پرورش، دانشگاه تهران، ۱۳۲۷، ج ۱، ص ۱۲؛ فیلیپ جی اسمیت، فلسفه آموزش و پرورش، مترجم: سعید بهشتی، آستان قدس رضوی، ۱۳۷۰، چ ۱، ص ۷۴.

تقسیم های گوناگونی برشمرده اند که در هر یک از آنها از دیدگاه خاصی به اقسام هدف نگریسته می شود. برای مثال، در یک تقسیم بندی بر مبنای انواع روابط انسانی اهداف مربوط به روابط انسان با خود، خداوند و هم نوعانش و نیز روابط انسان با جهان پیرامون خود، مورد توجه قرار می گیرد.(۱)

در تقسیم دیگر، می توان از دید واقعیت های موجود اجتماعی، اهداف را به پنج دسته سیاسی، اجتماعی، خانوادگی، اقتصادی و فرهنگی تقسیم کرد.(۲) تقسیم بندی هایی نیز بر اساس ملاک های دیگر انجام گرفته است که مجال بیان آنها نیست.

به نظر می رسد بهترین معیار و ملاک تقسیم بندی اهداف تربیتی در صحیفه سجادیه، خود انسان باشد. وقتی از دیدگاه صحیفه به انسان می نگریم، پیش فرض های اساسی داریم که تعیین کننده نوع نگرش ما به انسان است. مانند اینکه انسان و جهان، آفریده خداوند هستند و انسان جانشین خداست و بر تمام آفریده ها فضیلت دارد و دارای فطرت خداجو است. بنابراین، اگر بخواهیم هدف های تربیتی را در صحیفه تقسیم بندی کنیم، باید ملاک این تقسیم بندی را نیز از خود صحیفه بگیریم؛ زیرا بینشی که در مکتب اهل بیت علیهم السلام برای نظام تربیتی در زندگی انسان معیار قرار گیرد، بی شک همیشگی است و به تمام جنبه های وجودی و نیازها و استعدادهای او ناظر است. این نظام تربیتی، انسان را جانشین خدا در زمین

۱- علی قائمی، زمینه تعلیم و تربیت، تهران، انتشارت امیری، ۱۳۶۸، ص ۱۵۶.

۲- همان.

می دانـد و در پی آن است که نظـامی بیافرینـد که با در برگرفتن تمام جنبه های وجودی انسان، فردی صالـح و شایسـته تربیت کند.

بنـابراین، بـا توجه به آنچه گـذشت، می توان هـدف هـای تربیتی را در نظـام صـحیفه به سه طبقه کلی: اهـداف غایی (نهایی)، اهداف واسطه ای و اهداف جزئی تقسیم کرد که به اعتبار قرب و بعد آنها، اهداف بعید و متوسط و قریب نامیده می شوند.(۱) در مراحل بعد، هر یک از هدف های کلی و جزئی، خود، به اقسام دیگری تقسیم می شوند.(۲)

هدف غایی تربیتی در صحیفه سجادیه

هدف غایی تربیتی در صحیفه سجادیه

خداونـد متعال، هـدف غایی، حقیقت بی نهایت و جامع تمام ارزش هاست.(۳) امام سـجاد علیه السلام در تمام دعاها، مخاطب را با زبان دعا و مناجات به آن حقیقت یکتا راهنمایی می کنـد. امام در دعاهای مختلف، با محور قرار دادن خداونـد در تمامی دعاها، به ما می فهمانـد که خـدا بایـد محور زنـدگی انسان در تمام جنبه های آن باشـد. منظور از هـدف بودن خدا، بی گمان حضور خداوند در متن زندگی است. اساسا نقش هدف نهایی در مسـیر زندگی، چیزی جز اسـتمرار حضور خدا و احساس آن نیست.

۱- عمر محمد التومی، الفلسفه التربیه الاسلامیه، طرابلس، ۱۹۸۵م.، ص ۲۸۸.

۲- محمـدعلی حـاجی ده آبادی، درآمـدی بر نظام تربیتی اسـلام، قم، مرکز جهانی علوم اسـلامی، ۱۳۷۷، چ ۱، ص ۹۵. برای آگاهی بیشتر از اهداف تربیتی صحیفه سجادیه نک: نمودار شماره ۳.

۳- در تـدوین این بخش، از نکـات ارزنـده و تقسـیم بنـدی کتاب اهـداف تربیت از دیـدگاه اسـلام چاپ پژوهشـکده حوزه و دانشگاه بهره فراوان برده ایم.

بنابراین، شایسته است خود «خداوند» که هدف نهایی است، محور قرار گیرد، نه اموری که رابط میان ما و خداوند هستند؛ زیرا امور واسطه ای، زمینه ساز رسیدن به آن مقام هستند. پس اگر مفهوم هدف از این مظاهر میانی، استنباط گردد، تنها در پرتو مطلوبیت آن حقیقت واحد است.

امام سجاد علیه السلام در صحیفه سجادیه برای هدایت انسان به هدف غایی آفرینش؛ یعنی خداوند متعال، با عبارت ها و مفاهیم متفاوتی، چگونگی ارتباط انسان را با خدا بیان می کند. این مفاهیم در برگیرنده هدفی خاص هستند و نقش واسطه ای دارند و آنچه محور و معیار است، همان حقیقت واحد است. در ادامه، به برخی مفاهیمی که در صحیفه سجادیه بیان کننده چگونگی ارتباط انسان با خداست، اشاره می کنیم:

۱. عبودیت: از دیدگاه صحیفه سجادیه، کسی سعادتمند است که به مقام عبودیت رسیده باشد. سعادت واقعی در گرو کسب علم یا لذت یا قدرت بیشتر و مانند اینها نیست، بلکه سعادت بشر تنها در پیوند با خدا به دست می آید. عبادت، غایت آفرینش انسان است.(۱) بنابراین، از نظر صحیفه سجادیه، انسانی سعادتمند است که به این هدف دست یابد:

«وَ اجْعَلنا مِنْ اَسْعَدِ اَهْلِهِ بِهِ؛ و به وسیله آن ماه، ما را از نیک بخت ترین اهل آن (کسانی که در آن به عبادت و بندگی اشتغال داشتند) قرار ده».(۲)

«وَ اجْعَلْنا مِنْ... اَسْعَدِ مَنْ تَعبَّدَ لَکَ فِیهِ؛ و از نیک بخت ترین کسانی که تو را در

ص: ۱۳۷

۱- «وَ ما خَلَقْتُ الْجِنَّ وَ اْلإِنْسَ إِلاّ لِیَعْبُدُونِ». ذاریات: ۵۶

۲- دعای ۴۵، بند ۴۹.

آن ماه پرستش می کنند، قرار ده».(۱)

۲. قرب: مفهوم دیگری که بیانگر چگونگی پیونـد با خداوند است، قرب است. مراد از قرب، قرب زمانی و مکانی نیست، بلکه نزدیکی و ارتباط روحی و معنوی مراد است؛ ارتباطی که ریشه در شخصیت انسان دارد و او را به خدا نزدیک می کند:

«تَقَرَّبْتُ اِلَيْکَ بِما لا یَقْرُبُ اَحَدٌ مِنْکَ اِلاّ بِالتَّقَرُّبِ بِهِ؛ و به آنچه کسی جز با آن به تو نزدیک نشود، خواستار نزدیک شدن به درگاه تو شده ام».(۲)

«مَنْ... تَقَرَّبَ اِلَيْکَ بِقُرْبَةٍ اَوْجَبَتْ رِضاکَ لَهُ... فَهَبْ لَنا مِثْلَهُ مِنْ وُجْدِکَ؛ کسی که به وسیله عملی تقرب آور، به سوی تو تقرب جسته که خشنودی تو را برای او لازم گردانیده، پس از توانگری خود مانند (پاداش) به ما ببخش».(۳)

۳. حیات طیبه: این مفهوم نیز برای بیان چگونگی ارتباط انسان با خداوند به کار رفته است. امام سجاد علیه السلام می فرماید:

پس مرا به زنـدگی پاکیزه ای زنـده دار تا آن گونه که می خواهم، آن زنـدگی نظم پذیرد و آنچه را دوست دارم، در برگیرد؛ به گونه ای که آنچه را نمی پسندی، به جا نیاورم و آنچه را نهی کرده ای، مرتکب نشوم.(۴)

طهارت افزون بر طهارت جسمانی، شامل پاکی روح و روان می شود. طهارت روح در اصل توحیـد تبلور می یابـد و تمامی آموزه های اعتقادی،

۱- دعای ۴۳، بند ۶.

۲- دعای ۴۷، بند ۷۲.

۳- دعای ۴۵، بند ۵۰.

۴- دعای ۴۷، بند ۱۱۷.

اصول اخلاق عملی و اعمال شرعی را دربرمی گیرد.(۱)

اهداف واسطه ای تربیت

اهداف واسطه ای تربیت

هـدف هـای واسـطه ای، حلقه های میانی برای دست یابی به هـدف غایی است که ارزش خود را از هـدف نهایی به دست می آورند و در طول آن قرار می گیرند و در حقیقت، نسبت به هدف آرمانی، نقش واسطه دارند.

هدف های واسطه ای، مسیر حرکت انسان را تا حدی مشخص می کنند و مجموعه ای را تشکیل می دهند که از به هم پیوستن آنها پیکره هدف غایی ساخته می شود. از سوی دیگر، هر هدف کلی، در نتیجه رفتارهای مشخصـی است که در طول زمان بر اساس برنامه ای مشخص از انسان سر می زند.

اهداف واسطه ای تربیتی در صحیفه سجادیه را می توان در سه دسته کلی خلاصه کرد:

۱. هدف های تربیتی خدامحور؛

۲. هدف های تربیتی فردمحور؛

۳. هدف های تربیتی ای که دیگران محور توجه اند.

انسـان، همواره در معرض نوعی تعامـل و ارتبـاط است. او در جهـانی قرار گرفته است که تـأثیر و تأثر و برقراری ارتباط در آن اجتناب ناپذیر است. عوامل زیادی می تواند در وجود انسان اثر بگذارد که مهم ترین آنها عبارتند

۱- المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۲۱۰.

از: خدا، خود و دیگران. انسان همواره با یکی یا بیشتر از این عوامل در ارتباط است. البته ارتباط با یک یا چند عامل، مانع ارتباط با دیگر عوامل نیست. برای مثال، ارتباط با خود یا دیگران از جهتی، ارتباط با خدا نیز هست.(۱)

اهداف تربیتی در صحیفه سجادیه

اشاره

اهداف تربیتی در صحیفه سجادیه

زیر فصل ها

۱. اهداف تربیتی در رابطه انسان با خدا

۲. اهداف تربیتی در رابطه انسان با خود

۳. اهداف تربیتی صحیفه در رابطه انسان با دیگران

۱. اهداف تربیتی در رابطه انسان با خدا

اشاره

۱. اهداف تربیتی در رابطه انسان با خدا

این هدف ها، بیانگر انواع ارتباط نظری و عملی انسان با خداوند است. پیوند انسان با خدا در صحیفه سجادیه از معرفت خدا آغاز می شود و با گرایش های عملی در قالب عبادت، توکل و شکرگزاری گسترش می یابد. محورهای کلی اهداف تربیتی در رابطه با خداوند در شناخت خدا، ایمان به او، تقوای الهی، بندگی و شکرگزاری خلاصه می شود.

الف) معرفت به خدا

الف) معرفت به خدا

«شناخت خدا» یکی از هدف های واسطه ای تربیت در صحیفه سجادیه است. این هدف، کلید رسیدن به هدف نهایی است. شناخت هر چه بیشتر خدا، نقش مهمی در نزدیکی به او دارد. بدون شناخت خداوند، نزدیک شدن به او امکان پذیر نیست.(۲) آراستگی به اخلاق الهی، داشتن ایمان و تقوا

۱- اهداف تربیت از دیدگاه اسلام، ص ۴۱.

۲- مراحل اخلاق در قرآن، ص ۳۴۱.

و توکل به خدا در گرو شناخت هر چه کامل تر اوست. شناخت سطحی، پیوند ضعیفی را اقتضا می کند و برعکس، هر چه شناخت گسترده تر و عمیق تر باشد، زمینه ارتباط مستحکم تر می شود.

در روایات، درباره شناخت خدا تأکید زیادی شده است، به گونه ای که حضرت علی علیه السلامی فرماید: «اول الدین معرفته؛ شناخت خدا سرآغاز دین داری است».(۱) این حدیث شریف، محور بودن معرفت به خداوند و نیز ناممکن بودن دین داری بدون شناخت خدا را بیان می کند.

یکی از اهداف مهم تربیتی امام سجاد علیه السلام در صحیفه سجادیه، تقویت هر چه بیشتر شناخت خداوند است. برای این منظور، امام در دعاهای بسیاری به مسئله «خداشناسی» پرداخته است و با اشاره به موضوع هایی مانند توحید و مراتب آن، ذات خدا و صفات او همچون: خالق، قادر، علام، رحیم، غنی، قوی، منعم، عزیز، حکیم و... به تقویت شناخت ما کمک می کند.

حضرت امام سجاد علیه السلام در نخستین دعا پس از سپاس خداوند، به شناساندن خدا می پردازد:

سپاس و ستایش خدایی را سزاست که دیده های بینندگان از دیدنش ناتوانند و اندیشه های وصف کنندگان از عهده وصفش برنیایند. به قدرت و توانایی خود آفریدگان را آفرید و آنان را به اراده و خواست خویش پدید آورد، بی اینکه از روی

۱- ترجمه و شرح نهج البلاغه شهیدی، ص ۲.

نمونه ای باشد.(۱)

امام در این دعا با اشاره به ذات خداوند و قابل رؤیت نبودن او و نیز با اشاره به صفت خالق بودن خداوند، ما را به شناخت بیشتر او هدایت می کند. همچنین در فرازهای نخستین دعای عرفه،(۲) امام حسین علیه السلام به بیان «خداشناسی» می پردازد و بدین وسیله، بر شناخت ما می افزاید. امام در فرازهایی از دعای عرفه می فرماید:

تویی آن که در کار آفرینش، شریک و انبازی، یاری ات نکرده و در کارت (آفریدن هر چیز) وزیر و معاونی تو را یاری نداده و هم پایه و مانندی برای تو نبوده است.(۳)

تویی آن که وهم ها و اندیشه ها از ادراک کنه و حقیقت ذات تو درمانده اند و فهم ها و دانش ها از درک چگونگی تو ناتوانند و دیده ها در کجا بودنت را درنیافتند.(۴)

ناگفته نماند که شناخت خدا، عنایتی الهی است تا بندگان بتوانند ولیّ نعمت خود را بشناسند و وظایف خود را مانند شکرگزاری و ایمان به او ایفا کنند. امام سجاد علیه السلامدر این زمینه، در نخستین دعا می فرماید:

سپاس خدایی را که خویشتن را (وجود، علم، قدرت و حکمتش را) به ما شناساند و شکرگزاری و سپاس خود را به ما الهام کرد و درهای علم به ربوبیت و

۱- دعای ۱، بند ۲ و ۳.

۲- دعای عرفه از نخستین بند تا بند سی ام.

۳- دعای ۴۷، بند ۱۴.

۴- دعای ۴۷، بند ۱۸.

پروردگاری اش را بر ما گشود و ما را به اخلاص در توحید و یگانگی اش راهنمایی فرمود.(۱)

بنابراین، با توجه به این دعاها و تأکیدی که امام در این زمینه دارد، روشن می شود که یکی از اهداف تربیتی در صحیفه سجادیه، هدایت پیروان به شناخت خدا و تصحیح نظام اعتقادی آنهاست.

ب) دست یابی به ایمان کامل

ب) دست یابی به ایمان کامل

یکی دیگر از اهداف واسطه ای تربیت در مورد رابطه انسان با خدا که در صحیفه سجادیه مطرح می شود، «ایمان» است. ایمان در لغت به معنای تصدیق(۲) است و در متون اسلامی، افزون بر معنای لغوی، به معنای باور قلبی و التزام عملی نیز آمده است. پس ایمان دارای دو رکن اساسی، یعنی التزام قلبی و ظهور عملی است.(۳)

امام سجاد علیه السلام در دعای شریف «مکارم الاخلاق»، پس از صلوات، دعا را با درخواست ایمان کامل آغاز می کند. از این دعا برمی آید که هدف دعا، تنها درخواست بخشش گناه و دریافت اجازه ورود به بهشت نیست، بلکه بخش های فراوانی از آن درخواست، فراهم شدن پایگاه های عمیق علمی و عملی است. در دعای یاد شده، امام سجاد از خدا می خواهد تا او را آگاه، عارف، اهل تشخیص و تحقیق کند تا از تقلید صرف، تحجر و

۱- دعای ۱، بند ۱۰.

۲- لسان العرب، ج ۱، ص ۲۲۴.

۳- قال الصادق علیه السلام: «من عمل بما امر اللّه عزوجل به فهو مؤمن؛ هر کس به آنچه خدای بلندمرتبه امر کرده عمل کند، مؤمن است.» اصول کافی، مؤسسه دار الکتب الاسلامیه، [بی تا]، ج ۲، ص ۳۸.

جمود رهایی یابد.(۱) طلیعه دعا این است:

«اَللهُمَّ... بَلِّغْ بِایمانی اَکْمَلَ الایمانِ، وَ اجْعَلْ یَقینی اَفْضَلَ الیَقینِ، وَ انتَهِ بِنِیَّتی اِلی اَحْسَنِ النِّیّاتِ وَ بِعَمَلِی اِلی اَحْسَنِ الاَعْمال. اَللّهُمَّ وَ فِّرْ بلُطفِکَ نِیَّتی وَ صَحِّحْ بِما عِنْدکَ یَقینی وَاسْتَصلِحْ بِقُدْرَتِکَ ما فَسَدَ مِنیّ.(۲)

بار خدایا! ایمانم (اعتقاد به دل و اقرار به زبان و عمل به اندام که کاشف از آنهاست) را به پایه کامل ترین ایمان برسان و باورم را بهترین یقین ها قرار ده و نیّت مرا به نیکوترین نیّت ها پایان ده و کردارم را به بهترین کردارها برسان.

ایمانی که در آغاز این دعا آمده، ایمان برآمده از علم و عمل است؛ زیرا امام سجاد علیه السلام در این دعا، پس از درخواست ایمان کامل، درخواست های دیگری دارد که مترتب بر این دو است؛ مانند خلوص نیت و چگونگی گفتار و رفتار با مؤمنان و به طور کلی، اخلاق نیکو و پسندیده که تمامیت ایمان هر فرد بسته به انجام آن رفتارها و رعایت آن وظایف مهم است. نقل شده است که مردی به رسول اکرم صلی الله علیه و آله عرض کرد: یا رسول اللّه ، دوست دارم ایمانم کامل شود. حضرت فرمود: «حَسّنِ خُلقَکَ یَکمُلُ ایمانُکَ؛ اخلاق خود را نیکو و پسندیده کن تا ایمانت کامل شود».(۳)

با توجه به این روایت، امام سجاد در دعای مکارم الاخلاق، اخلاق نیکو و پسندیده را یکی از راه های دست یابی به ایمان کامل می داند و با بیان

ص: ۱۴۴

۱- مراحل اخلاق در قرآن، ج ۱۱، ص ۳۴۸.

۲- دعای ۲۰، بند ۱.

۳- محمد محمدی ری شهری، میزان الحکمه، مکتبه الاعلام الاسلامی، ۱۳۷۱، چ ۳، ج ۱، ص ۳۱۲.

فضایل و رذایل اخلاقی، ما را به ایمان کامل راهنمایی می فرماید. صحیفه سجادیه و به ویژه دعای شریف «مکارم الاخلاق»، مجموعه ای است که بیشترین نشانه های ایمان کامل را دربردارد و جویندگان ایمان کامل می توانند از آن الهام بگیرند.

از آنجا که یکی از اهداف تربیتی اسلام، ایمان به خداست، حضرت امام سجاد علیه السلام در دعاهای بسیاری مانند دعای عرفه، با بیان صفات خدا و با تأکید بر ایمان به خدا، روح ایمان را در افراد تقویت می کند. امام سجاد علیه السلامدر این زمینه می فرماید: «اَللّهُمَّ وَ اجْعَلْنی مِنْ اَهْلِ التَّوْحِیدِ وَ الایمانِ بِکَ؛ بار خدایا! مرا از اهل توحید و از گروندگان به خود قرار ده».(۱)

در دعای دیگر، امام سجاد، اخلاص در توحید را از خدا می خواهد و این به جنبه قلبی ایمان اشاره دارد و اینکه ایمان تنها به زبان نیست:

«وَ دَلَّنا عَلَیْهِ مِنَ الِاخلاصِ لَهُ فی تَوْحِیدِهِ؛ و ما را به اخلاص در توحید و یگانگی اش راهنمایی فرمود».(۲)

«وَ سِیلَتی اِلَیْکَ التَّوحِیدُ؛ دست آویزم به سویت، یگانه دانستن تو است».(۳)

آنچه در صحیفه سجادیه به واسطه بودن ایمان دلالت دارد، تعلق ایمان به هدف غایی خلقت؛ یعنی خداست. در واقع، ایمان، و متعلّق آن، هدف است. هر امری که ایمان به آن تعلق می گیرد، همان اصل است و در ایمان

۱- دعای ۴۸، بند ۱۲.

۲- دعای ۱، بند ۱۰.

۳- دعای ۴۹، بند ۳.

به خدا، اوست که غایت است. همچنین واسطه بودن ایمان، به این دلیل است که زمینه عمل صالح به شمار می رود که در کنار هم بودن ایمان و عمل، سرانجام، آدمی را به مقام قرب الهی می رساند. بنابراین، با توجه به دعاهای صحیفه سجادیه، «ایمان» یکی از اهداف واسطه ای تربیت است.

ج) تقوا

ج) تقوا

یکی دیگر از اهداف واسطه ای تربیت که در راستای ارتباط انسان با خدا در صحیفه سجادیه مطرح می شود، «تقوا» است. تقوا از ریشه «وقی» به معنای حفظ، صیانت و نگه داری است. تقوا؛ یعنی خود را نگه داشتن و خودداری کردن از گناهان.

کاربرد واژه تقوا در معنای ترس و خوف، حقیقی نیست، بلکه ترس و وحشت لازمه پاسداشت خود از چیزی یا از پی آمدهای آن است. برای مثال، اگر گفته می شود «اتقوا النار»، معنایش آن است که خود را از گزند آتش و عذاب الهی نگاه دارید و به معنای مجازی؛ یعنی از آتش بترسید. به این معنا، مؤمن همواره باید از سرکشی نفس امارّه و گرایش های سرکش خود بترسد تا زمام عقل و ایمان را از کف ندهد و همواره به مدد الهی اطمینان داشته باشد.

بنابراین، مقصود از هدف واسطه ای بودن تقوا این است که تقوا، مرحله ای از رشد دینی و الهی است که دست یابی به آن در بسیاری از گزاره های دینی مفید دانسته شده است.(۱) ازاین رو، امام سجاد علیه السلام در

۱- اهداف تربیت از دیدگاه اسلام، ص ۴۸.

صحیفه سجادیه، تقوا را مطلوب و مقصود خود دانسته و بارها آن را از خداوند خواسته است:

«وَ اَلْهِمْنی التَّقْوَی؛ و پرهیزکاری را به من الهام فرما».(۱)

«... وَ اَشْعِرْ قَلبی تَقْواک؛ و دلم را از پرهیزکاری خودت مالامال کن».(۲)

«اَللّهُمَّ... زَوِّدنا مِنَ التّقوَی؛ بار خدایا! ما را توشه ای از پرهیزکاری قرار ده».(۳)

یک ـ آثار تقوا

یکی از پی آمدهای مهم تقوا، «جلوگیری از گناه» است. امام در این باره می فرماید:

وَ اجْعَلْنی... مِنَ... المَعْصُومِینَ مِنَ الذُّنوبِ وَ الزَّلَلِ وَ الخَطآءِ بِتَقْواک.(۴)

و مرا از کسای قرار ده که با بازداری و نگه داری تو، از گناهان و لغزش ها و خطا بسته و محفوظ مانده اند.

زَوِّدنا مِنَ التَّقْوَی ضِدَّ غَوایَتِهِ، وَ اسْلُکْ بِنا مِنَ التُّقی خِلافَ سَبیلِهِ مِنَ الرَّدی.(۵)

و ما را برای مقابله در برابر گمراهی او (شیطان) از پرهیزکاری، توشه ده و خلاف راه او که راه تباهی است، ما را به راه پرهیزکاری ببر.

امام سجاد علیه السلام در صحیفه سجادیه، پی آمدهای دیگری برای تقوا برشمرده است. برای مثال، صفاتی را که ایشان برای پرهیزکاران برمی شمارد، جزو آثار تقوا شمرده می شود.

۱- دعای ۲۰، بند ۱۶.

۲- دعای ۲۱، بند ۹.

۳- دعای ۱۷، بند ۵.

۴- دعای ۲۵، بند ۱۰ و ۱۱.

۵- دعای ۱۷، بند ۵.

دو ـ صفات پرهیزکاران

امام سجاد علیه السلام در دعای مکارم الاخلاق، ویژگی های برجسته پرهیزکاران را چنین بیان می فرماید:

و زیور پرهیزکاران را به من بپوشان در: گستردن عدل و داد و فرو نشاندن خشم و خاموش کردن آتش دشمنی و گرد آوردن و الفت دادن پراکندگان و اصلاح فساد بین مردم و فاش کردن خیر و نیکی و پنهان کردن عیب و زشتی و نرم خویی و فروتنی و خوش رفتاری و آرام طبعی و سنگینی و خوش خویی و پیش دستی به کمال اخلاقی و برگزیدن احسان، بی آنکه جزای احسانی باشد و ترک عیب گویی و به غیر مستحق نیکی نکردن و گفتن حق اگرچه سخت باشد و کم شمردن نیکی در گفتار و کردارم، اگرچه بسیار باشد و بسیار شمردن بدی در گفتار و کردارم، اگرچه کم باشد و آنچه را بیان شد، برای من کامل گردان به وسیله هموارگی طاعت و فرمانبری و همیشه بودن با جماعت و واگذاشتن بدعت گذاران.(۱)

د) پرورش روح عبادت

د) پرورش روح عبادت

«عبادت» یکی دیگر از اهداف واسطه ای در صحیفه سجادیه است. البته عبادت به معنای عام، هر آنچه را در ارتباط با خداست، دربرمی گیرد؛ زیرا روح عبادت ـ که گرایش سپاس گزارانه و ستایش گرانه به خداست ـ در تمام مراحل قرب به خدا همانند ایمان، تقوا و شکرگزاری وجود دارد، ولی آنچه به ویژه در قالب این هدف واسطه ای مورد نظر است، معنای خاص

۱- دعای ۲۰، بند ۱۰.

عبادت است که به برقراری نوعی ارتباط مستقیم با خدا گفته می شود. منظور از عبادت، برقراری نوعی ارتباط خاضعانه و ستایش گرانه و سپاس گزارانه است که انسان با خدا برقرار می کند. ازاین رو، تعریف عبادت، مراحل مختلف قرب به خدا را در برنمی گیرد.

مقصود از هدف بودن عبادت، پرورش روحیه بندگی است؛ به گونه ای که انسان همواره نسبت به خدا حالتی فروتنانه و خاشعانه داشته باشد و احاطه او را بر رفتار و نیت هایش بپذیرد. این روحیه، وقتی به دست می آید که عبادت های انسان با توجه قلبی و اخلاص درونی همراه باشد. امام سجاد می فرماید: «لا عِبادَةَ إلاّ بِالتَّفَقُّه؛ هیچ عبادتی جز با فهم و تفقه در آن به دست نمی آید».(۱)

یکی از اهداف تربیتی امام سجاد علیه السلام در صحیفه سجادیه، پرورش رابطه با خدا در قالب عبادت و مناجات خاضعانه و خاشعانه است. برای این منظور، امام در دعاهای بسیاری مانند «دعا به هنگام درخواست بخشش گناهان»، «دعای نماز شب»، «دعا در توبه و بازگشت»، به پرورش این هدف می پردازد.

امام سجاد علیه السلام در فرازهایی از صحیفه در مورد توفیق بندگی می فرماید:

وَ اعْمُرْ لَیلی بِإیقاظِی فِیهِ لِعِبادَتِکَ، وَ تَفَرُّدی بِالتَّهَجُّدِ لَکَ.(۲)

ص: ۱۴۹

۱- بحارالانوار، ج ۷۸، ص ۱۳۸.

۲- دعای ۴۷، بند ۱۲۳.

و شبم را آباد و بابرکت (شایسته) گردان به بیدار کردنم در آن برای بندگی ات و تنها بودنم به شب خیزی برای (مناجات با) تو.

وَ زَیِّنْ لی التّفَرُّدَ بِمُناجاتِکَ بِاللَّیلِ وَ النَّهار.(۱)

و مناجات و راز و نیاز با خودت را در تنهایی و در شب و روز برایم آراسته و خوشایند گردان.

همچنین امام در دعای شانزدهم _ درخواست گذشت از گناهان _ به مناجات با خدا می پردازد و راه نیایش و راز و نیاز کردن و ارتباط با خدا را می آموزد. امام در فرازهایی از این دعا، با اشاره به صفات خداوند، خطاب به خدا چنین راز و نیاز می کند:

وَ اَنْتَ الَّذی عَفْوُهُ اَعْلی مِنْ عِقابِهِ وَ اَنتَ الَّذی تَسْعی رَحْمَتُهُ اَمامَ غَضَبِهِ وَ... .(۲)

و تو آنی که گذشت و آمرزشش از کیفرش برتر است. تو آنی که مهربانی و رحمت او بر غضبش پیشی می گیرد.

قَدْ تَری یا اِلهی فَیْضَ دَمْعِی مِنْ خِیفَتِکَ، وَ وَجِیبَ قَلْبی مِنْ خَشیَتِکَ، وَ انْتِقاضَ جَوارِحِی مِنْ هَیْبَتِکَ.(۳)

ای خدای من! روان شدن اشکم را از ترست و نگرانی دلم را از بیم عظمتت و لرزیدن اندامم را از شکوه و بزرگی ات می بینی.

یک _ آثار تربیتی عبادت

عبادت نیز در کنار دیگر جلوه های ارتباط با خدا، آثار تربیتی مشخصی

۱- دعای ۴۷، بند ۱۱۰.

۲- دعای ۱۶، بند ۷ و ۸.

۳- دعای ۱۶، بند ۱۹.

دارد که مهم ترین آن عبارت است از:

اول ـ پرهیز از خودخواهی

عبادت و بندگی خدا، آثار تربیتی فراوانی دارد، همچون رهایی از «خودخواهی» که کلید دست یابی به ارزش های والای انسانی است. به طور مشخص می توان اثر تربیتی عبادت را به دست آوردن روحیه فروتنی در برابر اوامر الهی دانست. انسانی که با یک سری ذکرها و اعمال، قلب خود را متوجه معبودی توانا کرده است، دست نیاز به سوی او دراز می کند و خود را با قدرت و علم مطلق در ارتباط می بیند. ازاین رو، دیگر به دنبال خودخواهی های نفسانی نمی رود. امام سجاد علیه السلامی فرماید:

وَ قُلْتَ: اُدْعُونی اَسْتَجِبْ لَكُمْ، اِنَّ الَّذینَ یَسْتَكبِرُونَ عَنْ عِبادَتی سَیَدخُلُونَ جَهَنَّمَ داخِرینَ، فَسَمَّیتَ دُعاءَكَ عِبادَةً، وَ تَرْكَهُ اسْتِكْبارًا، وَ تَوَعَّدتَ عَلی تَركِهِ دُخُولَ جَهَنَّمَ داخِرینَ.(۱)

و فرمودی: مرا بخوانید تا برای شما روا سازم. به یقین، کسانی که از بندگی من سرکشی می کنند، زود است که با خواری به دوزخ درآیند. پس دعای خود را بندگی و به جا نیاوردن آن را سرکشی نامیده و بر ترک آن به درآمدن در دوزخ با خواری تهدید کرده و ترسانده ای.

از این دعا برمی آید که اگر انسانی بندگی خدا را به جا نیاورد، این سرپیچی از عبادت خداست و نوعی تکبر ورزیدن به شمار می آید. اثر اخروی این خودبزرگ بینی و غرور، دوری از خدا و سقوط در دوزخی

۱- دعای ۴۵، بند ۱۵.

است که از کردارهای ناشایست خود شخص ساخته شده است.

دوم _ شرافت و عزت نفس

انسانی که خدا را عبادت می کند، خود را در برابر خدا، ضعیف احساس می کند، ولی این احساس کاستی، یک طرف سکه ارتباط خاضعانه با اوست. طرف دیگر آن، عزت، توانایی، افتخار و متانت است. رهایی از سردرگمی، مقاومت در برابر خواسته های شخصی و حفظ خود در برابر ستم و نافرمانی از نشانه های عبادت در حیات انسان است. حضرت امام سجاد علیه السلام در این زمینه می فرماید:

فَإِنَّ الشَّریفَ مَنْ شَرَّفَتهُ طاعَتُک، وَ العَزیزَ مَنْ اَعَزَّتْهُ عِبادَتُک.(۱)

بزرگوار کسی است که فرمانبرداری تو او را شریف گردانیده و عزیز و گرامی کسی است که بندگی ات او را عزیز کرده است.

دو _ آسیب شناسی عبادت

حضرت امام سجاد علیه السلام در صحیفه سجادیه با سفارش به عبادت و برقراری رابطه با خدا، به آسیب شناسی این هدف تربیتی پرداخته است. در نگاه امام، «خودپسندی» یکی از آفت های عبادت است: «وَ عَبِّدْنی لَکَ وَ لا تُفْسِد عِبادَتی بِالْعُجْبِ؛ و مرا برای (بندگی) خود رام ساز و عبادتم را به خودپسندی (از درجه قبول) تباه مگردان».(۲)

یکی دیگر از آفت های عبادت، «کاهلی و سستی» است. امام در این

ص: ۱۵۲

۱- دعای ۳۵، بند ۴.

۲- دعای ۲۰، بند ۳.

زمینه می فرماید: «وَ لا تَبْتَلِیَنِّی بِالْکَسَلِ عَنْ عِبادَتِکَ؛ و مرا به کاهلی و سستی در عبادتت گرفتار مکن».(۱)

ه) شکرگزاری

ه) شکرگزاری

یکی دیگر از اهداف واسطه ای صحیفه سجادیه، «شکرگزاری» و به عبارت دیگر، شاکر بودن است. به فرموده امام سجاد علیه السلام، مقام شکرگزاری به درگاه الهی، مقامی بس والاست که کسی به حقیقت آن نمی رسد، مگر با ترک دنیا و پشت سر نهادن آن و چنین کسانی بسیار کمند.(۲) ایشان می فرماید: «فَاَشکَرُ عِبادِکَ عاجِزٌ عَنْ شُکْرِکَ؛ پس سپاس گزارنده ترین بندگانت از سپاس تو ناتوان است».(۳)

شناخت خداوند از این نظر که مُنعم واقعی انسان است و می تواند این نعمت ها را در دنیا و آخرت بیفزاید یا انسان را از همه نعمت ها محروم و به عذاب و رنج ابدی دچار سازد، حالت های خاص روانی و رفتاری در انسان پدید می آورد. شکر و سپاس، نخستین حالتی است که با توجه به منعم بودن خدا و شناخت او به عنوان ولیّ نعمت در انسان به وجود می آید. حالت شکرگزاری، میلی فطری است که هر انسان، این حال را نسبت به هر منعمی به دلیل احسان وی در خود احساس می کند. این حالت منشأ شکر و

۱- دعای ۲۰، بند ۱۱.
۲- خداوند متعال در این باره می فرماید: «وَ قَلیلٌ مِنْ عِبادِیَ الشَّکُورُ؛ برخی از بندگان من شکرگزارند». سبا: ۱۳
۳- دعای ۳۷، بند ۳.

سپاس بنـده نسبت به منعم می شود و به او احترام می گـذارد. با زبان قـدردانی می کند و همواره می کوشد به گونه ای رفتار کند که متناسب با احسان او باشد. همه اینها مراتب شکر است، ولی منشأ همه آنها احساسی است که در دل وی پدید می آید.

چون منعم اصـلی انسـان، خداونـد است و همه نعمت هـا را از ریز و درشت و پنهـان و آشـکار، بـا واسـطه یـا بی واسـطه، او به مخلوقاتش می دهد، به طور طبیعی، این احساس به خدای متعال باید در دل انسان، به صورت کامل تر وجود داشـته باشد؛ زیرا توجه به این همه نعمت، کافی است که حالت شکرگزاری را در دل و عبادت و خداپرستی را در رفتار وی ظاهر سازد.(۱)

امام سجاد در دعاهای مختلف صحیفه سجادیه از جمله در دعای «ستایش خداوند» و نیز در دعای سی و هفتم که «شکرگزاری از خداونـد» است، با بیان های مختلف به موضوع شـکرگزاری و سـپاس از خداونـد متعال پرداخته است تا بدین وسـیله ما را به این هدف تربیتی هدایت کند.

حضـرت امام سـجاد در این زمینه می فرماید: «یا مَنْ شُکْرُهُ فَوزٌ لِلشّاکِرین؛ ای آن که سپاس گزاری از او، دست یابی و رسیدن به خیر برای سپاس گزاران است».(۲)

یک ــ فرهنگ شکرگزاری

اول ــ شکرگزاری، تفضل الهی

۱- اخلاق در قرآن، ج ۱، ص ۳۸۲.

۲- دعای ۱۱، بند ۱.

یکی از نکته های جالب در فرهنگ شکر گزاری در صحیفه سجادیه، تفضلی بودن شکر است. امام گوشزد می کند اینکه انسان می تواند ولیّ نعمت خود را در قبال این همه نعمت ها که در اختیار وی قرار داده است، شکر گزار باشد، به سبب تفضلی است که خدا به انسان کرده است. امام می فرماید:

اَللّهُمَّ اِنَّ اَحَدا لا یَبْلُغُ مِنْ شُکْرِکَ غایَهً اِلاّ حَصَلَ عَلَیْهِ مِنْ اِحْسانِکَ ما یُلْزِمُهُ شُکْرا.(۱)

بار خدایا! کسی به پایان شکر و سپاس تو نمی رسد، مگر اینکه از احسان و نیکی تو چیزی برای او فراهم می آید که او را به شکری دیگر وادار می گرداند.

وَ اِلْهامِکَ الشُّکْرَ عَلَی الاِحْسانِ وَ الاِنْعام.(۲)

و سپاس گزاری بر نیکی کردن و نعمت دادنت را الهام کردی و در دل انداختی.

تَشْکُرُ مَنْ شَکَرَکَ وَ اَنْتَ اَلْهَمْتَهُ شُکْرَکَ.(۳)

هر که تو را سپاس گزارد، پاداش می دهی، حال آنکه تو سپاس گزاری را به او الهام کرده ای.

ازاین رو، شکر گزاری هر نعمتی امکان پذیر است، جز نعمت هدایت بر شکر خدای تعالی؛ زیرا هدایت شدن به شکر نعمت خدا، نعمت دیگری است که شکر آن بر بنده واجب است. پس شکر نعمت های الهی پایانی

۱- دعای ۳۷، بند ۱.

۲- دعای ۳۲، بند ۲۸.

۳- دعای ۴۵، بند ۶.

ندارد، جز با اقرار به ناتوانی از به جا آوردن شکر خدا.(۱)

دوم ــ فراوانی نعمت به سبب شکر

یکی دیگر از ویژگی های فرهنگ تربیتی شکرگزاری، افزون شدن نعمت است. امام زین العابدین علیه السلامبا اشاره به آیه شریفه قرآن می فرماید:

وَ قُلْتَ: لَئِنْ شَکَرتُمْ لَاَزِیدَنَّکُمْ وِ لَئِنْ کَفَرتُمْ اِنَّ عَذابی لَشدِید.(۲)

و فرمودی: «هر آینه اگر (مرا بر نعمتی که به شما داده ام) سپاس گزارید، شما را فزونی دهم و اگر ناسپاسی کنید، همانا کیفر من سخت است».

این اصل که اساس انگیزشی دارد، پاداشی از سوی خداوند برای انسان حق شناس است. فردی که در انجام امر و نهی های الهی می کوشد و از نعمت ها چنان که خدا می خواهد، بهره می گیرد، همواره از درون منتظر دریافت پاداشی از سوی خداوند است. این پاداش می تواند به صورت مادی یا معنوی باشد. انسان با بهره گیری از نعمت های جدید، شکر آن را به جا می آورد و این امر سبب بارش نعمت های جدیدتری از سوی خداوند می شود.(۳)

سوم ــ قرار گرفتن در موضع آزمایش

یکی دیگر از ویژگی های فرهنگ شکرگزاری، قرار گرفتن در موضع آزمایش است. امام سجاد علیه السلامدر دعایی می فرماید: «وَ نهَانا لِیَبْتَلِیَ

۱- ترجمه و شرح صحیفه سجادیه فیض الاسلام، ص ۲۴۴.

۲- دعای ۴۵، بند ۱۴.

۳- اهداف تربیت از دیدگاه اسلام، ص ۶۵.

شُکْرَنا؛ و نهی کرده تا شکر و سپاس گزاری مان را آزمایش کند».(۱)

با توجه به این دعا، توفیق ترک نواهی الهی یکی دیگر از موارد شکرگزاری به شمار می آید.(۲)

چهارم ــ حق شناسی، مرز تفکیک انسان از حیوان

یکی دیگر از ویژگی های فرهنگ تربیتی شکرگزاری، بقای انسانیت انسان است. امام سجاد علیه السلامـی فرماید:

سپاس خدای را که اگر بندگانش را از شناختن سپاس گزاری خود بر نعمت های پی در پی که به ایشان داده و بخشش های پیوسته که برای آنها تمام گردانیده است، باز می داشت، هر آینه، نعمت هایش را مصرف می کردند و او را سپاس نمی گزاردند و در رزقی که عطا فرموده است، فراخی می یافتند و شکرش به جا نمی آوردند. اگر چنین می بودند (شکر نمی کردند)، از حدود انسانیت به مرز بهیمیت روی می آوردند و چنان بودند که در کتاب استوار خود وصف فرموده است: «ایشان (ناسپاسان) جز مانند چارپایان نیستند، بلکه گمراه ترند».(۳)

انسان هایی که از شکر منعم خویش غافلند و وی را در مقابل این همه نعمت، شکر نمی گزارند، سلامت فطرت خویش را از دست داده اند. زنگارها، آیینه دل آنها را تیره و تاریک کرده است و به آسانی تحت تأثیر نعمت های الهی قرار نمی گیرند.

۱- دعای ۱، بند ۲۱.

۲- امام صادق علیه السلام می فرماید: «شکر النعمه اجتناب المحارم؛ شکر نعمت دوری گزیدن از حرام هاست». بحارالانوار، ج ۷۱، ص ۴۰.

۳- دعای ۱، بند ۸ و ۹.

بنـابراین، اگر فطرت و دل انسـان سـالم باقی مانـده باشـد، توجه به این همه نعمت کافی است که حالت شـکر گزاری را در دل انسان ظاهر سازد.

دو ــ آثار تربیتی شکر

یکی از آثار مهم تربیتی شـکر گزاری، «رسـیدن به مقام رضا» است. انسان شکر گزار با مطیع کردن نفس خود، در پی خشنودی خداست. به بیان دیگر، کسـی که در زند گی اش، شکر گزار خدا باشد، دست از زیاده خواهی برمی دارد و به آنچه خداوند به او عنایت کرده است، بسنده می کند. امام سجاد علیه السلام در دعایی که به هنگام بیماری می خواند، می فرماید:

فَمـا اَدْرِی، یـا اِلهی، اَیُّ الحـالَیْنِ اَحَقُّ بِـالشُّکْرِ لَکَ، وَ اَیُّ الوَقْتَینِ اَوْلی بِالْحمْـدِ لَکَ. اَوَقْتُ الصِّحَّهِ... اَمْ وَقْتُ العِلَّهِ... اَللّهُمَّ فصَـلِّ عَلی مُحَمَّدٍ و آلِهِ، وَ حَبِّبْ اِلَیَّ ما رَضِیتَ لی.(۱)

پس نمی دانم، ای خدای من! کدام یک از این دو حالت (تن درستی و بیماری) به سپاس گزاری تو واجب تر و کدام یک از این دو هنگام، برای ستایش تو سزاوارتر است: هنگام تن درستی یا بیماری؟ بار خـدایا! بر محمد و آل او درود فرست و آنچه را برایم پسندیده ای، محبوب من گردان.

امام سجاد علیه السلام در این دعا، به بالاترین مراحل رضا که رضایت انسان به قضا و قدر الهی است،

اشاره می کند؛ یعنی هر چه خدا انجام می دهد، او بپسندد و به آن خشنود باشد.(۲)

ص: ۱۵۸

۱- دعای ۱۵، بند ۲، ۳، ۴ و ۶ .
۲- مراحل اخلاق در قرآن، ص ۳۰۷.

۲. اهداف تربیتی در رابطه انسان با خود

اشاره

۲. اهداف تربیتی در رابطه انسان با خود

دیگر هدف واسطه ای از سلسله اهداف تربیتی صحیفه سجادیه، در محدوده ارتباط انسان با خود مطرح می شود. انسان با خدایش ارتباط برقرار می کند و از پیمودن مراحل تربیتی حاکم بر این ارتباط، هدف های خاصی دارد. این پیوند، کنش ها و واکنش هایی در پی دارد و اصول خاصی بر مراحل تربیتی یاد شده حاکم است. هدف هایی که در این زمینه در صحیفه سجادیه در پی آن هستیم، اهداف گرایشی است که از دو جنبه گرایش های ویژه انسان و گرایش های مشترک میان انسان و حیوان تشکیل شده است.

اهداف گرایشی

اشاره

اهداف گرایشی

زیر فصل ها

یک ــ گرایش های ویژه انسان

دو ــ گرایش های مشترک میان انسان و حیوان

یک ــ گرایش های ویژه انسان

اشاره

یک ــ گرایش های ویژه انسان

یکی از جنبه های وجودی انسان، جنبه گرایشی است. گرچه گرایش های انسان بسیار زیاد است، ولی محور بحث در اینجا گرایش های فراگیری مانند خداجویی و فضیلت خواهی است که ویژه انسان است، نه غرایزی مانند میل به غذا که در همه موجودات وجود دارد.

مقصود از هدف دانستن این گرایش ها آن نیست که اصل گرایش، هدف و غایت است؛ زیرا گرایش ها از طریق خلقت در

انسـان به ودیعه نهـاده شـده است. منظور از هـدف بودن آنها، پرورش و هـدایت این گرایش ها در جهت موردنظر امام سـجاد علیه السلاماست. به بیان دیگر، آنچه از دعاهای صحیفه، درباره این گرایش ها استنباط می شود، ناظر به جهت دهی کارکرد و نقشی است که این عامل فطری در انسان به عهده دارد. بی گمان، نقش ساختاری

آن، توانـایی انجام فعالیت های مشـخص و پی گیری اموری مشـخص را برای انسان فراهم می کنـد که به طور فطری در انسان وجود دارد. هدف هایی که در این زمینه از صحیفه سجادیه برداشت می شود، ناظر به دو امرند:

۱. احیا و تقویت گرایش ها در وجود آدمی؛

۲. هدایت و جهت دهی صحیح به گرایش ها.

در اینجا، برای ارائه مفهومی فراگیر از این دو معنا، واژه «پرورش» را به کار می بریم که هم تقویت و هم هدایت را دربردارد.

اول ــ پرورش حس خداجویی

اول ــ پرورش حس خداجویی

یکی از اهـداف گرایشـی تربیت در صـحیفه سـجادیه، «پرورش حس خـداجویی» است. گرایش به خدا به عنوان خالق انسان و برطرف کننـده نیازهـا و مشـکلات او در فطرت همـه وجـود دارد و تغییر و تبـدیل نیز در آن ممکن نیست.(۱) امام سـجاد علیه السلامدر دعایی با اشاره به فطرت خداجوی انسان می فرماید:

اِبْتَدَعَ بِقُدرَتِهِ الخَلْقَ اِبْتِداعًا، وَ اخْتَرَعَهُمْ عَلی مَشِیَّتِه اخْتِراعًا، ثُمَّ سَلَکَ بِهِمْ طَریقَ اِرادَتِهِ، وَ بَعَثَهُمْ فی سَبِیلِ مَحَبَّتِهِ.(۲)

به قـدرت و توانایی خود، آفریـده ها را نیکو و زیبا آفرید و آنان را به خواست خویش به وجود آورد، بی آنکه از روی مثال و نمونه ای باشد. سپس آنان را در راه

۱- «فِطْرَتَ اللّهِ الَّتی فَطَرَ النّـاسَ عَلَیْهـا لا ـ تَبْـدیلَ لِخَلْقِ اللّهِ ذلِکَ الـدِّینُ الْقَیِّمُ وَ لکِنَّ أَکْثَرَ النّاسِ لا یَعْلَمُونَ؛ این فطرتی است که خداونـد، انسـان هـا را بر آن آفریـده اسـت. دگرگـونی در آفرینش الهی نیسـت. این است آیین اسـتوار، ولی بیشـتر مردم نمی دانند». روم: ۳۰

۲- دعای ۱، بند ۳ و ۴.

اراده خویشتن روان گردانید و در راه محبت و دوستی خود برانگیخت.

برای پرورش این گرایش، نخست باید به تقویت آن و برطرف کردن موانعی همچون گرایش های پست غرایز حیوانی و گرفتاری های روزانه می پردازیم که انسان را از شناخت خدای متعال باز می دارند. امام سجاد علیه السلامدرباره این دسته از موانع می فرماید:

اَللّهُمَّ اِنیِّ اُصْبِحُ وَ اُمْسِی مُستَقِلاًّ لِعَمَلِی... عَمَلِی اَهْلَکَنی وَ هَوایَ اَرْدانی وَ شَهَواتی حَرَّمَتْنی.(۱)

بار خدایا، من صبح و شام می کنم، در حالی که کردارم را اندک می بینم. کردارم مرا هلاک ساخته و هوای نفس و خواهشم، مرا تباه گردانیده و خواهش های نفسانی ام، مرا بی بهره ساخته است.

اَنا عَبْدُکَ الَّذی... دَعاهُ هَواهُ اِلی ما زَیَّلْتَهُ.(۲)

من آن بنده تو هستم که هوا و خواهش، او را به آن چه جدا ساخته ای و به آنچه ترسانده ای، خواند.

امام در این فرازها، هوای نفس و خواهش ها و رفتارهایی را که از این دو برمی خیزد، به عنوان عوامل بازدارنده انسان از فطرت خداجو و پیمودن مسیر سعادت معرفی می کند.

در مرحله بعد، باید این گرایش هدایت و راهنمایی شود تا به پرستش معبودهای دیگری مانند بت، ماه، ستاره و حتی دل بستگی مفرط به مقام

۱- دعای ۵۲، بند ۷.

۲- دعای ۴۷، بند ۶۸ .

و ثروت کشیده نشود. به همین جهت، خداوند، فطرت خداجویی را در نهاد انسان قرار داده است تا انسان، خودش را به حقیقتی وابسته بداند و خود را به آن حقیقت، نزدیک سازد و آن را تسبیح و تقدیس کند.(۱) از ویژگی های این فطرت آن است که انسان تا آن حقیقت را نیابد، آرام نمی نشیند، مگر آنکه زنگار غفلت بر دلش بنشیند که در این صورت، با مصداق های کاذب نیز گرایش خداجو آرام می شود.

همچنین عامل ناتوانی ذاتی انسان در اداره امورش، مهم ترین عامل راه یابی انسان به سوی خالق خود است. این فقر ذاتی، گویی در ژرفای جان انسان، احساس نیاز به موجود بی نیاز را به وجود آورده است و این احساس باطنی که ناخودآگاه و پنهان است، گرایش و کشش به سوی غنی بالذات را پدید می آورد. توجه به این صفت ذاتی، مهم ترین عامل در راه یابی انسان به سوی آفریدگار خود است. اگر آدمی این فقر را احساس کند، متوجه خدای خویش می گردد و گرایش به خدا، نتیجه آگاهانه شدن همان احساس نیاز و فقر وجودی است. ازاین رو، با تقویت این احساس و تشدید آن، این گرایش نیز نیرومندتر و اثر آن در زندگی بیشتر خواهد شد. ازاین رو، امام سجاد علیه السلامدر دعای های بسیاری با تأکید فراوان بر فقر و نیازمندی انسان به خدا می فرماید:

«اَللّهُمَّ... اَنَا اَفْقَرُ الْفُقَرآءِ اِلَیْکَ؛ بار خدایا، من نیازمندترین نیازمندان به تو هستم».(۲)

ص: ۱۶۲

۱- انسان شناسی، ص ۷۱.

۲- دعای ۱۰، بند ۳.

«وَ زِدْنی اِلَیْکَ فاقَهً وَ فَقْرا؛ و بر فقر و نیازمندی ام به درگاهت بیفزا».(۱)

انحراف انسان، از اشتباه او در یافتن مصداق بی نیاز سرچشمه می گیرد. وقتی او در تشخیص بی نیاز مطلق اشتباه کرد، آنچه که مانند خود فقیر و نیازمند است، به جای مبدأ اصلی برمی گزیند و به سوی آن می گراید. امام سجاد علیه السلامفرماید:

وَ اَهْوَ نُهُمْ عَلَیْکَ مَنْ اَنْتَ تَرْزُقُهُ وَ هُوَ یَعْبُدُ غَیْرَک.(۲)

و خوارترین آنها نزد تو کسی است که تو او را روزی می دهی و او جز تو را می پرستد.

بنابراین، پرورش خداجویی به عنوان یک هدف واسطه ای، احیا و تقویت این گرایش و هدایت آن به سوی متعلّق واقعی آن؛ یعنی خداوند است، به گونه ای که نه تنها در شرایط دشوار، بلکه در شرایط عادی نیز بروز پیدا کند. این امر در صورتی ممکن است که انسان همواره نقصان و فقر وجودی خود و غنا و بی نیازی خداوند را یادآور شود و در تشخیص مصداق بی نیاز مطلق به بیراهه نیفتد.

دوم ـ پرورش حس فضیلت جویی

دوم ـ پرورش حس فضیلت جویی

یکی دیگر از اهداف تربیتی صحیفه سجادیه در زمینه پرورش گرایش های ویژه انسان، «پرورش حس فضیلت جویی» است. مقصود از

۱- دعای ۴۷، بند ۱۱۸.

۲- دعای ۵۲، بند ۲.

فضیلت، همان ارزش اخلاقی تثبیت شده در وجود انسان است.(۱) اصل گرایش به ارزش ها و فضایل اخلاقی، مانند: عدالت، صداقت، امانت داری، وفای به عهد و... امری مسلّم است. اگر فردی از نظر شرایط خارجی در چند وضعیت برابر قرار گیرد، به گونه ای که هر یک از آن وضعیت ها به یک میزان، او را به فضایل یا رذایل اخلاقی بکشاند، در این حالت، هیچ کس به رذایل اخلاقی روی نمی آورد؛ چون در باطن، گرایش ذاتی به پستی ها و رذایل وجود ندارد. همچنین سیر زندگی انسان در طول تاریخ، نشان دهنده ترجیح فضایل بر رذایل است، ولی گاه غبار غفلت بر دل و عقل آدمی می نشیند و در شرایط مبهم و پیچیده زندگی، مصداق فضایل و رذایل برای انسان مشتبه می شوند. در این موارد، انسان به راهنمایانی نیاز پیدا می کند که با روشن کردن چراغ هدایت، او را متوجه حقیقت کنند و به او نشان دهند که فضیلت و رذیلت کدام است و خیر مطلق چیست؟

امام سجاد علیه السلام در مقام یکی از همان راهنمایان، در دعاهای فراوانی به ویژه در دعای مکارم اخلاق، با بیان فضایل و رذایل اخلاقی به پرورش گرایش فضیلت جویی پرداخته است.

امام برای پرورش گرایش فضیلت جویی، در دعای مکارم اخلاق به دو مرحله اشاره می کند:

مرحله نخست _ تقویت گرایش فطری فضیلت جویی با زدودن موانع

۱- اهداف تربیتی از دیدگاه اسلام، ص ۱۲۲.

رشد آن

ایشان در فرازی از دعای مکارم اخلاق، با درخواست فضایل اخلاقی و دوری جستن از موانع آنها، راه تقویت گرایش به فضیلت جویی را می آموزد و می فرماید:

عزیز و گرامی ام دار و به کبر و خودپسندی و خودبینی دچارم مکن و مرا به (بندگی) خودت توفیق ده و عبادتم را به خودپسندی تباه مگردان و خیر و نیکی برای مردم را به دست من روان ساز و آن را به منت نهادن باطل مفرما و خوهای پسندیده را به من ببخش و مرا از به خود نازیدن نگاه دار.(۱)

امام در این فرازها موانع فضایل را برمی شمارد تا شناخت لازم برای تلاش های فردی در جهت تقویت گرایش های مثبت فراهم آید. همچنین ایشان در فرازی دیگر با کمک خواستن از خداوند در رفع موانع و رذایلی که مانع گرایش انسان به فضایل هستند، راه های مبارزه با موانع و تقویت گرایش فضیلت جویی را به ما می آموزد:(۲)

بار خدایا! آنچه را شیطان از آرزو و بدگمانی و رشک در دل من می افکند، به یاد بزرگی ات و اندیشه در توانایی ات و چاره جویی بر دشمنت مبدّل گردان و آنچه را شیطان از سخن زشت یا بیهوده یا دشنام به آبرو یا گواهی نادرست یا غیبت کردن مؤمن غایب یا ناسزا گفتن به حاضر و مانند آنها که بر زبان من می آید، به گفتن سپاس تو و بسیاری ستایش تو و کوشش در بزرگ دانستن تو و شکر نعمت تو و اقرار

۱- دعای ۲۰، بند ۳.

۲- دعای ۲۰، بند ۱۳.

به نیکی تو و شمردن نعمت هایت مبدّل ساز.

بنابراین، نخستین مرحله برای پرورش گرایش فضیلت جویی، هدایت گرایش هایی است که به سرکوبی آن می انجامد؛ زیرا گرایش های پست، گرایش های عالی انسان مانند فضیلت جویی را تحت الشعاع قرار می دهد. به همین دلیل، گسترش دامنه فضایل و تحصیل اخلاق نیکو مورد تأکید حضرت امام سجاد علیه السلاماست.

مرحله دوم ـ کمک به انسان در یافتن مصداق فضایل و رذایل

صرف تقویت و رشد گرایش به فضیلت خواهی، هدف نیست؛ زیرا چه بسیارند انسان هایی که با وجود گرایش های قوی به فضایل اخلاقی، دچار خطا و اشتباه می شوند. در واقع، صرف وجود گرایش قوی به فضیلت خواهی، دلیل بر تشخیص فضایل اخلاقی از رذایل اخلاقی نیست. چه بسیارند انسان هایی که نادانسته، دست به اشتباه می زنند، ولی آن را صحیح و مطابق با ارزش های اخلاقی می پندارند و با اخلاص انجام می دهند. امام سجاد علیه السلام به دلیل ارتباط با وحی و احاطه ای که از این طریق بر انسان و گرایش ها و بینش های او داشت و نیز به دلیل شناخت خیر و صلاح واقعی آدمی، در دعای «مکارم الاخلاق»، ما را به فضایل اخلاقی فرا خوانده است تا در رهنمون شدن به هدف نهایی، یعنی خدای متعال یاری دهد.

امام در این دعا با برشمردن مصداق های فضایل و رذایل، ما را در شناخت آنها یاری می کند و از خطا و اشتباه در یافتن مصداق در امان می دارد. ایشان مصداق های فضایل را این گونه بازگو می کند:

و مرا به زینت صالحان و شایستگان آراسته فرما و زیور پرهیزکاران را به من بپوشان. با گستردن عدل و داد و فرو نشاندن خشم و خاموش کردن آتش دشمنی و گرد آوردن پراکندگان و اصلاح فساد بین مردم و آشکار کردن خیر و نیکی و پنهان کردن عیب و زشتی و نرم خویی و فروتنی و خوش رفتاری و سنگینی و خوش خویی و پیشی گرفتن نیکی و برگزیدن احسان بی آنکه جزای احسانی باشد و سرزنش نکردن و نیکی نکردن به غیرمستحق و حق گویی اگرچه سخت و سنگین باشد و کم شمردن نیکی در گفتار و کردارم اگرچه بسیار باشد.(۱)

همچنین امام در بیان مصداق های رذایل می فرماید:

بار خدایا! به تو پناه می برم از سرکشی حرص و آز و تندی غضب و خشم و تسلط حسد و رشک و سستی صبر و شکیبایی و کمی قناعت و خرسندی به کمی بهره خود و بدخویی و اصرار خواهش نفس و غلبه بر حمیت و حکمرانی نژادپرستی و تعصب.(۲)

بنابراین، پرورش حسّ فضیلت جویی، به عنوان یکی از اهداف تعلیم و تربیت در صحیفه سجادیه به معنی هدایت انسان در شناخت مفهوم و مصداق فضیلت ها و رذیلت ها و تقویت گرایش به فضایل و زدودن موانع فرا روی این گرایش است.

دو ــ گرایش های مشترک میان انسان و حیوان

اشاره

دو ــ گرایش های مشترک میان انسان و حیوان

انسان با داشتن گرایش های گوناگون و کاملاً متعارض، هویت مشخصی دارد، ولی توانایی ها و گرایش های متعارض او سبب از هم پاشیدن

۱- دعای ۲۰، بند ۱۰.

۲- دعای ۸، بند ۱.

شخصیت وی نمی شود. انسان همواره میان دو طیف از گرایش ها در حرکت است. یا به سوی سیطره گرایش های متعالی بر خواسته های دون پایه خود که از جنبه های غیرمتعالی وجودش برمی خیزد، حرکت می کند، یا با نفی جنبه های متعالی ارزش های نهفته وجودش، درصدد پاسخ گویی به گرایش های حیوانی اش برمی آید.

انسان چاره ای جز برآوردن نیازهای مادی خود ندارد، ولی چگونگی برآوردن این نیازها اهمیت دارد. دلیل توجه امام به چگونه ارضا شدن نیازهای فیزیولوژیک، فراهم کردن زمینه های مناسب برای ترقی انسان و به دست آوردن بینش و نگرش الهی و تقرب به خداست.

گرسنگی و تشنگی در انسان با خوردن و آشامیدن از میان می رود، ولی چگونگی گرایش به رفع گرسنگی و تشنگی امری غیر از رفع خود گرسنگی و تشنگی است. آنچه همواره در معرض افراط و تفریط قرار می گیرد، چگونگی گرایش به رفع این دو نیاز است. این نیاز به طورمستقیم، نیازی فیزیولوژیک و جسمانی نیست، بلکه برخاسته از درون آدمی و برآمده از دیدگاه و بینش او نسبت به این دو نیاز است. به بیان دیگر، ما یک نیاز جسمانی داریم که با جذب غذا و آب و... کاملاً برطرف می شود و یک نیاز روانی که همواره ما را به انجام فعالیت هایی برای فراهم کردن نیازهای حیاتی وامی دارد.(1) آنچه همواره ما را به سوی انجام فعالیت هایی برای رفع نیازهای حیاتی می کشاند، این است که نیازهای جسمانی همیشه تکرار

۱- اهداف تربیت از دیدگاه اسلام، ص ۱۵۷.

می شوند. بنابراین، گرایش به رفع این گونه نیازها تا زمانی که انسان زنده است، وجود دارد. آنچه همواره سبب افراط در رفع نیازهای حیاتی شده است، پرداختن به این نوع نیازها بیش از حد لزوم است.

در اینجا به گرایش های مشترک و هدایت آنها از دیدگاه صحیفه سجادیه می پردازیم:

اول _ هدایت میل به خوردن و آشامیدن

اول _ هدایت میل به خوردن و آشامیدن

یکی از گرایش های اصلی انسان، گرایش به لذت است. از این گرایش اصلی، شاخه های فرعی گوناگونی جدا می شود که از یک سو به افعال مختلف انسان و از سوی دیگر، به اعضایی که به وسیله آنها این افعال، انجام می پذیرند و نیز به اشیای گوناگون خارجی که متعلّق افعال نام برده هستند، مربوط می شوند. از جمله افعالی که زمینه ساز این لذت های انشعابی برای انسان هستند، «خوردن و آشامیدن» است.(۱)

در صحیفه سجادیه، به برخی نیازها و گرایش های طبیعی، مانند گرسنگی و برطرف کردن این نیازها تحت ضابطه خاصی توجه شده است و عدول از آن، به منزله خروج از خط سیری است که سرانجام ما را به هدف نهایی می رساند. با بررسی صحیفه سجادیه، این ضابطه را می توان در دو محور خلاصه کرد:

۱. دیدگاه انسان به ارضای میل به خوردن و آشامیدن

از دیدگاه صحیفه سجادیه، بهره مندی از نعمت های الهی برای کافر

۱- اخلاق در قرآن، ج ۲، ص ۲۱۵.

و مسلمان به یکسان مهیاست:

وَ اَهْوَنَهُمْ عَلَیْکَ مَنْ اَنْتَ تَرزُقُهُ وَ هُوَ یَعْبُدُ غَیْرَک.(۱)

و خوارترین آنها نزد تو کسی است که تو او را روزی می دهی و او جز تو را می پرستد.

«رِزقُکَ مَبْسُوطٌ لِمَنْ عَصاکَ...؛ روزی تو برای کسی که نافرمانی ات کرده، گسترده است».(۲)

با این تفاوت که کافران همچون حیوانات به آن نظر می کنند،(۳) ولی انسان مسلمان، نگرشی متفاوت دارد. او خود را در حیطه غرایز زندانی نمی کند و می داند که رزق او از سوی خدا فراهم می شود(۴) و دوری از اعمال نامشروع، او را در تنگنا قرار نمی دهد.

مهم ترین امری که در هدایت و تعدیل گرایش ها مطرح می شود، روی گردانی از خدا و اطمینان نداشتن به او در تقسیم عوامل رفع کننده این گونه نیازهای حیاتی است. تفاوت یک فرد معتقد با فرد غیرمعتقد در همین بینش است. انسان معتقد چون از آرامش الهی برخوردار است، دچار

۱- دعای ۵۲، بند ۲.

۲- دعای ۴۶، بند ۱۶.

۳- دعای ۱، بند ۸ و ۹: «... و توسعوا فی رزقه فلم یشکروه، و لو کانوا کذلک لخرجوا من حدود الانسانیه الی حد البهیمیه فکانوا کما وصف فی محکم کتابه: «إِنْ هُمْ إِلاّـ کَالْأَنْعـامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ سَبیلًا؛ و در روزی که عطا فرموده فراخی می یافتند و شکرش را به جا نمی آوردند و اگر چنین می بودند شکر نمی کردند، از حدود انسانیت به مرز بهیمیت روی می آوردند و چنان بودند که در کتاب استوار خود وصف فرموده: «ایشان (ناسپاسان) جز مانند چار پایان نیستند، بلکه گمراه ترند». (فرقان: ۴۴)

۴- دعای ۳۲، بند ۲۸: «... انک خیر الرازقین؛ زیرا تو بهترین روزی دهندگانی».

وسوسه زیاده خواهی نمی شود و به آنچه خدای تعالی به او داده، راضی و قانع است. امام در این زمینه می فرماید:

و از تو می خواهم برای روزی ام، راهی آسان فراهم کنی. پس سپاس تو را است بر آنکه نعمت های بزرگ را آغاز کردی و سپاس بر نیکی و نعمت دادنت را الهام کردی و در دل انداختی. پس بر محمد و آل او درود فرست و روزی ام را بر من آسان گردان و مرا به اندازه ای که برایم تعیین فرموده ای، قانع و خشنود ساز و به بهره ام در آنچه بهره من گردانیده ای، خشنودم فرما و آنچه از تن و عمرم سپری شده و رفته است، در راه فرمانبرداری ات قرار ده؛ زیرا تو بهترین روزی دهندگانی.(۱)

از سوی دیگر، فردی که خود را در رفع نیازهای حیاتی اش، عامل مطلق می داند، چون به خدا تمسک نمی کند، به طور طبیعی اعمالی انجام می دهد که نتیجه آن، دوری از خدا و فاصله گرفتن از ارزش های انسانی است. بدین ترتیب، این بینش در وی به وجود می آید که تنها هدف زندگی، استفاده هر چه بیشتر از لذت دنیوی است. از همین رو، آزمندانه در پی کسب منافع خود می کوشد و چون دنیا و لذت های آن را وجهه همت خود قرار داده است، برای کسب لذت بیشتر، در استفاده از خوردنی ها و آشامیدنی ها افراط می کند.

۲. شیوه ارضای میل به خوردن و آشامیدن

انسان با روش های گوناگونی می تواند به رفع نیازهای زندگی خود بپردازد، ولی این روش ها جنبه ارزشی ندارند. برای مثال، چگونگی به

۱- دعای ۳۲، بند ۲۸.

دست آوردن محصول و راه های تهیه انواع غذاها از اموری هستند که هیچ رویکرد ارزشی و اخلاقی ندارند. البته این به معنای بی اثر بودن هدف و غایت در روش های به کار گرفته شده نیست؛ زیرا انسان مسلمان درباره این مقوله های حیاتی دیدگاه الهی دارد و با توجه به هدف هایش، برای بهره برداری از طبیعت می کوشد.

از نظر امام سجاد علیه السلام، ویژگی های تعدیل و هدایت فعالیت هایی که به ارضای امیال گرسنگی و تشنگی می انجامد، عبارتند از:

الف) حلال بودن

حلال بودن به معنای رضایت خداوند از مصرف خوردنی ها و آشامیدنی ها و چگونگی به دست آوردن آنهاست. گاهی راه به دست آوردن مواد غذایی نادرست است، ولی خود آن مواد به خودی خود حرام نیست؛ مانند: رعایت نکردن مقررات شرعی در معامله حیوان حلال گوشت. در مواردی نیز صرف نظر از راه به دست آوردن مواد غذایی، خود آن مواد حلال نیست؛ مانند: گوشت خوک که به خودی خود پاک نیست. به هر حال، به دست آوردن خوردنی ها و آشامیدنی هایی که پاک نیستند، نباید جزو برنامه زندگی مسلمانان قرار گیرد. امام زین العابدین علیه السلام با درخواست روزی حلال و ستایش خداوند به خاطر روزی های پاک و حلال، در این زمینه می فرماید:

«... وَ اَجْرِ مِنْ اَسْبابِ الْحَلالِ اَرْزاقِي؛ و روزی های مرا از وسایل حلال روان

ص: ۱۷۲

گردان».(۱)

«وَ الْحَمْدُ للّه الَّذِی... اَجْرَی عَلَیْنا طَیِّباتِ الرِّزْق؛ سپاس خدایی را که روزی های پاکیزه را برای ما روان گردانید».(۲)

«وَ اْلحَمْـدُ للّه ِ الَّذِی... غَذّانا بِطَیِّباتِ الرِّزْق؛ و سپاس خـدایی را که ما را با روزی های پاکیزه (انواع غـذاهای حیوانی و نباتی) پرورش داد».(۳)

حضرت امام سجاد علیه السلام در این دعاها، خداوند را به سبب روزی های پاک و حلالی که به بندگانش داده است، سپاس می گزارد. بنـابراین، از این درخواست امـام برمی آیـد که یکی از ویژگی های مهم برنامه غـذایی مسـلمانان، توجه به حلال و پاک بودن خوردنی ها و آشامیدنی هاست.

ب) شکر گزاری و سرکشی نکردن

احساس بی نیازی پس از برآورده شدن نیازهای زندگی و فراهم شدن روزی فراوان، زمینه ناشکری و سرکشی در برابر خدا را فراهم می آورد. نتیجه این سرکشی آدمی، افتادن به دام لذت جویی است.

امام سجاد علیه السلام می فرماید:

وَ تَوَسَّعُوا فی رِزقِهِ فَلَمْ یَشْـکُرُوهُ، وَ لَو کانوا کـذلکَ لَخَرجُوا مِنْ حُـدُودِ الانْسانِیَّهِ اِلی حَـدَّ البَهِیمِیَّهِ فَکانُوا کَما وُصِفَ فِی مُحْکَمِ کِتابِهِ: اِنْ هُمْ اِلاّ کَاْلاَنْعامِ بَلْ هُمْ اَضَلُّ سِبِیلاً.(۴)

۱- دعای ۳۰، بند ۳؛ دعای ۲۵، بند ۱۱؛ دعای ۱۵، بند ۳.

۲- دعای ۱، بند ۱۷.

۳- دعای ۱، بند ۲۰.

۴- دعای ۱، بند ۸ و ۹.

و در رزق و روزیِ عطا فرموده، فراخی می یافتند و شکرش را به جا نمی آوردند و اگر چنین می بودند (شکر نمی کردند)، از حدود انسانیت به مرز حیوانیت روی می آوردند و چنان بودند که در کتاب استوار خود وصف فرموده است: ایشان (ناسپاسان)، جز مانند چارپایان نیستند، بلکه گمراه ترند.

از دیدگاه صحیفه سجادیه، شکرگزاری و حق شناسی از وظایف انسانی است و بی توجهی به آن نشان دهنده خارج شدن از حدود انسانی و تنزل به عالم حیوانی.

ج) شرکت دادن دیگران در نعمت های الهی

یکی دیگر از ویژگی های ارتزاق اسلامی، ایجاد نوعی پیوند میان افراد توانا و ناتوان است. زمینه های رشد و رفع موانع تکامل با ایجاد زمینه همکاری و برقراری ارتباط متقابل و مفید میان انسان ها فراهم می گردد. هم یاری انسان ها با یکدیگر جنبه های گوناگونی از جمله رفع نیازهای مادی را نیز دربرمی گیرد. حضرت امام سجاد علیه السلام در صحیفه سجادیه با ترسیم نظام هم یاری(۱) نسبت به یکدیگر، با دادن زکات، انفاق(۲) و بخشش در

۱- دعای ۲۷، بند ۱۶: «ایما مسلم خلف غازیا... او اعانه بطائفه من ماله، ... فاجر له مثل اجره؛ هرمسلمانی که جنگ جو یا مرزداری را در کار خانه اش جانشین شود، یا او را با دارایی خود کمک کند، پس او را به مانند آن مسلمان جنگ جو پاداش بده».

۲- دعای ۴۵، بند ۱۳: «و قلت: مثل الذین ینفقون اموالهم فی سبیل اللّه کمثل حبه انبتت سبع سنابل فی کل سنبله مائه حبه، واللّه یضاعف لمن یشا؛ و فرموده ای داستان کسانی که دارایی هایشان را در راه خدا صرف می کنند، مانند داستان دانه ای است که هفت خوشه رویانیده که در هر خوشه صد دانه باشد و خدا برای هر که بخواهد چندین برابر می گرداند».

راه خدا و نیز با نکوهش اسراف و زیاده روی، درصدد رفع فقر از جامعه اسلامی برآمده است. امام در این زمینه می فرماید:

«وَ وَجِّهْ فی اَبْوابِ الْبِرِّ اِنْفاقِی؛ و انفاق و خرج کردنم را در راه های خیر و نیکی بگردان».(۱)

«وَ اَصِبْ بی سَبِیلَ الهِدایَهِ لِلْبِّر فِیما اُنْفِقُ مِنْهُ؛ و مرا به خاطر احسان از آن دارایی که انفاق می کنم، به راه رستگاری برسان».(۲)

وَ وَفِّقْنا فی یَومِنا هذا وَ لَیْلَتِنا هذِهِ وَ فی جَمیعِ اَیّامِنا لاِسْتِعْمالِ الخَیْرِ وَ... مُعاوَنَهِ الضَّعِیفِ... .(۳)

و ما را در این روز و این شب و همه روزهایمان توفیق عطا فرما برای انجام نیکی و کمک کردن به ناتوان.

از این دعاها برمی آید که یکی از ویژگی های ارضای غریزه گرسنگی و تشنگی، اصل شریک کردن دیگران در نعمت های الهی است.

دوم _ هدایت میل جنسی

دوم _ هدایت میل جنسی

میل جنسی یکی دیگر از گرایش های مشترک میان انسان و حیوان است. مسئله مهمی که در زمینه رفع نیاز جنسی به عنوان هدف واسطه ای مورد نظر است، رعایت اعتدال در پاسخ گویی به این نیاز جنسی و انتخاب راه درست و کنترل آن است. امام در دعای سی و نهم (طلب عفو)، پس از

۱- دعای ۳۰، بند ۳.
۲- دعای ۲۰، بند ۲۳.
۳- دعای ۶، بند ۱۸.

صلوات بر محمد و آل او، نخستین چیزی را که از خداوند می خواهد، بازداشتن شهوت و خواهش نفسانی از همه حرام هاست: «... وَ اکْسِرْ شَهْوَتِی عَنْ کُلِّ مَحْرَمٍ؛ و شهوت و خواهشم را از هر حرام و منع شده ای بشکن».(۱)

از آنجا که شهوت، مصداق های زیادی از جمله غریزه جنسی دارد، این فراز و فرازهای دیگر، غریزه جنسی را نیز دربرمی گیرد. امام به این نکته اشاره می کند که غریزه شهوت، هدایت شدنی است، ولی ممکن است به انحراف کشیده شود. بنابراین، انسان باید مواظب این غریزه فطری باشد و با ارضای صحیح، جلوی فساد و فحشا را در جامعه بگیرد. امام سجاد علیه السلام در فرازی دیگر در مورد ارضای درست غریزه جنسی می فرماید:

فَخَلَقَ لَهُمُ اللَّیْلَ لِیَسْکُنُوا فِیهِ... وَ لِیَنالُوا بِه لَذَّهً وَ شَهْوَهً.(۲)

و شب را برای ایشان آفرید تا در آن آرام گیرند و بخوابند تا به وسیله آن خوش بگذرانند.

در ارضای غرایز جنسی، نباید افراط و تفریط صورت گیرد. تفریط در پاسخ گویی به نیاز جنسی و سرکوب آن، نه تنها زهد اخلاقی نیست، بلکه نکوهش نیز شده است.(۳) کنار گذاشتن راه درست رفع نیاز جنسی (ازدواج) به هر دلیل که باشد، آثار فردی و اجتماعی بدی دارد و امکان تکامل معنوی را از انسان سلب می کند. از سوی دیگر، افراط در پاسخ گویی به این گرایش

۱- دعای ۳۹، بند ۱.

۲- دعای ۶، بند ۵.

۳- مرتضی مطهری، اخلاق جنسی، تهران، صدرا، ۱۳۶۸، چ ۴، ص ۵۸.

نیز نتیجه مصیبت باری برای انسان به بار می آورد و نه تنها فحشا و فساد را در جامعه گسترش می دهد، بلکه انسانیت انسان را تباه می کند و مانع رسیدن انسان به مقام های والای انسانی می شود.(۱) امام می فرماید: «وَ هَوایَ اَرْدانِی، وَ شَهَواتِی حَرَّمَتْنِی؛ و هوای نفسم، مرا تباه گردانیده و شهوت ها و پذیرفتن خواهش های نفسم، مرا بی بهره ساخته است».(۲)

غریزه شهوت یکی از سرکش ترین غریزه ها و تندترین غریزه ای است که در وجود انسان نهاده شده و در رتبه پیش از نیروی غضبیه و قوای دیگر است. تا غریزه شهوت در انسان مهار نشود، انسان به آزادمنشی و پرهیزکاری نمی رسد.(۳) ازاین رو، امام در موارد زیادی از سرکشی خواهش نفس، به خدا پناه می برد و می فرماید: «اَللّهُمَّ اِنّی اَعُوذُ بِکَ مِنْ... اِلْحاحِ الشَّهْوَهِ؛ بار خدایا! به تو پناه می برم از اصرار خواهش نفس».(۴)

۳. اهداف تربیتی صحیفه در رابطه انسان با دیگران

اشاره

۳. اهداف تربیتی صحیفه در رابطه انسان با دیگران

فعالیت های انسان افزون بر رفتارهای فردی، روابط او با دیگر انسان ها را نیز شامل می شود که با توجه به تنوع ارتباطات، دیدگاه های خاص تربیتی را می طلبد. این امر، زمانی از دیدگاه سیاسی بررسی می شود، گاهی رنگ

۱- همان، صص ۵۹ _ ۶۸.

۲- دعای ۵۲، بند ۷.

۳- ریاض السالکین، ج ۵، ص ۳۰۴.

۴- دعای ۷.

اجتماعی به خود می گیرد و گاه از نظر اقتصادی به آن نظر می شود. با مطالعه دعاهای صحیفه سجادیه درمی یابیم که نظام تربیتی این کتاب درصدد جهت مند کردن رفتارهای انسان در زمینه های گوناگون است. در ادامه، به اهداف واسطه ای ناظر به هر یک از جنبه های خانوادگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی می پردازیم.

الف) اهداف تربیتی در روابط خانوادگی

الف) اهداف تربیتی در روابط خانوادگی

یک ـ وظایف فرزند نسبت به والدین

خداوند متعال به طور تکوینی، محبت و علاقه به والدین را در انسان قرار داده است. علاقه فرزند به والدین امری اعتباری نیست، بلکه واسطه قرار گرفتن والدین در آفرینش فرزند و نگه داری از او، زمینه علاقه و محبت فرزند را به والدین فراهم می آورد.

یکی از اهداف تربیتی صحیفه در زمینه ارتباط با والدین، آن است که هر چه بیشتر فرزندان را نسبت به وظایفشان همچون اطاعت، احترام، گذشت از والدین و احسان در حق ایشان آشنا سازد و آنان را به انجام آن وظایف تشویق کند. امام سجاد علیه السلام برای این منظور در دعای بیست و چهارم که دعا برای والدین است، به مقام والای پدر و مادر و وظایف فرزندان در قبال آنها اشاره می کند و می فرماید:

بار خدایا! مرا چنان گردان که از ابهت پدر و مادر بترسم؛ مانند ترسیدن از پادشاه ستم کار و با ایشان خوش رفتاری کنم، همچون خوش رفتاری مادر مهربان و فرمانبری و نیکوکاری ام را به آنان در نظرم از لذت خواب خواب آلوده، خوش تر و در دلم از آشامیدن تشنه، گواراتر گردان تا آرزوی آنها را بر آرزوی خود برگزینم و خشنودی

ص: ۱۷۸

ایشان را بر خشنودی خویش جلو اندازم.(۱)

بار خدایا! صدایم را در برابر ایشان پایین تر و سخنم را خوشایند و خویم را نرم ساز و دلم را برای آنها مهربان کن و مرا نسبت به ایشان مهربان و دل سوز گردان.(۲)

یکی دیگر از اهداف تربیتی صحیفه سجادیه در زمینه ارتباط با والدین، «حق شناسی و سپاس گزاری» از تلاش های آنها در پرورش و رشد فرزندان است. همان گونه که کفران نعمت و توجه نکردن به حق منعم، عقوبت ابدی را در پی دارد، روی گردانی از والدین و کوتاهی در حق آنها نیز سبب دوری از مسیر قرب الهی می گردد. یکی از آموزه های تربیتی صحیفه که از آشکارترین مصداق های حق شناسی درباره والدین است، طلب خیر و برکت برای آنها در قالب دعاست. امام سجاد علیه السلامی فرماید:

اَللّهُمَّ اشْكُرْ لَهُما تَرْبِيَتِی، وَ اَثِبْهُما عَلی تَكْرِمَتِی وَ احْفَظْ لَهُما ما حَفِظاهُ مِنّی فی صِغری.(۳)

بار خدایا! آنان را به پرورش من جزا ده و در گرامی داشتنم پاداش ده و برای آنچه در کودکی از من از رنج و زحمت به خود پذیرفته اند، برای آنها پاداش منظور فرما.

امام در فرازهای دهم و یازدهم دعا با اشاره به تلاش های والدین در پرورش و تربیت فرزندان، در حقشان طلب پاداش و آمرزش می کند و می فرماید:

۱- دعای ۲۴، بند ۵.

۲- دعای ۲۴، بند ۶.

۳- دعای ۲۴، بند ۷.

وَ اخْصُص اَبَوَیَّ بِاَفْضَلِ ما خَصَصْتَ بِهِ آباءَ عَبادِکَ الْمُؤمِنِینَ وَ اُمَّهاتِهِم.(۱)

و پدر و مادر مرا به بهترین پاداش که به آن، پدران و مادران بندگان باایمانت را اختصاص داده ای، امتیاز ده.

وَ اغْفِرْلی بِدُعآئِی لَهُما، وَ اغْفِرْلَهُما بِبِرِّهِما بی مَغْفِرَهً حَتْما، وَ ارْضِ عَنْهُما بِشَفاعَتی لَهُما رِضیً عَزْما، وَ بَلِّغْهُما بِالْکِرامَهِ مَواطِنَ السَّلامَهِ.(۲)

و مرا به وسیله دعا برای ایشان و ایشان را به سبب مهربانی شان به من بیامرز؛ آمرزشی پابرجا. و به شفاعت و میانجی گری من برای ایشان از آنها به خشنودی قطعی خشنود شو و آنها را با گرامی داشتن به جایگاه های آسایش برسان.

مسئله حق شناسی از والدین، چنان اهمیتی دارد که در صورت بدرفتاری آنها یا کوتاهی در امر تربیت، مانع از طلب خیر و احسان الهی برای آنها نمی شود. همان گونه که امام سجاد علیه السلاممی فرماید:

بار خدایا! آنچه پدر و مادرم در گفتار با من تعدی کرده و از حد گذشته اند، یا در رفتار با من بی جا رفتار کرده یا حق مرا تباه ساخته اند یا از آنچه واجب است، درباره من کوتاهی کرده اند، به آنان بخشیدم و آن را وسیله احسان برایشان گردانیدم و از تو خواهانم که گرفتاری آن را از ایشان برداری؛ زیرا من درباره خود به ایشان گمان بد نمی برم. آنان را در مهربانی به خویش سهل انگار نمی دانم و از آنچه درباره ام کرده اند، کراهت ندارم و دلگیر نیستم، ای پرودگار من.(۳)

دو ــ وظایف والدین در برابر فرزند

ص: ۱۸۰

۱- دعای ۲۴، بند ۱۲.

۲- دعای ۲۴، بند ۱۴.

۳- دعای ۲۴، بند ۹.

یکی دیگر از اهـداف میـانی تربیت در زمینه رابطه انسـان بـا دیگران، «ارتبـاط والـدین بـا فرزنـدان» است. به طور کلی، مسئله گرایش به فرزند و توجه به نیازهای وجودی او محور تعیین اهداف واسطه ای در چارچوب نظام تربیتی صحیفه سجادیه است. با در نظر گرفتن گرایش قلبی و عشق و محبت والـدین به فرزنـدان و تنظیم این گرایش و جهت منـد کردن آن به سوی هـدف غایی، می توان اهداف میانی را در نظام تربیتی صحیفه تبیین کرد.

بحث از اهـداف تربیتی در قالب توجه به وظایف والـدین در قبال فرزندان، ناظر بر تعیین حقوقی است که باید از سوی والدین رعایت شود. این حقوق عبارتند از:

اول _ محبت

یکی از ارکان مهم تربیت فرزنـد، برقراری ارتباط با او بر اساس محبت است. منظور از محبت در اینجا ایجاد شـرایطی است که در آن محبت واقعی و معقول نثـار فرزنـد گردد و بـدین ترتیب، شـبهه بی تفـاوتی به فرزنـد و سـهل انگاری در تربیت او پیش نیاید.(۱)

امام سـجاد علیه السـلام در دعای بیست و پنجم که مربوط به دعا برای فرزنـدان است، در فرازهای اول تا پنجم دعا، بقا و طول عمر فرزندان، پرورش خردسالان و سـلامتی جسـمی، اخلاقی و دینی آنان را از خدا می خواهد. همچنین خواستار می شود که فرزندانش با داشتن علم و فضل و

۱- باقر شریف قریشی، نظام تربیتی اسلام، انتشارات فجر، ۱۳۶۲، چ ۱، ص ۵۴.

کمال، زینت بخش مجلسش باشند. آن حضرت در فراز دیگری از همین دعا می فرماید: «وَ اَعِنیّ عَلی... بِرِّهِمْ؛ و مرا در نیکی کردن به ایشان یاری فرما».(۱)

مجموع این دعاها بیانگر محبت قلبی و مهر و عاطفه و علاقه والدین است.

دوم ــ تأمین نیازهای فرزند

فرزند، همانند همسر حقوقی دارد که از جمله آنها تأمین نیازهای اولیه مانند خوراک، پوشاک، امنیت و همچنین ایجاد زمینه های پرورش و رشد آنهاست. کوتاهی در برآورده کردن نیازهای اولیه فرزند، مانعی بر سر راه رشد او در مراحل بالاتر است. بنابراین، ایجاد فضای مناسب برای پیشرفت فرزند از نخستین وظایف والدین است.

امام سجاد علیه السلام در دعای بیست و پنجم می فرماید: «اِلهی... اَدْرِرْلی وَ عَلی یَدِی اَرْزاقَهُمْ؛ بار خدایا! روزی هایشان را برای من و به دست من فراوان گردان.»(۲) امام در همین دعا می فرماید: «وَ اَعِنیّ عَلی تَرْبِیَتِهِم؛ و مرا در پرورش ایشان یاری فرما».(۳)

عبارت «تربیتهم» در این دعا، از ماده «ربو» به معنای پرورش و رشد فرزندان است. قرینه ای که بر این مسئله دلالت می کند، کلمه «تأدیبهم» است که در ادامه دعا آمده است و به بُعد تربیتی فرزندان اشاره دارد. در بیشتر

۱- دعای ۲۵، بند ۵.

۲- دعای ۲۵، بند ۲.

۳- دعای ۲۵، بند ۵.

شرح ها و ترجمه ها نیز به همین معنا اشاره شده است.(۱)

همچنین دعای امام برای سلامتی جسمی فرزندان با عبارت «وَ اَصِحّ لی اَبْدانَهُم؛ و بدن ها و تن هاشان را برای من سالم بدار»(۲) می رساند که یکی از دغدغه های آن حضرت، پرورش فرزندان و تأمین نیازهای آنان است که از خداوند متعال چنین درخواستی می کند. بنابراین، تأمین نیازهای اولیه، وظیفه والدین است و چون ایفای این وظیفه سبب رشد فرزند می شود، در نتیجه، وظیفه یاد شده یکی از اهداف واسطه ای به شمار می آید.

سوم ــ تربیت فرزند

یکی دیگر از وظایف مهم والدین که امام سجاد علیه السلام در دعا برای فرزندان تبیین می کند، «تربیت فرزندان» است. رفع نیازهای فرزندان و محبت به آنها، بسیار مهم است و زمینه ساز رشد کودکان و رسیدن آنان به مراحل بالای تربیتی است. بنابراین، می توان گفت مقوله تربیت در حکم هدف و غایت برای دیگر مقوله های مرتبط با تربیت فرزندان است.

امام سجاد علیه السلام در دعای بیست و پنجم، پس از آنکه از خدای متعال برای پرورش فرزندان یاری می خواهد، به تربیت دینی و اخلاقی فرزندان اشاره می کند و می فرماید: «وَ اَصِحَّ لی... اَدْیانَهُمْ وَ اَخلاقَهُم؛ و کیش ها و خوهاشان را برای من سالم بدار».(۳)

ص: ۱۸۳

۱- نک: ترجمه و شرح صحیفه سجادیه فیض الاسلام، ص ۱۷۰.

۲- دعای ۲۵، بند ۲.

۳- دعای ۲۵، بند ۲.

همچنین امـام در فراز دیگری در اهتمام به امر تربیت فرزنـدان و با اشاره به مشـکلات آن از خـدای متعال درخواست یاری می کند و می فرماید: «وَ اَعنیّ عَلی... تَأدیبهم؛ و مرا در تربیت ایشان یاری فرما».(۱)

ب) اهداف تربیتی در روابط اجتماعی

ب) اهداف تربیتی در روابط اجتماعی

چون انسـان به تنهایی نمی توانـد نیازهای خود را رفع کنـد، به برقراری ارتباط با دیگران اقـدام می کنـد. گرایش انسان به رفع نیازهایش از یک سو و گرایش به کمال از سوی دیگر، دو انگیزه نیرومند و قوی است که وی را به برقراری ارتباط در سـطوح مختلف اجتماعی برمی انگیزد. بنابراین، برای بررسی اهداف ارتباطی انسان در چارچوب صحیفه، باید به نیازهای اصولی توجه کنیم تا به کمال که خاستگاه این گونه ارتباطات است، برسیم.

بحث از اهـداف تربیتی در زمینه ارتبـاط یـک فرد مؤمن بـا دیگر هم مسـلکانش، نـاظر به ایجاد و پرورش روحیه برادری و هم یـاری میان افراد در راسـتای هـدف غایی یعنی خداونـد متعال است. امام سـجاد علیه السـلام برای تثبیت برادری و هم یاری در جامعه به دو عامل اساسی اشاره می کند:

یک ـ فراهم کردن زمینه ایجاد برادری

ایجـاد زمینـه منـاسب برای دست یـابی به برادری دینی و هم دلی در سـایه شـریعت وقـتی حاصـل می شـود که افراد جـامعه به وظایف شـرعی خود پای بند باشـند. امام سـجاد علیه السـلام در دعای بیست و شـشم که دعا برای همسایگان است، با اشاره به این عامل مهم می فرماید:

۱- دعای ۲۵، بند ۵.

وَ وَفِّقْهُم لِاقامَهِ سُنَّتِکَ، وَ الاَخْذِ بِمَحاسنِ اَدَبِکَ.(۱)

و آنـان را توفیـق ده برای برپـا داشـتن طریقه و روش (حفـظ احکـام) و فرا گرفتن اخلاـق نیـک خود (که بنـدگان را به آن امر فرموده ای).

وقتی این دعا را در کنار دعاهای بعدی ــ که روش رفتار با همسایگان را بر اساس برادری و هم دلی بیان می کند ــ بگذاریم، درمی یابیم که آنچه در اسلام عامل برادری و نزدیکی مسلمانان به یکـدیگر و ایجاد ارتباط میان آنها می شود، پای بنـدی به دین و توجه به خدا و عمل به امر و نهی های اوست.(۲)

دو ــ عمل به وظایف و مسئولیت ها در قبال یکدیگر

منظـور، رفتارهـایی است کـه در اسـتحکام هرچـه بیشـتر پیونـد برادری مؤثرنـد. امـام زیـن العابـدین علیه السـلام در دعـا برای همسایگان، مواردی را که در حفظ برادری و رشد آن مؤثرند، چنین برمی شمارد:

و آنـان را توفیـق ده در فراگرفتـن زیبـایی هـای فرهنـگ خـودت در مهرورزی و کمـک به ناتوانانشـان و بسـتن شـکاف فقر و نیازمنـدی شان و رفتن نزد بیمارشان و راهنمایی کردن راه جو و انـدرز دادن مشورت کننـده شان و دیـدار از سـفرآمده شان و پنهـان کردن رازهاشـان و پوشانـدن عیب هاشـان و یاری کردن سـتم دیـده شان و خوب کمک کردنشان در ابزار خانه و سود رساندنشان به بخشش فراوان و دادن آنچه ایشان

۱- دعای ۲۶، بند ۳.

۲- مرتضی مطهری، انسان در قرآن، تهران، صدرا، ۱۳۶۹، ص ۷۰. «فَإِنْ تابُوا وَ أَقامُوا الصَّلاهَ وَ آتَوُا الزَّکاهَ فَإِخْوانُکُمْ فِی الدِّینِ وَ نُفَصِّلُ اْلآیاتِ لِقَوْمٍ یَعْلَمُونَ؛ پس اگر توبه کننـد و نماز بر پا دارند و زکات دهند، در این صورت، برادران دینی شـمایند و ما آیات خود را برای گروهی که می دانند، به تفصیل بیان می کنیم». (توبه: ۱۱)

را واجب و لازم است پیش از درخواست.(۱)

بـار خـدایا! مرا بر آن دار که بـدکردارشان را به نیکی پاداش دهم و از سـتم کارشان به عفو و بخشـش درگـذرم و درباره همه ایشان خوش گمان باشم و با نیکویی، همه آنها را سرپرستی کنم و با پاک دامنی، چشمم را از آنان بپوشانم و با فروتنی با آنها نرم باشم و با مهربانی بر گرفتارانشان رقت ورزم و دل جویی کنم و در پنهانی و پشت سـر، دوستی (خود) را برای آنان آشکار سازم و با پاک دامنی، نعمت همیشـگی را نزد ایشان دوست بدارم و آنچه برای خویشان خود واجب می دانم، درباره ایشان نیز لازم بدانم و آنچه برای نزدیکان رعایت داشته ام، برای ایشان نیز رعایت کنم.(۲)

ج) اهداف تربیتی در روابط سیاسی

ج) اهداف تربیتی در روابط سیاسی

یکی دیگر از اهـداف واسـطه ای در صـحیفه سـجادیه در زمینه ارتبـاط انسـان با دیگران، جهت دهی سیاسـی است.(۳) روابط انسـان در هر قـالبی و هر جهتی که باشـد، قوانین اخلاقی صـحیح یا غیرصـحیح بر آن حاکم است. مناسـبات سیاسـی نیز از این حکم کلی مستثنا نیست. بنابراین، انسان برای آنکه در فضای اجتماعی و سیاسی مناسبی گام بردارد و به مقام قرب الهی برسد، باید در پرتو قانون الهی باشد و از قوانین اخلاقی صحیح پیروی کند.

مهم ترین هـدف از روابط سیاسـی، دست یابی به قـدرت است. قـدرت به عنوان ابزاری برای رسـیدن به اهداف، نخستین نشانه یک حرکت سیاسی

۱- دعای ۲۶، بند ۲.

۲- دعای ۲۶، بند ۳.

۳- مقصود ما از هدف تربیتی در این مقوله، همان روح تربیتی حاکم بر ارتباطات سیاسـی در جهان اسلام است؛ نه بیان احکام سیاسی از نظر اسلام.

است. با ابزار قـدرت می توان به اهـداف سیاسـی خود در جامعه به طور کامل یا نسبی دست یافت، ولی بدون قدرت و عوامل ایجادکننده آن، حکومت در جامعه امکان نخواهد داشت. ازاین رو، امام سـجاد علیه السلام در فرصت های بسیاری درصدد به دست گرفتن قدرت برای اعمال ولایت و رهبری جامعه اسلامی بود تا جامعه را به سعادت برساند و در این راستا از هر فرصتی اسـتفاده می کرد. برای نمونه، امـام در دعـای «روز اضـحی و روز جمعه» بـا هشـدار و آگـاهی دادن مردم، به مسـئله خلافت و قدرت سیاسی اشاره می کند و با بیان انحراف های جامعه و تحریف دین و نیز متروک ماندن قرآن و سنت پیامبر می فرماید:

بار خدایا! این جایگاه (نماز عید و جمعه به جا آوردن یا مقام امامت و خلافت) برای جانشـینان و برگزیدگان تو است. جایگاه هـای درسـت کـاران تـو را در درجـه بلنـدی که ایشـان را به آن اختصـاص و برتری داده ای، ربودنـد، تـا اینکه (بر اثر غصـب خلافت) برگزیدگان و جانشینان تو شکست خوردند و حقشان از دست رفت. حکم تو را تبدیل گشته و کتاب تو را دور افتاده و واجبات را از مقاصد راه های روشن تو تغییریافته و روش های پیغمبرت را ترک شده می بینند.(۱)

یکی از اهداف مهم تربیتی امام از دست یابی به قدرت سیاسـی که از دعای بالا برمی آید، احیای دین و اجرای احکام اسلامی و هـدایت مردم در جهت رسـیدن به سـعادت و قرب الهی است. همچنین امـام از به دست گرفتن قـدرت و اعمال آن، اهـداف دیگری مانند احیای امر به معروف و نهی

۱- دعای ۴۸، بند ۹.

از منکر و تحکیم برادری دارد که هر یک از آنها آثار تربیتی فراوانی در پی می آورد.

یک _ امر به معروف و نهی از منکر

مهم ترین هدف حکومت اسلامی در جامعه، فراهم کردن زمینه لازم برای احیای معروف و جلوگیری از منکر است. بنابراین، ایجاد فضای سالم و به دور از زشتی و پلیدی، هدف مهم حکومت اسلامی به شمار می آید.(۱) امام سجاد علیه السلام در این زمینه می فرماید:

بار خدایا! بر محمد و آل او درود فرست و ما را در این روز و این شب و همه روزهامان توفیق عطا فرما برای انجام امر به معروف و نهی از منکر و حفظ و نگه داری اسلام و نکوهش باطل و نادرستی و خوار شمردن آن و یاری حق و گرامی داشتن آن.(۲)

همان گونه که گفته شد، هدف اصلی از دست یابی به قدرت سیاسی، احیای دین و اجرای احکام الهی و هدایت و ارشاد مردم است. اینکه امام در فراز بالاـ از خداوند توفیق امر به معروف و نهی از منکر می خواهد با توجه به اثر آن در جامعه (ایجاد فضای پاک از زشتی ها و پلیدی ها و زمینه سازی برای اجرای احکام الهی) معلوم می شود که امر به معروف و نهی از منکر، یکی از اهداف به دست گرفتن قدرت سیاسی است.

دو _ تحکیم اخوت

۱- مرتضی مطهری، آشنایی با علوم اسلامی، صدرا، ۱۳۶۸، ج ۳، ص ۱۱۷.
۲- دعای ۶، بند ۱۸.

یکی دیگر از اهـداف تربیتی امام از دست یابی به قدرت، گسترش نشانه های برادری و توسـعه روابط عاطفی میان افراد جامعه و حـل مشـکلات مردم، به ویژه ضـعیفان و ایجاد زمینه رشـد برای همگان است. امام در زمینه تحکیم روحیه برادری و یاری به یکدیگر می فرماید:

بار خدایا! هر مسلمانی که جنگ جو یا مرزداری را در کار خانه اش جانشین شود، یا در نبودنش خانواده او را نگه داری کند، یـا او را به برخی از دارایی خود یـاری دهـد، یـا او را به اسـباب جنگ یاری کنـد، یا او را به جهاد وادارد، یا او را در راهی که پیش گرفته است، به دعا همراه باشد، یا در پشت سـر او آبرویش را حفظ کند، پس او را سنگ به سنگ و مانند به مانند، برابر پاداش آن مسلمان جنگ جو و مرزدار پاداش ده.(۱)

همچنین امام در زمینه کمک به ضعیفان و ستم دیدگان می فرماید:

وَ وَفِّقنا... لاسْتِعمالِ... اِرْشادِ الضّالِّ وَ مُعاوَنِهِ الضَّعیفِ وَ اِدْراکِ اللَّهیفِ.(۲)

و برای راهنمایی گمراه و کمک ناتوان و رسیدن به فریاد ستم دیده، توفیق عطا فرما.

د) اهداف تربیتی در روابط اقتصادی

د) اهداف تربیتی در روابط اقتصادی

بـا بررسـی صـحیفه سـجادیه، به دعاهـای زیادی برمی خوریم که در آنها برخی مسائل اقتصادی بیان شـده است، ماننـد: دعا به هنگـام درخواست حـاجت ها؛ دعا به هنگامی که روزی بر امام تنگ می شـد؛ دعا برای کمک گرفتن برای پرداخت دین؛ دعا برای طلب باران؛ رازق بودن خداوند؛

۱- دعای ۲۷، بند ۱۶.

۲- دعای ۶، بند ۱۸.

اسراف؛ فقر؛ دین؛ قحطی؛ زکات و قیمت کالاها.(۱)

از آنجا که اقتصاد، تعامل فعالیت روزانه انسان هاست، موضوع مناسبی برای اجرای اهداف تربیتی و آموزه های اخلاقی به شمار می رود. از دیدگاه صحیفه سجادیه، نظام اقتصادی مناسب، نظامی نیست که تنها درصدد رفع نیازهای بشر باشد و با فراهم شدن آنها، کار خود را تمام شده انگارد، بلکه رفع نیازها در جهت بندگی و عبادت خداست. امام سجاد در این باره می فرماید:

بار خدایا! بر محمد و آل او درود فرست و مرا از رنج کسب و پی روزی دویدن راحتم کن و روزی فراوان و بی گمان و بی رنج برای من برسان تا از بندگی تو برای به دست آوردن روزی باز نمانم و سنگینی پی آمدهای کسب (نامشروع) را به دوش نکشم.(۲)

همچنین در نظام اقتصادی صحیفه، تحقق عدالت اجتماعی و تأمین رفاه برای همه مورد نظر است. اینکه حضرت در برخی دعاهای صحیفه سجادیه، به انفاق و صدقه و پرهیز از اسراف و تبذیر سفارش می کند، هدفی جز گسترش رفاه و عمومی کردن آن برای همه مردم ندارد.(۳)

امام سجاد علیه السلام می فرماید:

بار خدایا! بر محمد و آل او درود فرست و مرا از اسراف و زیاده روی (در صرف مال) باز دار و به بخشیدن و میانه روی (در زندگی) مستقیم ساز و روش نیکو در

۱- نزدیک به ۱۱۸ فراز از دعاهای صحیفه، به گونه ای به مسائل اقتصادی مربوط می شود.

۲- دعای ۲۰، بند ۲۴.

۳- دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، مبانی اقتصاد اسلامی، سازمان سمت، ۱۳۷۱، چ ۱، ج ۱، ص ۱۹۷.

زنـدگی را به من بیاموز و مرا به لطف خود از بی جا خرج کردن باز دار و روزی های مرا از وسایل حلال روان گردان و انفاق و خرج کردنم را در راه های خیر و نیکی بگردان.(۱)

بار خـدایا! بر محمد و آل او درود فرست و مرا از زیاده روی (در زندگی) باز دار و روزی ام را از تباه شدن نگاه دار و دارایی ام را به برکت افزون گردان و مرا به نیکویی آنچه از آن دارایی انفاق می کنم، به راه رستگاری برسان.(۲)

بنـابراین، اصل کلی در نظام اقتصادی صـحیفه سـجادیه، رسـیدن به عـدالت اجتماعی و رفاه عمومی به منظور بنـدگی خـداوند است و هدف های تربیتی مطرح شده در صحیفه با توجه به آن، بررسی می شود.

۱- دعای ۳۰، بند ۳.

۲- دعای ۲۰، بند ۲۳.

بخش ششم: همراه با برنامه سازان

۱. نقش رسانه در ترویج معارف صحیفه سجادیه

۱. نقش رسانه در ترویج معارف صحیفه سجادیه

امروزه، رسانه های گروهی فراوانی مانند: نشریه، روزنامه، مجله، رادیو، تلویزیون، ماهواره و اینترنت در جهان وجود دارد که پیدایش این وسایل ارتباط جمعی بر اساس نیازهای انسان بوده است. هر یک از این رسانه ها، کارکرد ویژه ای دارند و همین کارکردهای گوناگون، سبب گوناگونی رسانه ها و جای گزین نشدن یکی به جای دیگری شده است.

در این میان، گاه از تلویزیون به عنوان «پرقدرت ترین» رسانه نام می برند؛(۱) زیرا نقش بسیار مهمی در ارتقای سطح فرهنگ، دانش و بینش جامعه دارد. همچنین دامنه اثرگذاری آن بسیار گسترده است و برنامه های گوناگون برای دوره های سنی مختلف (کودکان، نوجوانان، جوانان و بزرگ سالان) پخش می کند. بنابراین، با توجه به نقش بسیار مهم رسانه های عمومی به ویژه تلویزیون و با توجه به یافته های این پژوهش، پیشنهادهایی کاربردی در برنامه سازی ارائه می شود.

ص: ۱۹۲

۱- شهلا اعزازی، خانواده و تلویزیون، تهران، نشر مرندیز، ۱۳۷۳، چ ۱، ص ۲۳.

۲. پیشنهادهای برنامه ای

اشاره

۲. پیشنهادهای برنامه ای

صحیفه سجادیه، تنها یک کتاب دعا و مناجات نیست، بلکه دربردارنده پیام ها و شیوه های تربیتی است. ازاین رو، ضروری است گروه های علمی و پژوهشی مرکب از کارشناسان علوم رسانه، مدیران و برنامه سازان رسانه ملی و کارشناسان دینی، مسائل تربیتی را در صحیفه سجادیه بررسی کنند و مباحث آن را به صورت پژوهش های برنامه ای درآورند.

اکنون به برخی شیوه های عملی و کاربردی طرح این مسئله در رسانه اشاره می شود:

الف) تشکیل میزگردهای علمی و تخصصی

الف) تشکیل میزگردهای علمی و تخصصی

یکی از شیوه های مهم استفاده از مباحث تربیتی و اخلاقی صحیفه سجادیه در رادیو و تلویزیون، برگزاری نشست های علمی و پژوهشی با حضور کارشناسان این علوم است تا با بررسی مسائل اخلاقی و تربیتی این کتاب نورانی، ظرافت های آن و نیز روش های به کارگیری آنها را در زندگی روزانه تبیین کنند.

این نشست ها را می توان در سطوح مختلف برنامه ریزی کرد تا همگان را به کار آید. برای برنامه های ترکیبی و تعیین محورهای گفت وگو و پرسش به پرسش های مردمی و کارشناسی در این نوشتار مراجعه کنید.

ب) استفاده از ادعیه و مناجات صحیفه سجادیه در رسانه

ب) استفاده از ادعیه و مناجات صحیفه سجادیه در رسانه

بهره گیری از دعاهای صحیفه سجادیه در داستان ها و گفت وگوی شخصیت های داستان و پخش دعاها و مناجات صحیفه سجادیه با صدا و

ص: ۱۹۳

لحن مناسب، همراه با ترجمه آنها در قالب های گوناگون (مانند نماآهنگ) و در برنامه های گوناگون، (مانند کودک و نوجوان، خانواده و...) در نهادینه کردن فرهنگ گرایش به دعا نقش بسزایی دارد. برای مثال، آموزه های والای دعاهای صحیفه سجادیه مانند: دعای عید قربان، دعای عرفه، دعای استقبال از ماه رمضان، دعای وداع ماه رمضان و دعای مرزداران در سازندگی و اصلاح جامعه بسیار اثرگذار است.

ج) بازتاب دادن فرازهای تربیتی دعاهای امام سجاد علیه السلامدر رسانه

ج) بازتاب دادن فرازهای تربیتی دعاهای امام سجاد علیه السلامدر رسانه

برنامه ریزان و برنامه سازان رسانه برای انتقال فرازهای تربیتی امام سجاد علیه السلام می توانند راهکارهای زیر را در پیش گیرند:

الف) استفاده از فرازهای تربیتی صحیفه سجادیه به عنوان ماجراهای فرعی داستان؛

ب) پخش فرازهای تربیتی دعاهای صحیفه سجادیه که مرتبط با فیلم ها و سریال های خانوادگی است، پیش و پس از نمایش فیلم ها و سریال های خانوادگی.

برای عملی شدن این پیشنهاد، لازم است مدیران ارشد رسانه چند ماه زودتر از زمان پخش فیلم و سریال ها، فهرست آنها را به تفکیک موضوع های خانوادگی، برای مراکز پژوهشی رسانه بفرستند تا پژوهشگران رسانه، فرازهای تربیتی مرتبط با آن فیلم و سریال را آماده کنند.

د) تولید برنامه های آموزشی برای کودکان و نوجوانان

د) تولید برنامه های آموزشی برای کودکان و نوجوانان

به منظور آشنایی نسل کودک و نوجوان کشور با نظام تربیتی صحیفه

سجادیه، ضرورت دارد برنامه سازان رسانه، برنامه های آموزشی ساده تهیه کنند. با بهره گیری از زبان داستان، در این زمینه، شایسته است با توجه به محورهای زیر از فرازهای مختلف صحیفه استفاده شود:

الف) ترویج احترام به والدین و اعضای خانواده؛

ب) مراعات حقوق و احترام معلمان و بزرگ سالان؛

ج) تبیین کیفیت برخورد با هم سالان و دوستان؛

د) ترویج فضایل اخلاقی (راست گویی، ایثار، شجاعت، حمایت از محرومان و...)؛

ه) ترویج روحیه احترام به خدمت گزاران جامعه؛

و) تقبیح اختلاط دختر و پسر و معرفی الگوی مناسب رفتاری برای آنان؛

ز) زمینه سازی برای شکوفایی خلاقیت ها و توان مندی های کودکان و نوجوانان؛

ح) ترسیم آینده روشن، امیدآفرینی، مثبت نگری و خودباوری در سایه توجه و توکل به خدا به وسیله دعا.

ه) الگوآفرینی

اشاره

ه) الگوآفرینی

یکی از اصول اساسی هدایت و تربیت انسان ها، معرفی الگوی کامل است. انسان برای پیمودن راه های کمال، به الگوهایی نیاز دارد تا با سرمشق قرار دادن آنها از کج روی و دور شدن از هدف اصلی در امان باشد. قرآن کریم نیز در راستای هدایتگری خود، الگوهایی می آفریند که کامل ترین آنها

ص: ۱۹۵

پیامبر گرامی اسلام، حضرت محمد صلی الله علیه و آله است.

در این مبحث، هدف از الگوآفرینی، نشان دادن شیوه های تربیتی امام سجاد علیه السلاماست. این بحث، نه تنها از نظر علمی می تواند مفید باشد، بلکه از جهت کاربردی، تمسک به شیوه امام به عنوان الگویی کامل، در تربیت انسان ها مؤثر خواهد بود. در مکتب تشیع، سیره و روش تربیتی ائمه علیهم السلام، بهترین و کامل ترین روش هاست؛ چون این بزرگواران از یک سو، به منبع وحی متصلند و از هرگونه انحراف و اشتباهی به دورند و از سوی دیگر، در مقام عمل نیز شایستگی خود را نشان داده اند. ره یافتگان و تربیت شدگان این مکتب، انسان هایی هستند که به برکت راهنمایی های امامان معصوم علیهم السلامبه مقام های بلندی دست یافته اند.

در ادامه، با اشاره به برخی فرازهای اخلاقی و تربیتی صحیفه سجادیه، به معرفی الگوهای عملی متناسب از زندگی حضرت امام سجاد علیه السلاممی پردازیم تا تهیه کنندگان رسانه بتوانند جنبه های اخلاقی صحیفه سجادیه را به عنوان گفتار مجری و زیرنویس یا در قالب انیمیشن و فیلم کوتاه داستانی عرضه کنند.

یک ـ الگوی فروتنی

یک ـ الگوی فروتنی

«فروتنی» یکی از مفاهیم اخلاقی و تربیتی در صحیفه سجادیه است. امام سجاد علیه السلامدر این زمینه می فرماید:

«وَ اَلْبِسْنِی زِینَهَ الْمُتَّقِین فی... خَفْضِ الْجَناحِ؛ و زیور پرهیزکاران را به من بپوشان با

ص: ۱۹۶

فروتنی».(۱)

«وَ اجْعَلْنی اللّهُمَّ... اُلِینُ جانِبی لَهُم تَواضُعا؛ و بار خدایا! مرا بر آن دار که با فروتنی، با آنها (همسایگان) نرم باشم».(۲)

فروتنی حضرت امام سجاد علیه السلامدر مراحل مختلف زندگی آن حضرت جلوه گر شده است. برای نمونه، درباره حضرت نقل شده است که وقتی به زیارت خانه خدا می رفت، با کاروانی هم سفر می شد که افراد کاروان، او را نشناسند و با آنها شرط می کرد از خدمت کاران آن کاروان باشد تا برای رفع نیاز کاروانیان تلاش کند. در یکی از مسافرت ها، یکی از کاروانیان، آن حضرت را شناخت و به دیگران گفت: این آقا، سرور ما، علی بن الحسین علیه السلاماست. افراد کاروان تا آن حضرت را شناختند، پروانه وار به گِردش جمع شدند و دست و پای او را بوسیدند و با عرض ارادت و عذرخواهی گفتند: ای پسر رسول خدا، ممکن است خدای ناکرده، آزاری از ما به شما برسد و ما اهل دوزخ گردیم و به هلاکت برسیم؛ چرا خود را به ما معرفی نکردی؟ امام در پاسخ فرمود: من یک بار با کاروانی آشنا سفر کردم. کاروانیان آن گونه که باید به رسول خدا احترام کنند، به من احترام می کردند. من دوست نداشتم آنچنان با من رفتار شود. ازاین رو، می خواهم کسی مرا نشناسد.(۳)

ص: ۱۹۷

۱- دعای ۲۰.

۲- دعای ۲۶.

۳- اعیان الشیعه، ج ۱، ص ۶۳۵ ، برگرفته از: کتاب داستان های شنیدنی از چهارده معصوم علیهم السلام.

دو _ الگوی انفاق

دو _ الگوی انفاق

از مفاهیم اخلاقی دیگر که در صحیفه سجادیه بر آن تأکید شده، «انفاق» است. امام سجاد علیه السلامدر این زمینه می فرماید:

«وَ اَصِبْ بی سَبیلَ الْهِدایَه لِلْبِرِّ فیما اُنْفِقُ مِنْهُ؛ و مرا به نیکویی آنچه از آن دارایی می کنم، به راه رستگاری برسان».(۱)

«و وَجِّهْ فی اَبْوابِ الْبِرِّ اِنفاقِی؛ و انفاق و خرج کردنم را در راه های خیر و نیکی قرار ده».(۲) با تأمل در فضایل اخلاقی امام سجاد علیه السلام، ویژگی «انفاق» آن حضرت نمایان می شود. برای نمونه، نقل شده است که شبانه و به طور ناشناس، انبان آرد و نان و گندم به دوش می گرفت و به خانه فقیران مدینه می برد. معاش عده ای از مستمندان مدینه این گونه تأمین می شد، ولی نمی دانستند زندگی آنها از کجا تأمین می شود؛ زیرا در شب تاریک، فرد ناشناسی غذای آنها را می رساند. هنگامی که امام از دنیا رفت، فقیران مدینه هر چه در انتظار آن شخص ناشناس نشستند، نیامد. ازاین رو، دانستند که او امام سجاد علیه السلامبوده است.

زهری (یکی از سرشناسان آن عصر) می گوید: در یک شب تاریک و سرد و بارانی، امام سجاد علیه السلامرا دیدم که انبانی بر پشت گرفته است و حرکت می کند. گفتم: ای پسر رسول خدا! این باری که به دوش گرفته ای، چیست؟ فرمود: می خواهم به سفر روم. این بار، توشه سفر من است که به

۱- دعای ۲۰.

۲- دعای ۳۰.

محله «حریز» می برم. گفتم: غلام من اینجاست. او بار شما را می برد، شما زحمت نکشید. فرمود: نه، خودم می برم. گفتم: بدهید من ببرم که اگر من این بار را به دوش گیرم، مقام شما را گرامی داشته ام. فرمود: ولی من خود را والاتر از کسی نمی دانم. مایه نجات من در سفر است و موجب سرور آن کسی است که من در این سفر بر او وارد می شوم. تو را به خدا، مرا تنها بگذار. آن گاه آن حضرت به راه خود ادامه داد.

چند روز گذشت. دیدم امام سجاد علیه السلامبه سفر نرفته است. آن حضرت را دیدم و عرض کردم: به مسافرتی که فرمودی در پیش دارم، نرفته ای؟ فرمود: ای زهری! منظورم از سفر، آن نبود که تو گمان کردی، بلکه سفر مرگ بود. برای این سفر آماده باش و بدان دوری از گناه، انجام کارهای نیک و کمک به دیگران آمادگی برای این سفر است. آری، حضرت آن بار انبان را برای مستمندان می برد تا توشه سفر آخرتش گردد.(۱)

سه ـ الگوی بندگی

سه ـ الگوی بندگی

«عبادت» از دیگر مفاهیم اخلاقی و تربیتی در صحیفه سجادیه است. امام سجاد در این زمینه می فرماید:

«سُبحانَکَ ما عَبَدْناکَ حَقَّ عِبادَتِک؛ منزه و پاکی تو، ما تو را چنان که سزاوار بندگی تو است، پرستش نکردیم».(۲)

ص: ۱۹۹

۱- اعیان الشیعه، ج ۱، ص ۶۳۳.

۲- دعای ۳.

«وَ اَعْبَدُهُم مُقَصِّرٌ عَنْ طاعَتِکَ؛ و پرستنده ترین آنان از فرمانبرداری ات ناتوان است».(۱)

«اَسْئَلُکَ... اَن تُغْنِیَنی عَنْ کُلِّ شَی ءٍ بِعبادَتِکَ؛ از تو می خواهم که مرا به وسیله عبادت و بندگی ات از هر چیز بی نیاز گردانی».(۲)

«وَ الْعَزیزَ مَن اَعَزَّتهُ عِبادَتُکَ؛ و گرامی کسی است که بندگی ات، او را عزیز کرده است».(۳)

در سلوک عبادی و عرفانی امام سجاد علیه السلام، رمز و رازهای بندگی نهفته است که می تواند الگوی بندگی برای مسلمانان باشد. طاووس یمانی، یکی از اصحاب و یاران امام سجاد علیه السلاممی گوید: شبی از کنار کعبه می گذشتم که دیدم امام سجاد علیه السلامبه حجر اسماعیل وارد شد و به نماز پرداخت. سپس به سجده رفت. با خود گفتم: این مرد صالح، از خاندان رسالت است. باید گوش کنم بدانم دعای آن حضرت در سجده چیست؟ شنیدم در سجده می فرمود:

عبیدك بفنائك، مسكينك بفنائك، فقيرك بفنائك، سائلك بفنائك.

بنده حقیر تو به در خانه تو آمده، بیچاره تو به در خانه تو آمده، فقیر تو به در خانه تو آمده، خواهنده ات به درگاه تو آمده است.

طاووس می گوید: آن دعا را یاد گرفتم و هرگاه در رفع اندوه و گرفتاری

۱- دعای ۳۷.

۲- دعای ۵۲.

۳- دعای ۳۴.

می خواندم، اندوه و گرفتاری ام برطرف می شد.(۱)

چهار ـ الگوی بخشایش

چهار ـ الگوی بخشایش

«عفو» از دیگر مفاهیم اخلاقی و تربیتی مورد تأکید در صحیفه سجادیه است. امام سجاد علیه السلامدر این زمینه می فرماید:

«وَ عَوِّضْنی مِن عَفْوی عَنْهُم عَفْوَکَ؛ و مرا از بخشایشم از ایشان، به عفوت عوض ده».(۲)

«یا من عفوُهُ اَکْثَرُ مِنْ نَقِمتِهْ؛ ای آن که بخشایش او از کیفرش بیشتر است».(۳)

«اَنتَ الَّذی عفْوُهُ اَعلی مِن عِقابِهِ؛ تو آنی که بخشایشش از کیفرش برتر است».(۴)

«وَ عَفْوُکَ تَفَضُّلٌ و عُقُوبَتُکَ عَدْلٌ؛ عفو و گذشتت (از گناهان)، احسان و نیکی کردن (بدون علت) است و عقوبت و کیفرت، عدل و داد است».(۵)

جلوه بخشایش در زندگی و گفتار امام سجاد علیه السلامنمایانگر اوج تقوا و وارستگی ایشان است. این صفت در زندگی او نمونه های بسیاری دارد. نقل شده است که علی بن اسماعیل، استاندار مدینه و از ستمگران زمان امام سجاد علیه السلامبود. در ستمگری او همین بس که امام فرمود: «دلم از دست علی بن اسماعیل خون است». پس از مدتی عبدالملک مروان

۱- ترجمه ارشاد، ج ۲، ص ۱۴۴؛ کشف الغمه، ج ۲، ص ۲۷۳.

۲- دعای ۳۹.

۳- دعای ۱۲.

۴- دعای ۱۶.

۵- دعای ۴۵.

دستور عزل او را صادر کرد و او را به درختی بستند. مردم دور او جمع می شدند، به او آب دهان می انداختند، توهین می کردند، سنگ پرتاب می کردند و کتکش می زدند.

راوی می گوید: می دانستم که امام سجاد علیه السلام از او عصبانی است. با خود گفتم به خانه امام بروم و ببینم چه خبر است. دیدم امام، اصحاب را جمع کرده است و می فرماید: یاران من، این شخص عزیز بوده است و اینک ذلیل شده است. همین بدبختی برای او بس است. مراقب باشید که به او توهین نکنید و شما او را ذلیل تر نکنید. پس این آیه را تلاوت فرمود: «خُذِ الْعَفْوَ وَ أْمُرْ بِالْعُرْفِ وَ أَعْرِضْ عَنِ الْجاهِلِينَ ». (اعراف: ۱۹۹)

راوی می گوید: فردا که می خواستم خدمت امام سجاد علیه السلام بروم، ایشان را دیدم که از دور می آید. چون چشم علی بن اسماعیل به امام افتاد، رنگش دگرگون شد. امام از دور فرمود: «علی بن اسماعیل، سلام علیکم.» پس نزدیک آمد و دست لطف بر شانه او نهاد و فرمود: «دل خوش دار که نامه ای برای عبدالملک مروان نوشته ام تا تو را از این ذلت نجات دهد. جواب نامه به زودی می آید و تو از این ذلت رهایی می یابی».(۱)

۳. محورهای قابل بررسی در صحیفه سجادیه

۳. محورهای قابل بررسی در صحیفه سجادیه

در حال حاضر، روند فعالیت رسانه در مورد مسائل دینی و مذهبی به

ص: ۲۰۲

۱- بحارالانوار، ج ۱۱، صص ۱۷ و ۲۷. برگرفته از: علی اصغر ابراهیمی فر، پندها و حکایت های اخلاقی.

گونه محسوسی کم رنگ شده است. کار کارشناسی در این حوزه صورت نمی گیرد و آموزه های دینی در قالب برنامه هایی بسیار ساده و تکراری و خسته کننده و بدون جاذبه تهیه می گردد؛ حال آنکه انتظار می رود پس از گذشت بیش از دو دهه از عمر انقلاب اسلامی، شاهد روند رو به رشد تهیه برنامه های دینی و مذهبی باشیم. البته این نقد، بدان معنا نیست که برنامه های مذهبی و دینی کم تهیه و تولید می شود. منظور آن است که این گونه برنامه ها باید با کیفیت بیشتر، آموزه های اسلامی را غیرمستقیم و هنرمندانه به مخاطبان خود منتقل سازند؛ به گونه ای که بینندگان و شنوندگان با دیدن فیلم ها و سریال هایی که در موضوع های اسلامی ساخته می شود، احساس خستگی نکنند.

صحیفه سجادیه از نظر قدر و منزلت، بزرگ ترین و مهم ترین گنجینه گران بهای حقایق و معارف الهی پس از قرآن مجید و نهج البلاغه به شمار می رود، ولی متأسفانه در رسانه مهمی چون صدا و سیما، مورد بی توجهی قرار گرفته است.

۴. بررسی عملکرد رسانه

۴. بررسی عملکرد رسانه

محورهای تربیتی صحیفه سجادیه که قابل بررسی و برنامه ریزی رسانه ای هستند، به طور کلی به دو دسته نظری و عملی تقسیم می شوند.

محورهای نظری قابل بررسی در میزگردها و نشست های علمی و پژوهشی شامل مبانی و اصول تربیتی صحیفه سجادیه است که عبارتند از: مبانی: «خود دوستی»، «خداخواهی»، «کمال خواهی»، «جاودانه خواهی»، «خوف و رجا»، «غفلت»، «دنیادوستی» و «اختیار»؛ اصول: «تقوا»، «توکل»، «زهد»، «ایجاد انگیزش»، «اصل کنترل و هدایت».

محورهای عملی که می توان بر اساس آنها برنامه تهیه کرد، شامل روش های تربیتی در صحیفه سجادیه است که عبارتند از:

۱. روش هـای شـناختی: این دسـته از روش ها به جنبه شـناختی انسان مربوط است. نقش این دسـته از روش های تربیتی، دادن بینش و شـناخت صـحیح به انسان است تا از خطاهای وی جلوگیری کند. تهیه کنندگان محترم می توانند با الهام گرفتن از این روش هـای تربیتی به تهیه و تولیـد برنـامه هـای علمی و داسـتانی جهت بالاـ بردن سـطح بینش و آگاهی جامعه اقـدام کننـد. با مطالعه تاریخ و سیره ائمه معصومین علیهم السلام، روش های تربیتی که در این دسته بررسی شده اند، عبارت است از:

الف) روش ارائه بینش

یک ــ بینش در مورد دنیا؛

دو ــ بینش در مورد حقیقت انسان؛

سه ــ بینش در مورد مرگ و معاد؛

ب) روش یاد خدا

۲. روش های گرایشی: این دسته از روش ها به بعد گرایشی انسان مربوط می شود و نقش آنها پیش گیری از انحراف گرایش هاست. روش های تربیتی که در صحیفه سجادیه بررسی شد، عبارتند از:

الف) روش توبه؛

ص: ۲۰۴

ب) روش کم شمردن خوبی ها و زیاد شمردن بدی ها؛

ج) روش یادآوری نعمت ها.

۳. روش های رفتاری: این دسته از روش ها نیز درباره جنبه رفتاری انسان است و نقششان، ترسیم الگوهای رفتاری صحیح و مناسب است تا انسان با عمل به این روش های رفتاری به اهداف مورد نظر مربی دست یابد. این دسته از روش ها عبارتند از:

الف) روش تکریم و احترام؛

ب) روش رفق و مدارا؛

یک ــ رفق و مدارا با والدین؛

دو ــ رفق و مدارا با همسایگان.

ج) روش نیکی در برابر بدی.

۵. پرسش های مردمی

۵. پرسش های مردمی

۱. در پی دنیا رفتن، پسندیده است یا خیر؟ در چه صورت پسندیده و در چه صورت ناپسند است؟

۲. نقش تذکر را در اصلاح و تربیت انسان توضیح دهید؟

۳. زهد به چه معناست؟ آیا به معنای پشت کردن به دنیا و در پی کار و تلاش نرفتن است؟

۴. یکی از روش های اصلاح و تربیت، شناخت صحیح و آگاهی از خود است. آیا شما تا به حال در مورد حقیقت خود فکر کرده اید؟ این فکر، چه اثری بر رفتارهای شما گذاشته است؟

ص: ۲۰۵

۵. باور به مرگ و معاد چه تأثیری بر رفتار انسان دارد؟

۶. بـا توجه به این فراز از دعـای صـحیفه سـجادیه که می فرمایـد: «یـا مَن حُضُورهُ دائم؛ ای آن که حضورش همیشـگی است»، نقش اعتقاد به حضور همیشگی خدا و ناظر بودن او چیست؟

۷. شما با همسایگان خود چگونه رفتار می کنید؟

۸. در زمینه «کم شـمردن خوبی ها و زیاد شـمردن بـدی ها» درباره والدین و دوسـتان خود چگونه رفتار می کنید؟ اثر این نوع رفتار چیست؟

۹. نقش روش تربیتی «نیکی در مقابل بدی» چیست؟ به نظر شما، تشویق در تربیت انسان مؤثرتر است یا تنبیه؟

۶. پرسش های کارشناسی

۶. پرسش های کارشناسی

۱. آیا کتاب شریف صحیفه سجادیه تنها یک کتاب دعاست؟

۲. انگیزه امام سجاد علیه السلام از انشای کتاب صحیفه سجادیه چیست؟

۳. ویژگی های انسان کامل در صحیفه سجادیه چیست؟

۴. نقش خداخواهی و خداجویی در تربیت انسان چیست؟

۵. رابطه خوف و رجا ـ که از مبانی تربیتی است ـ با اصل تقوا چیست؟

۶. آثار تقوا را برشمارید؟

۷. رابطه دنیادوستی با اصل تربیتی زهد چیست؟

۸. رابطه غفلت با اصل تربیتی تذکر چیست؟

۹. نگرش صحیفه سجادیه به دنیا، حقیقت انسان، مرگ و معاد چیست؟

۱۰. نقش توبه در اصلاح و تربیت انسان چیست؟

۱۱. با توجه به این دعا از امام سجاد علیه السلام، صفات پرهیزکاران را بررسی کنید؟

و زیور پرهیزکاران را به من بپوشان با گستردن عدل و داد و فرو نشاندن خشم و خاموش کردن آتش دشمنی و گرد آوردن پراکندگان و اصلاح فساد بین مردم و فاش کردن خیر و نیکی، و پنهان ساختن عیب و زشتی و نرم خویی و فروتنی و نیکو روشی و سنگینی، و خوش خویی و پیشی گرفتن نیکی و برگزیدن احسان بی آنکه جزای احسانی باشد و سرزنش نکردن و همراهی نکردن به غیرمستحق و گفتن حق، اگرچه سخت باشد و کم شمردن نیکی در گفتار و کردارم، اگرچه بسیار باشد و بسیار شمردن بدی در گفتار و کردارم، اگرچه کم باشد و آنچه را بیان شد، برای من به وسیله هموارگی طاعت و فرمانبری و همیشه بودن با جماعت و واگذاشتن بدعت گذاران و آن که رأی و اندیشه اختراع شده به کار برد، کامل گردان.(۱)

۱۲. آیا در صحیفه سجادیه به جنبه تربیتی انسان نیز پرداخته شده است؟ به دیگر سخن، آیا جنبه ها و مسائل تربیتی از این کتاب به دست می آید؟

۱۳. نظام تربیتی صحیفه سجادیه از چه مبانی و اصولی تشکیل شده است؟

۱۴. صحیفه سجادیه از چه روش های تربیتی بهره برده است؟

۱۵. اهداف تربیتی مورد نظر صحیفه سجادیه کدامند؟

۱۶. نقش ایجاد انگیزه در رو آوردن فرزندان به مسائل اخلاقی، دینی و تحصیلی چیست؟ بهترین راه های ایجاد انگیزه چیست؟

۱- دعای ۲۰، بند ۱۰.

۱۷. چگونه رفتاری با پدر و مادر مورد نظر امام سجاد علیه السلام است؟

۱۸. از دیدگاه امام سجاد علیه السلام، انسان ها به ویژه مؤمنان در ارتباط اجتماعی خود چه حقوقی در مقابل یکدیگر دارند؟

۱۹. از دیدگاه امام سجاد علیه السلام، هدف از تأمین اقتصادی چیست؟

ص: ۲۰۸

کتاب نامه

کتاب نامه

کتاب

۱. آریان پور، منوچهر، فرهنگ پیشرو آریان پور، تهران، نشر جهان رایانه، چاپ اول، ۱۳۷۷.

۲. آقا بزرگ تهرانی، محمدحسن، الذریعه الی تصانیف الشیعه، بیروت، دارالاضواء، الطبعه الثانیه، ۱۳۷۸ ه . ق.

۳. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، منشورات مکتبه آیت اللّه مرعشی نجفی، چاپ دوم، ۱۴۰۴ ه . ق.

۴. ابن الجوزی، عبدالرحمن ابن علی، تذکره الخواص، نجف، المطبعه الحیدریه، ۱۳۸۳ ه . ق.

۵. ابن بابویه قمی، ابی جعفر محمد بن علی بن الحسین، معانی الاخبار، قم، منشورات مکتبه المفید، [بی تا].

۶. ابن خلکان، ابو العباس شمس الدین احمد بن محمد بن ابی بکر، وفیات الاعیان و انباء ابناء الزمان، قم، الناشر الشریف الرضی، چاپ هشتم، ۱۳۶۴.

۷. ابن صباغ، علی بن محمد، فصول المهمه فی معرفه احوال الائمه علیهم السلام، بیروت، دار الاضواء، ۱۴۰۹ ه . ق.

۸. ابن طاووس، علی بن موسی، اقبال الاعمال، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۱۴ ه . ق.

۹. ابن فتال، محمد، روضه الواعظین، النجف، المکتبه الحیدریه، ۱۳۸۶ ه . ق.

۱۰. ابن مکی العاملی (شهید اول)، ابی عبداللّه محمد، الدروس الشریعه فی الفقه الامامیه، قم، صادقی، ۱۳۹۸ ه . ق.

۱۱. ابن منظور، لسان العرب، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ اول، ۱۴۱۶ ه . ق.

۱۲. ابوعلی محمد بن اسماعیل، منتهی المقال، قم، مؤسسه آل البیت علیهم السلاملاحیاء التراث، ۱۴۱۶ ه . ق.

۱۳. احسانی، محمد، تربیت اسلامی، تهران، نشر تربیت اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۹.

۱۴. احمد بن فارس، معجم مقاییس اللغه، بیروت، دار الجیل، چاپ اول، ۱۴۱۱ ه . ق.

۱۵. احمدی، احمد، اصول و روش های تربیت در اسلام، تهران، دفتر مرکزی جهاد دانشگاهی، ۱۳۶۸.

۱۶. اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمه فی معرفه الائمه، تبریز، مکتبه بنی هاشمی،۱۳۸۱ه .

ق.

۱۷. اسمیت، فیلیپ جی، فلسفه آموزش و پرورش، مترجم: سعید بهشتی، مشهد، آستان قدس رضوی، چاپ اول، ۱۳۷۰.

۱۸. التومی، عمر محمد، الفلسفه التربیه الاسلامیه، طرابلس، ۱۹۸۵ م.

۱۹. امین، محسن، اعیان الشیعه، بیروت، دارالتعارف، ۱۴۰۳ ه . ق.

۲۰. امینی، ابراهیم، اسلام و تعلیم و تربیت، انتشارات انجمن اولیا و مربیان ایران، چاپ اول، ۱۳۷۲.

۲۱. باقری، خسرو، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، تهران انتشارات مدرسه، چاپ چهارم، ۱۳۷۶.

۲۲. بحرانی، یوسف، حدایق، نجف، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۶ ه . ق.

۲۳. بلاغی، صدر الدین، ترجمه و شرح صحیفه سجادیه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، [بی تا].

۲۴. پارسا، محمد، انگیزش و هیجان، تهران، دانشگاه پیام نور، ۱۳۷۵.

۲۵. پیشوایی، مهدی، سیره پیشوایان، قم، مؤسسه تحقیقاتی امام صادق علیه السلام، چاپ چهارم، ۱۳۷۵.

۲۶. جوادی آملی، عبداللّه ، مراحل اخلاق در قرآن، قم، انتشارات اسوه، چاپ اول، ۱۳۷۷.

۲۷. جوهری، اسماعیل بن حماد، صحاح اللغه، بیروت، دار العلم للملایین، ۱۳۹۹ ه . ق.

۲۸. حاجی ده آبادی، محمدعلی، درآمدی بر نظام تربیتی اسلام، قم، مرکز جهانی علوم اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۷.

۲۹. حسینی، سید علی خان، ریاض السالکین، قم، مؤسسه النشر الاسلامی التابعه لجماعه المدرسین، چاپ اول، ۱۴۰۹ ه . ق.

۳۰. حسینی، سید علی خان، ریاض السالکین، مؤسسه النشر الاسلامی التابعه لجماعه المدرسین قم، چاپ چهارم، ۱۴۱۵ ه . ق.

۳۱. حسینی عاملی، جعفر مرتضی، دراسات و بحوث فی التاریخ و الاسلام، قم، مؤسسه النشر الاسلامی التابعه لجماعه المدرسین قم، چاپ دوم، ۱۴۰۹ ه . ق.

۳۲. حسینی میرداماد، محمدباقر، شرح الصحیفه السجادیه، اصفهان، مهدیه میرداماد، ۱۴۰۶ ه . ق.

۳۳. حسینی نسب، داوود، فرهنگ واژه ها و تعاریف تعلیم و تربیت، تبریز، نشر احرار، ۱۳۷۵.

۳۴. دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، انسان از دیدگاه اسلام، تهران، سازمان سمت، چاپ اول، ۱۳۷۷.

۳۵. ــــــــــــــــــــــ، اهداف تربیتی از دیدگاه اسلام، تهران، سازمان سمت، چاپ اول، ۱۳۷۶.

۳۶. ــــــــــــــــــــــ، فلسفه تعلیم و تربیت، تهران، سازمان سمت، چاپ اول، ۱۳۷۲.

۳۷. ــــــــــــــــــــــ، مبانی اقتصاد اسلامی، تهران، سازمان سمت، چاپ اول، ۱۳۷۱.

۳۸. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، تهران، مؤسسه انتشارات دانشگاه، ۱۳۷۲.

۳۹. راغب اصفهانی، مفردات فی غرایب القرآن، دفتر نشر الکتاب، چاپ دوم، ۱۴۰۴ ه . ق.

۴۰. ــــــــــــــــــــــ، مفردات فی غرایب القرآن، طهران، مکتبه البوذر جمهری المصطفوی، ۱۳۷۳ ه . ق.

۴۱. رجبی، محمود، انسان شناسی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمه الله، چاپ سوم، ۱۳۷۸.

۴۲. زبیدی، محمد مرتضی، تاج العروس، بیروت، دار مکتبه الحیاه، [بی تا].

۴۳. شعرانی، ابوالحسن، ترجمه و شرح صحیفه سجادیه، تهران، کتاب فروشی اسلامیه، [بی تا].

۴۴. شکوهی، غلام حسین، تعلیم و تربیت و مراحل آن، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ چهاردهم، ۱۳۷۳.

۴۵. ــــــــــــــــــــــ، مبانی و اصول آموزش و پرورش، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ هفتم، ۱۳۷۴.

۴۶. شهر آشوب، محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب، بیروت، در الاضواء، ۱۴۰۵ ه . ق.

۴۷. شهیدی، سیدجعفر، ترجمه و شرح نهج البلاغه، انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، چاپ چهارم، ۱۳۷۲.

۴۸. ــــــــــــــــــــــ، زندگانی علی بن الحسین علیه السلام، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ ششم، ۱۳۷۴.

۴۹. شیخ طوسی، ابی جعفر محمد بن الحسین بن علی، مصباح المتهجد و سلاح المتعبد، [بی جا]، [بی تا].

۵۰. صدر، حسن، تأسیس الشیعه لعلوم الاسلام، مرکز النشر و الطباعه العراقیه المحدوده، [بی تا].

۵۱. صفوی، امان اللّه ، کلیات روش ها و فنون تدریس، تهران، نشر معاصر، چاپ پنجم، ۱۳۷۴.

۵۲. طباطبایی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، چاپ سوم، ۱۳۹۳ ه . ق.

۵۳. ________________________ ، تفسیر المیزان، مترجم: سید محمدباقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین، ۱۳۷۷.

۵۴. طبرسی، ابو علی فضل بن حسن، اعلام الوری باعلام الهدی، قم، مؤسسه آل البیت لاحیاء التراث، چاپ اول، ۱۴۱۷ ه . ق.

۵۵. طبری، محمد بن جریر بن رستم، دلائل الامامه، چاپ سوم، قم، منشورات رضی، ۱۳۶۳.

۵۶. طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، تهران، مرتضوی، ۱۳۶۲.

۵۷. فلسفی، محمدتقی، شرح و تفسیر دعای مکارم الاخلاق، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۰.

۵۸. فیض الاسلام، علی نقی، ترجمه و شرح صحیفه سجادیه، تهران، انتشارات فیض الاسلام، ۱۳۷۳.

۵۹. قائمی، علی، زمینه تعلیم و تربیت، انتشارات امیری، ۱۳۶۸.

۶۰. قرشی، باقر شریف، نظام تربیتی اسلام، انتشارات فجر، چاپ اول، ۱۳۶۲.

۶۱. قطب، محمد بن عمر بن عبدالعزیز، رجال کشی، کربلا، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، [بی تا].

۶۲. قمی، حسن بن محمد بن حسن، تاریخ قم، ترجمه: حسن بن علی بن حسن قمی، تصحیح: سید جمال الدین تهرانی، تهران، انتشارات توس، ۱۳۶۱.

۶۳. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، تصحیح و تعلیق: علی اکبر غفاری، تهران، مکتبه الصدوق، ۱۳۸۱ ه . ق.

۶۴. مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار، بیروت، مؤسسه الوفاء، چاپ دوم، ۱۴۰۳ ه . ق.

۶۵. ________________________ ، بحارالانوار، تهران، المکتبه الاسلامیه، ۱۳۹۴ ه . ق.

۶۶. محدثی، جواد، سینای نیاز، تهران، نشر سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۷۲.

۶۷. محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، مکتبه الاعلام الاسلامی، چاپ سوم، ۱۳۷۱.

۶۸. مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین بن علی، اثبات الوصیه، قم، مؤسسه انصاریان، چاپ اول، ۱۴۱۷ ه . ق.

۶۹. مصباح یزدی، محمدتقی، آموزش عقاید، تهران، مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ سیزدهم، ۱۳۷۴.

۷۰. ________________، اخلاق در قرآن، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمه الله، ۱۳۷۶.

۷۱. مصباح یزدی، محمدتقی، بر درگاه دوست، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمه الله، چاپ اول، ۱۳۷۶.

۷۲. ________________، راهیان کوی دوست، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمه الله، ۱۳۷۴.

۷۳. ________________، ره توشه، ج اول، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمه الله، چاپ اول، ۱۳۷۵.

۷۴. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۰.

۷۵. مطهری، مرتضی، آشنایی با علوم اسلامی، تهران، صدرا، ۱۳۶۸.

۷۶. ________________، اخلاق جنسی، تهران، صدرا، چاپ چهارم، ۱۳۶۸.

۷۷. ________________، انسان در قرآن، تهران، صدرا، ۱۳۶۹.

۷۸. ________________، تعلیم و تربیت در اسلام، تهران، انتشارات صدرا، چاپ بیست و ششم، ۱۳۷۴.

۷۹. ________________، حکمت ها و اندرزها، تهران، صدرا، ۱۳۶۹.

۸۰. ________________، سیری در سیره نبوی، تهران، صدرا، ۱۳۶۹.

۸۱. ________________، سیری در نهج البلاغه، قم، دارالتبلیغ اسلامی، ۱۳۵۴.

۸۲. ________________، عدل الهی، تهران، صدرا، ۱۳۶۹.

۸۳. ________________، فطرت، تهران، انتشارات صدرا، چاپ اول، ۱۳۶۹.

۸۴. مظفر، محمدحسین، الدلیل الی موضوعات الصحیفه السجادیه، قم، انتشارات اسلامی، ۱۳۶۲.

۸۵. مفید، ابوعبداللّه محمد بن محمد النعمان، الاختصاص، قم، مؤسسه النشرالاسلامی التابعه لجماعه المدرسین، [بی تا].

ص: ۲۱۳

۸۶. ________________________________ ، الارشاد، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۹ ه . ق.

۸۷. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، انگیزه پیدایش مذاهب، قم، انتشارات هدف، [بی تا].

۸۸. ________________________________ ، تفسیر نمونه، قم، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۶.

۸۹. موسوی مقرم، سید عبدالرزاق، زندگانی امام زین العابدین علیه السلام، ترجمه: حبیب روحانی، مشهد، آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهش های اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۴ ه . ق.

۹۰. میر معزی، حسین، نظام اقتصادی اسلام، تهران، کانون اندیشه جوان، چاپ اول، ۱۳۷۸.

۹۱. نادری، عزت الّله و نراقی، مریم سیف، روش های تحقیق، دفتر تحقیقات و انتشارات بدر، چاپ دوازدهم، ۱۳۷۶.

۹۲. نمازی، حسین، نظام های اقتصادی، تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۴.

۹۳. واعظی، احمد، انسان از دیدگاه اسلام، تهران، سمت، چاپ اول، ۱۳۷۷.

۹۴. هوشیار، محمدباقر، اصول آموزش و پرورش، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۲۷.

پایان نامه ها

۱. بخشی، علی اکبر، بررسی انگیزه کمال مطلق جویی از دیدگاه اسلام، کارشناسی ارشد رشته مدیریت، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمه الله، ۱۳۷۸.

۲. حق دوست، دریه، اصول و مبانی تربیتی در صحیفه سجادیه، کارشناسی ارشد رشته فلسفه تعلیم و تربیت، قم، مرکز تربیت مدرس حوزه علمیه، ۱۳۷۳.

۳. رنجبر، محسن، نقش امام سجاد علیه السلام در رهبری شیعه بعد از واقعه کربلا، کارشناسی ارشد رشته تاریخ، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمه الله، ۱۳۷۸.

۴. طوسی، اسد الّله ، روش های تربیتی انذار و تبشیر در قرآن، کارشناسی ارشد رشته علوم تربیتی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمه الله، ۱۳۷۷.

۵. گرجی، رضا، اصول و روش های تربیتی از دیدگاه امام زین العابدین علیه السلام، کارشناسی ارشد رشته فلسفه تعلیم و تربیت، کرج، دانشگاه آزاد، ۱۳۷۶.

۶. مظلوم، بی بی فاطمه، قلب سلیم در صحیفه سجادیه، کارشناسی ارشد رشته علوم قرآن و حدیث، قم، مرکز تربیت مدرس

حوزه علمیه، ۱۳۷۳.

۷. مهـدی زاده، حسـین، بررسـی جایگـاه عقـل در تربیت از دیـدگاه امـام موسـی کاظم علیه السـلام در روایت هشام بن حکم، کارشناسی ارشد رشته علوم تربیتی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمه الله، ۱۳۷۷.

ص: ۲۱۴

مجله

۱. آموزگار، حسن، «تشویق و تنبیه در خانواده»، مجله پیوند، انجمن اولیا و مربیان، ۱۳۶۱، دوره ۵، شماره ۷.

۲. احمدی، علی اصغر، «جامع نگری در تنبیه و تشویق»، مجله تربیت، دوره ۵، شماره ۷.

۳. اعرابی، غلام حسین، «سیمای صحیفه سجادیه»، کوثر، شماره ۳۲، ۱۳۷۸.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِی الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که مـا را در دستیـابی به این هـدف یـاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادنـد تقـدیر و تشـکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصـفهان -خیابان عبـدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شـهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹


مرکز تحقیقات رایانه ای
قائمیه
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹